



سپاه دانش

نمایش حیثیت و اعتبار سپاهیان دانش در گذرگاه تاریخ

نتایج ارزنده‌ایکه سال گذشته از نمایشگاه‌کار-های سپاهیان دانش در پاریس و لندن بدست آمد، سازمان‌سپاه دانش‌را بر آن داشت تا در سال جاری این نمایشگاه‌ها را در سطحی وسیع‌تر و در خدی چشم‌گیرتر بمعرض دید جهانیان بگذارد . اصولا در دنیای پیشرفته امروز، طرح ریزی و اجرای برنامه های مطلوب فرهنگی و اجتماعی وقتی ارزش عملی و حتی علمی دارد که مبتنی براطلاعات آماری وخصوصا متکی بر مشاهده و بررسی عینی باشد. تشکیل نمایشگاه عکس از فعالیت های سپاهیان دانش و نشان دادن آرمان های آن، حذفی است که از سوی وظایف و برنامه دولت‌ها و حاکمیت‌ها را تعیین می‌کند و از سوی نشان می‌دهدکه چگونه باید از نیروی جوانان مستعد و آماده ابراز شخصیت، آماده اثر بخشیدن و مفید بودن، در طریق صحیح و حساب شده استفاده کرد .

وقتی از پدیده های انقلاب، برداشت‌های انقلاب و خصوصا نمود های بی‌تظاهر کوشش سپاهیان در ممالک خارج نمایشگاهی ترتیب داده میشود، باین معنا است که به شخصیت و خلافت جوان ایرانی احترام گذاشته میشود و ایده و هدف فرهنگ ایرانی تحت رهبری خردمندان پادشاهش در مظان تفکر و تعمق قرار میگیرد .

آنجا که سپاهی خون گرم و مهربان در کلاس، در فضای باز، در روز و در شب، صمیمانه انقلاب را پاسداری می‌کند و با لباس نظامی نقش فرهنگ پروری را انجام میدهد. آنجا که کار های عمرانی، اصلاحی و اجتماعی برای پی‌ریزی عدالت و مساوات و برخورداری از مواهب الهی و انسانی، آنهم در روستائی معهود، تعقیق می‌گیرد، لازم است برای بزرگداشت و تجلیل از آن در هر کوی و برزنی و در هر دیاری برایش حماسه‌ها خواند و برایش رسانه‌ها نوشت .

در معرض دید جهانی گذاشتن کوشش‌های بی‌دریغ سپاهیان، نه تنها تجلیلی از کار آنان است، بلکه ضربه تکان دهنده‌ای است برای آگاهی ملت‌هایی که فارغ از ارزش انسانی، احترام انسانی و خصوصا خدمت‌سیاسی

این شماره در يك نگاه

صفحه ٤	
» ٥	● کورش کبیر
» ٦	● کورش ، که رسالتش رسالت الهی بود
» ١٠	● هدنیهای تعلیم و تربیت در روستاها
» ١٢	● حروف الفبا (داستانی از عزیز نسین)
» ١٤	● آفتاب و دریا
» ٢٣	● افسانه پرواز و
» ٢٤	● از میان خبرهای سازمان سپاه دانش
» ٢٤	● لویی برای (زهدگی نوابغ)
» ٢٦	● زبان و ادبیات
» ٣٠	● نقش غذا در سلامت انسان
» ٣١	● ضد عفونی کردن بدن پنبه
» ٣٢	● شعر و ادب
» ٣٤	● اثر ورزش و حرکت در بدن
» ٣٦	● تدریس لوحها
» ٣٨	● گوشه‌ای از تاریخ و ...
» ٤٠	● کودکان فراری از درس
» ٤٢	● افسانه سیمرغ (داستان کودکان)
» ٤٧	● لطیفه ها
» ٤٨	● هنر تهیه آفیش
» ٥١	● دبستان یادبود پیش‌آهنگان انقلاب
» ٥٢	● تعاونی‌ها و فعالیتهای تابستانی
» ١٥٢	● کشاورزی و شرکتهای تعاونی
» ٥٤	● از اتم تا کهنکشانها
» ٥٨	● بهداشت روحی
» ٦٠	● نان بیات (داستان)
» ٦٢	● سرگرمی و مسابقه
» ٦٣	● صفحه‌های ویژه فعالیتهای سپاهیان دانش

و اجتماعی دولت ها، در چون کشت و کشتار و پایمال کردن اعتبار بشری دست‌وپا می‌زنند .

وحدت نوع بشر در جامعه متشکل و یک پارچه ایرانی، باحس همدردی و نوع پروری آن، حکایتی است که از آغاز تکوین و موجودیت‌پایی لغظه های زمان حرکت داشته و پیش آمده و در عصر حاضر، از برکت انقلاب در مرحله درخشانی سیر می‌کنیم که مدتی دیگر اثرها و جوش‌ها و پدیده‌هایش در «اروپا و امریکا» برای بار دوم حیثیت و اعتبار قوم ایرانی را جواب‌گو خواهد بود و وشنگر خواهد شد .

فرهنگ ما چهره و نشانه‌ای دارد که همیشه‌دیوار زمان را شکسته و مرزها را درهم نوردیده تا مظاهر فکری و علمی و انسانی ادب خود را در خدمت بشریت قرار دهد که باید گفت ایجاد سپاه دانش و نمونه های بی تظاهر فعالیت آنان در نمایشگاه های اروپایی و امریکائی، برگردانی خواهد بود از این وحدت قوم ایرانی، اشتراك مساعی قوم ایرانی وحس تعاون و دلسوزی و هم‌بستگی میان گروه های اجتماعی قوم ایرانی .

نمایشگاه فعالیت سپاهیان دانش بخوبی نشان خواهد داد که در کشور ما چگونه سند محکومیت نسلی درمانده و محروم از نعمت خواندن و نوشتن باطل شده و چگونه در تاریخ بشریت، شرافتمندانه‌ترین تلاش برای بر چیدن ظالمانه‌ترین بساط تکوین گردیده است .

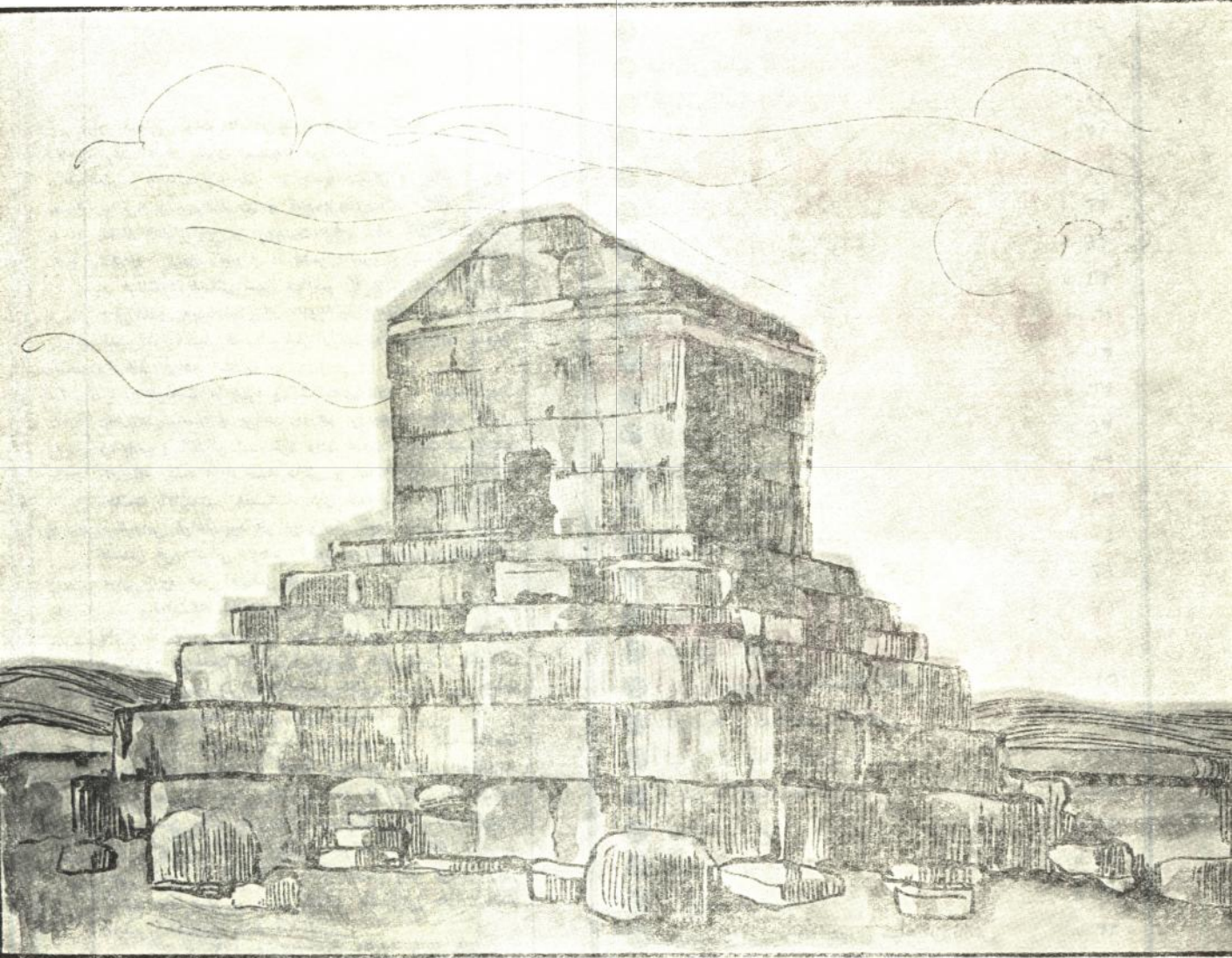
برای چنین برداشت و واقعیتی است که سازمان سپاه دانش، حیثیت و اعتبار سپاهیان دانش را در گذرگاه تاریخ ب معرض نمایش گذاشته است تا ایران حاکمیت خود را بر سنن عالیه معنویت و فرهنگ بشری معرزدار دوازده سونی کوشش کند که جهش و حرکت این پیکار از مرز های کشور، پر بکشاید و رایت نهفت بشر دوستی را در کشور های دیگر بر زمین بکوبد. باشد تا این حقیقت انکار ناپذیر، همداری باشد در پذیرش:

«تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی»

ایرج صمدی

کوروش کبیر

از : سیروس صارمی



و تولید ثروت هنگفت گردید. جاده سلطنتی هخامنشان از شوش تا سارد بطول ۲۵۶۰ کیلومتر کشیده شد. در این جاده یکصد و ده دستگاہ توقفگاه وجود داشت و به کاروانها امکان میداد که کالاها را در سراسر امپراطوری در مدتی کمتر از ۹۰ روز به مقصد برسانند. نامه‌ها از این راه تنها در يك هفته به مقصد میرسید و

در نزدیکی پرسپولیس، شاهنشاهی ایران را که نخستین امپراطوری جهان است با دوران سلطنت ۲۳۰ ساله خود و خاندانش بنیان گذارد.

دوره تاریخی از نیل تا سیحون و از دریای اژه تا رود گنگ آغاز شد، ثبات بی سابقه‌ای بدست آمد و حکومتی دلخواه ظاهر گشت. شبکه‌ای از ارتباطات موجب تشویق بازرگانی

ظهور کوروش کبیر در دنیای کهن از مهم‌ترین حوادث جهان بشمار میرود. کوروش دنیایی کهنه و اجور را در هم ریخت و بر روی آن خالوده نوی را برپا کرد و نخستین اعلامیه حقوق بشر را که تا امروز نیز مورد اعجاب جهانیان است انتشار داد. کوروش، حدود ۵۵۹ سال قبل از میلاد، پس از شکست پادشاهان،

بدین ترتیب ، این اولین و قدیمی ترین و سریع ترین پیک های جهان است که آغاز بکار کرد . علاوه بر آن راه ، از شوش تا تخت جمشید ، و راه شوش تا اکباتان سنگ فرش شده بود .

شاهکارهای قابل توجه هخامنشیان صرفا مربوط به دلاوری و قدرت کارشان نبود ، بلکه بستگی به هوش فوق العاده آنان هم داشت . آن ها توانایی طرح نقشه های وسیع و قابلیت اداره عمل آن را داشتند . این ظرفیت کار و قدرت ، بادیستکی های انسانی تقویت شده بود و ایمان شریفی را به وجود آورده بود که الهام بخش گذشت های نژادی ، مذهبی و فرهنگی بود و حس عدالت گستری نیرومندی

نیرومندی و منابع اقتصادی بی سابقه بود و از همه مهمتر این که آمیخته با ارزش های اخلاقی و معنوی نوینی بود ، با علم به اینکه تا آن تاریخ کشوری که قابل قیاس با آن باشد وجود نداشته است . کوروش و داریوش در کتیبه های خود تصریح کرده اند که فقط به خواست اهورامزدا ، خدای بزرگ ، چنان نیرومند شده اند . کوروش با دانایی و توانایی تمام پس از تصرف «سارد» و «لیدی» و «همدان» در ۵۳۸ پیش از میلاد شهر بزرگ بابل را با تمام ابهت و عظمت و شهرتش تسخیر کرد .

فتح بابل دوره جدیدی در دنیای قدیم به وجود آورد . دنیایی که برای نخستین بار بمعنی آزادی پی میبرد

پرستش خدایان آزاد گذارد و با رفتارهای انسانی خود ، بصورت یک بشر خارق العاده و نمونه در نظر مردم دنیای آنروز جلوه گر شد . بنحوی که همه مردم دنیا از هر ملت و کشوری او را آقا و پدر خود خطاب میکردند و یهودیان او را در شمار پیامبری بزرگ دانسته و می دانند و به لحاظ همین علاقه و احترام خاص بود که کوروش در ۵۳۸ پیش از میلاد ، با وجود علاقه وافری که به پارس و پاسارگاد داشت تقاضای مردم بابل را اجابت کرد و مراسم تاجگذاری او با شکوه فراوان و تجمل فوق العاده در بابل شهری که شگفتی های درون آن ، دنیای قدیم را به طرف خود کشیده بود ،

آنچه در زیر ملاحظه میفرمائید متن سخنرانی آقای عدلی خطیب وزارت آموزش و پرورش است که در تاریخ بیست و نهم اردیبهشت ماه سال جاری به مناسبت بزرگداشت جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران ، در دبستان عاصی ایراد کرد .

ای افسر ساسانی و ای تاج کیانی
برخسرو ایران ابدالدهر بنایی

سیاس و ستایش خدای را که
مدد توفیق اوجمال حال ما بیاراست
تا در پرتو ابتکار گرامی وزیر دانشمند
جناب بانو دکتر پارسا این مجلس به
بقیه در صفحه ۷۲

کوروش

پادشاهی که رسالتش رسالت الهی بوده است

نیز نقش اساسی ایفاء میکرد . بدون شك امنیت که در ۲۰۰ سال صلح نسبی پست آمد (حداقل صلحی که از يك تجاوز عمده بر کنار بود) موجب تقویت و حمایت گروه های مختلف مردم از کوروش و اخلاف او شد .

کارهایی که کوروش و داریوش انجام میدادند ، زاینده احساسی عمیق بود و صرفا بخاطر پیروزی در جنگها و قدرت طلبی و کسب ثروت نبود ، بلکه بر اثر اعتقاد آنان به این امر بود که باید جهان شناخته شده آن زمان به زیر سلطه يك حکمران در آید .

ایران در آن زمان ، کشوری تازه سازمان یافته بود که از لحاظ وسعت ،

و برای نخستین بار عدالت و انصاف را که تا آنروز مفهومی نداشت بخود می دید و به وسیله کوروش ، بندگان و بردگان جهان آزاد میگرددند . فتح بابل اثرات نیکو و عمیقی در تاریخ بشریت بجا گذارد ، زیرا کوروش حقیقتا و عملا به دوران ظلم و ستم بی حساسی که رواج داشت خاتمه داد . همه یهودیان را که بابلها آنان را از فلسطین به اسارت آورده بودند آزاد کرد و پولهای فراوان برای ترمیم معابد آنان در فلسطین در اختیار ایشان گذارد . همه اسرا را آزاد کرد و بانان خرج سفر داد تا اگر مایلند به کشورهای خودشان بازگردند و اهالی بابل را نیز در

شهری که ابهت و عظمت معابد آن با تمام خدایانش ، ملیت های بزرگ مانند مردم جزیره عربستان را وادار به تسلیم کرده بود انجام شد . کوروش بهنگام تاجگذاری بیانیه معروف خود را که به حق والاترین و بالاترین اعلامیه جهانی است انتشار داد . این بیانیه در حقیقت منشور آزادی در جهان محسوب میشود و به یقین همان فرمان آزادی مردم در مقابل بندگی و اسارتی است که پیش از او دنیای قدیم را فرا گرفته بود . منشور آزادی کوروش که بصورت استوانه گلی پخته ای با خط میخی است در سال ۱۸۷۹ میلادی بهنگام کاوش در شهر بابل قدیم بقیه در صفحه ۷۱

هدفهای تعلیم و تربیت در روستاها

در بحث قبلی خود (مجله شماره مخصوص ششم بهمن ۹۰، صفحه ۲۰۹) بعضی از تفاوت‌های موجود بین شهر و روستا را بطور مختصر تعیین کردیم. اکنون بحث را در این مورد ادامه میدهیم و هدفهای تعلیم و تربیت در روستاها را تعیین می‌کنیم، سپس تعلیم و تربیتی را که شایسته و مناسب روستائیان باشد پیشنهاد خواهیم کرد. میدانیم چگونگی و نظام تعلیم و تربیت هر مملکتی عامل اصلی و اساسی در راه پیشرفت آن بشمار میرود. در ممالک در حال توسعه و بخصوص مسالکی که اقتصاد کشاورزی در آنها رشد بیشتری دارد و اکثریت افراد در روستاها ساکن هستند، برای نوسازی جامعه در راه تحول صنعتی توجه عمیقی به تعلیم و تربیت روستائیان لازم و ضروری است.

با توجه به ضرورت توسعه و بهبودی که باید در تعلیم و تربیت روستائی ایران انجام شود، قبلا هدف تعلیم و تربیت را باید مشخص کنیم. در این مورد عقاید و نظرات فراوان و متعددی بیان شده که شاید بتوان گفت مفاهیم یکسانی در قالب کلمات جداگانه‌ای ارائه شده است. در این مورد گفتار دو گروه جامعه شناس و روانشناس جلب نظر می‌کند که هر یک کوشیده‌اند هدفهای تعلیم و تربیت را بفراخور علم خود ارائه دهند:

۱ - گروه روانشناسان: پیرمان این نظریه هدف تعلیم و تربیت را ایجاد تغییرات مطلوب در جسم و جسان آدمی میدانند. این تعریف قابل بررسی است و باید تغییرات مطلوب را روشن و مشخص نمائیم، زیرا تغییرات مطلوب در هر جامعه و حتی در هر فردی با در نظر گرفتن اختلاف در عقیده‌ها و خواست‌هایش با دیگران، متفاوت خواهد بود، ولی

برای آغاز بحث این تعریف را می‌پذیریم.

۲ - گروه جامعه شناسان: پیروان این عقیده، هدف تعلیم و تربیت را پرورش فردیت انسان و تبدیل آن به حالت اجتماعی میدانند، بطوریکه فرد بتواند از جامعه بهره برگیرد و متقابلا برای جامعه مفید واقع شود. زمانی که جریان یادگیری را در کودک مورد بررسی قرار میدهیم و می‌بینیم که یادگیری کودک از محیط جریانی دو طرفه و بصورت کنش و واکنش (interaction) میباشد، تعریف این گروه مصداق بیشتری پیدامی‌کند، زیرا معتقدند یادگیری از طریق کنش متقابل کودک با محیط انجسام می‌پذیرد.

دانشمندان مختلف هدفهای تعلیم و تربیت را بطریق متعددی بیان داشته‌اند که هر یک در جای خود قابل بررسی است. برای روشن شدن بحث به برخی از آنها اشاره میشود:

* ۱ - ح. ح. هورن (H. H. Horne) هدف اصلی تعلیم و تربیت را فهمیدن و درک ارزش‌های زندگی میدانند. بنظر او هدف انفرادی تعلیم و تربیت پرورش شخصیت از نظر جسمانی و اجتماعی است.

* ۲ - ویلیام ب. راگان (W. B. Ragan) اصولا تعلیم و تربیت را با توسعه و بهبود زندگی مربوط میدانند. بنظر او باید تعلیم و تربیت بتواند زندگی کودکان و بزرگسالان را از هر لحاظ بهتر و غنی تر نماید، و چنین بهبودی باید از زمان تحصیلات ابتدائی آغاز شود. در نتیجه برنامه مدارس ابتدائی باید با آرمان‌ها، حقایق فرهنگی، نیازها و خصوصیات شاگردان سازگار باشد.

طراحان برنامه‌های تربیتی با توجه به آداب و سنن، رسوم و امکانات



جامعه به طرح و تهیه برنامه‌های تربیتی اقدام می‌کنند .

هدف تعلیم و تربیت روستائسی نباید به آموزش خواندنی و نوشتن و حساب کردن و انباشتن فکر از تئوری محذوظات محدود شود ، زیرا اگر چه این هدف لازم است ، ولی برای پیشرفت بسوسوی یک زندگی صنعتی کفایتی نیست . این تسوع آموزش‌ها مسوجب میشود که خواست‌ها و انتظارات خفته مردم بیدار شود ، ولی چون بخودی خود امکاناتی برای بهبود زندگی در اختیار آنها قرار نمیدهند ، در نتیجه به هرج و مرج اقتصادی و اجتماعی منجر میگردد ، لذا نباید هدف‌های تعلیم و تربیت فقط از یک جهت مورد بررسی قرار گیرد ، بلکه باید تلاش همه‌جانبه و کاملی برای کمک به روستائسی برای غلبه همزمان بر مشکلات سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی بعمل آید . اجرای این برنامه جامع در روستاها به سپاهیان دانش محول شده است که در این مورد وظیفه بسیار مهم و خطیری بر عهده‌دارند . روستائیان به کمک سپاهیان دانش از طریق یادگیری خواندن و نوشتن بزودی خواهند توانست در زبان کوتاهی با اصول جدید کشاورزی ، مهارت‌ها و نوین دامپروری و باغبانی ،

بهداشت روستائی و روشهای جدید زندگی آشنا شوند .

در برنامه‌های پیشرفته ، معلمان روستا تنها به آموختن خواندن و نوشتن و حساب کردن اکتفا نمی‌کنند ، بلکه بعنوان یک راهنما به

روستائسی کمک می‌کنند تا در کارهای فنی ، کشاورزی و عملی رعایت بهداشت عمومی و سایر عوامل زندگی تبحر کافی بدست آورند . از اینرو لازم است معلمان روستا از جهات مختلف مسائل ، اطلاعات کافی داشته باشند . در اینجا اهمیت تلاش مراکز تربیت معلم و دانشسراها که به تربیت این معلمان اشتغال دارند بخوبی آشکار میشود .

پانتون (Panton) می‌گوید :

وظیفه معلم عبارتست از سازمان دهی زندگی تحصیلی ، تهیه و تنظیم کار و مدرسه بصورت اجتماعی کوچک برای شاگردان ، بطوری که بتوانند موقعیتها و فرصتهائی برای رشد جسمی و بهداشت روانی و نیز رشد اجتماعی بدست آورند . برای نیل بدین هدف معلم باید شرایط ضروری و مناسبی برای شاگردان تهیه و فراهم کند تا بتوانند از طریق اجرای فعالیت‌ها و تجارب و یاد گیری عادات ، مهارت‌ها و کسب دانش مناسبی که

با استعدادها و نیازهای فردی هر یک از آنها هماهنگ باشد زندگی خود را بهبود بخشند ، اگر این نظریه را بپذیریم ، تربیت معلم و تخصص او اهمیت خاصی پیدا میکند ، بطوریکه تصور و یا عدم موفقیت در تربیت معلمان ماهر با شکست در توسعه تعلیم و تربیت مناسب و صحیح توأم و همراه خواهد بود .

تعلیم و تربیت در روستا باید در شیوه‌های رفتار ، ارزشها و افکار مردم روستا تغییرات مناسب و مطلوبی بوجود آورد بطوریکه نسل جدید بتواند در زندگی نوین برای هموعانش خیر و رفاه به ارمغان آورد و سپس آنها را به وضع بهتری به نسل آینده انتقال دهد .

چون برنامه سپاه دانش در توسعه تعلیم و تربیت روستا نقش مهمی بر عهده دارد ، ضروری است به وظایف چندگانه‌ای که در روستا بر عهده این افراد واگذار شده است اشاره کنیم و به فلسفه حیاتی یک از این وظایف در پیشبرد مقاصد انسان‌دوستانه عمیقاً توجه نماییم :

۱ - آموزش کودکان واجب -
تعلیم در سطح روستا و تشکیل کلاسهای شبانه بسرای آموزش بزرگسالان بظاهر برانداختن جهل و

هدفهای تعلیم و تربیت در روستاها

بیسوادی و تشویق آنها بخواندن مطالب مفید و بالابردن سطح دانش و معلومات عمومی روستائیان .

۲ - ایجاد کتابخانه‌های کوچک روستائی و جمع‌آوری مطالب خواندنی مفید برای نوسوادان .

۳ - تشکیل گروه‌های تفریحی ، کلوپ جوانان ، ترتیب بازیهای آموزشی و مسابقات ورزشی .

۴ - تشکیل گروه‌های پیش - آهنگی در روستاها .

۵ - همکاری بسا مسروجه - ن کشاورزی برای تهیه باغ و مزرعه نمونه .

۶ - تلاش برای حفظ بهداشت محیط و تشویق مردم به رعایت بهداشت .

اگر تمام فعالیتهای عمرانی را که یک سپاهی دانش انجام میدهد شرح دهیم ، بحث مابدر از خواهد کشید و مجال پرداختن به سایر موضوعات را نخواهیم داشت ، لذا بخاطر اختصار از آنها چشم می پوشیم . این مختصر مبین و معرف فعالیتهای ذیقیمتی است که سپاهیان دانش در سطح روستاها انجام میدهند .

هدف تعلیم و تربیت در روستا هر چه باشد باید سرانجام به خوشبختی روستائی منجر شود . خوشبختی چیست و آیا برای آن میتوان معیاری تعیین کرد ؟ معیارهای خوشبختی از نظر افراد مختلف با یکدیگر متفاوت است . عدهای خوشبختی را دراندوختن ثروت ، برخی دیگر در رسیدن به مقام و منزلت اجتماعی ، و عدهای دیگر در عوامل دیگری جستجو می کنند . معتقدیم

فرد خوشبخت کسی است که از زندگی خود احساس لذت و آراش و آسایش خاطر نماید . تعلیم و تربیت باید بتواند چنین خوشبختی و رضایتی را تأمین کند . هر فسرده خوشبخت و تحصیل کرده‌ای از طریق تعلیم و تربیت به کسب عواسل کلی و جامع زیر نایل می آید :

۱ - تعلیم و تربیت باید فرد را کار آمد بیار آورد . چنین فردی در زندگی دست در یوزگی و گدائی نزد این و آن دراز نخواهد کرد و در زندگی از تعلیم و تربیت خود عملا استفاده خواهد جست .

۲ - تعلیم و تربیت باید فرد را طوری پروراند که به انسانیت حرمت نهد و به تمام انسانها ، حقوق دیگران و قوانین جامعه احترام بگذارد . چنین فردی هیچگاه بخاطر ترس از مجازات از دزدی دست نمی کشد ، بلکه ذاتاً دزدی را عملی ناشروع و غیر انسانی و مذسوم بشمارد و بدان اقدام نمی کند . اینجا است که باید عاملی که موجب کنترل جامعه میشود در درون افسراد موجود باشد . چنین کنترل اجتماعی از طریق مسذهب و اعتقادات مذهبی در جامعه بخوبی عملی میشود .

۳ - تعلیم و تربیت باید بالاخره به افراد بیاموزد تا از اوقات فسراغت حداکثر استفاده را بنمایند . استفاده صحیح از اوقات فراغت موضوعی است که نیاز به تفسیر بیشتری دارد و حائز اهمیت فوق العاده‌ای است . مثلاً اگر شخصی اوقات بیکاریش را به جمع - آوری تمبر و یا تهیه کلکسیون گیاهان و یا حشرات پردازد ، علاوه بر آنکه از ایام فراغت لذت می برد از نتیجه کارش میتواند استفاده مسادی و علمی نیز بکند .

۴ - تعلیم و تربیت باید به فرد کمک کند تا در تأمین سلامت جسمی و روحی خود بکوشد . این قسمت هدف بسیار مهمی است ، زیرا سلامتی اساس و پایه تمام کوششها و فعالیتهای بشمار میرود . از قدسیم گفته اند : «عقل سالم در بدن سالم است»

مانده از صفحه ۹

بدون سلامتی خوشبختی وجود نخواهد داشت . هدفهای فوق باید در تعلیم و تربیت رعایت شود و نباید عوامل سنتی را نیز از نظر دور بداریم . برای آنکه بحث خود را به اتمام برسانیم پیشنهادات زیر را برای بهبود برنامه و تکمیل هدفهای آموزش و پرورش روستائی ارائه میدهیم :

* ۱ - ژان ژاک روسو معتقد است : « کودک علم را از طریق تجربه میآموزد » و پروفیسور جان دیوئی میگوید : « شخصیت در اثر تجربه به کمال میرسد » از سوی دیگر پرورش استعدادهای فردی کودکان اساس فلسفه تعلیم و تربیت میباشد ، لذا باید برنامه‌ها با عمل توأم گردند و مطالبی را به کودکان روستائی بیاموزیم که مستقیماً در زندگی روزمره با آن‌ها سرو کار دارند .

* ۲ - کودکان روستا بسا جمع‌آوری اشیائی از قبیل : انواع گل‌ها ، حشرات ، سنگ‌ها و گیاهان علاقمندند و به این مواد دسترسی بیشتری دارند ، بهتر است محتوی برنامه چنین مدرسی دارای درسهائی از این قبیل باشد . از سوی دیگر زندگی شهری بعضی از کیفیسات طبیعی رفتار کودکان از جمله آواز خواندن ، سوت زدن ، جنبش و حرکت را سر کوب مینماید و حال آنکه در زندگی روستائی این عوامل بطور آزادانه‌ای رشد می کنند و عملی میشوند . معلم آشنا و وارد میتواند از هر یک از این موقعیتها برای بهبود و توسعه کارش در روستا بهره برگیرد .

* ۳ - در تدریس مواد درسی از وسایل کمک آموزشی ارزان قیمتی که توسط خود کودکان وبا استفاده



نیاید؟

۷ - سنت و آداب و رسوم و مشخصات اصلی جوامع روستائی است. رعایت این عوامل در برنامه تدریس حدودی ضروری است، و اگر برنامه‌ای بدون توجه به چنین عواملی تهیه شود موفقیتی در اجرای آن حاصل نخواهد شد. در عین حال معلم روستا نباید شدیداً منت گرا باشد.

زیرا یکی از وظایف تعلیم و تربیت جدید در روستاها آنست که روستائیان را آماده قبول نوآوری نماید. آشنائی روستائی با پیشرفت‌های جدیدی که در زمینه کشاورزی نوین انجام گرفته یکی از این مقاصد است. امید است بتوانیم در بحث‌های آینده خود بطور وسیع‌تری نحوه اجرای چنین هدفهایی را مورد بررسی قرار دهیم.

شد که در حد خود طرح بسیار مؤثر و جالبی است.

* ۶ - در نحوه ارزشیابی از کار شاگردان تجدید نظر بعمل آید. ارزشیابی هیچگاه نباید بصورت آزمایش‌ها و امتحانات ناراحت‌کننده و ترسناک در آید و جنبه زور آزمائی بین معلم و شاگرد پیدا کند. این نوع ارزشیابی کاملاً غلط و بی‌فایده و فاقد هرگونه ارزش علمی است. اگر معلم خوبی هستید و به بهبود وضع روستا و پیشرفت شاگردان علاقمندید در پایان هر روز که از تدریس نارغ میشوید اندکی با خود در باره سئوالات زیر بیندیشید:

۱ - چه عاملی باعث شد فلان کار به نحو احسن انجام گیرد؟
۲ - در مقابل، چه عاملی باعث شد در انجام فلان کار موفقیتی بدست

از مواد اولیه موجود در روستا تهیه میشود استفاده شود. امروزه نقش وسایل کمک آموزشی در بهبود تدریس و یادگیری ثابت شده است. معلمان ما هر و مبتکر میتوانند در روستا با صرف کمترین هزینه به تهیه وسایل اولیه تدریس اقدام کنند.
* ۴ - در روستاها انجمن همکاری خانه و مدرسه تشکیل شود و با ترتیب دادن کنفرانسهای متعدد، والدین و روستائیان را با هدفها و مقاصد مدرسه آشنا شوند و همکاری آنها بسوی بهبود برنامه جلب گردد.

* ۵ - برای تکمیل تحصیلات معلمان شاغل در روستا و تشویق آنها، دوره‌های تحصیل مکاتبه‌ای دایر شود. خوشبختانه در این باره اقدامات مؤثر و مفیدی بعمل آمده و آموزش مکاتبه‌ای بزودی اجرا خواهد

حرف

الفبا

کردم، گفتم: ازدکتر ... او بامدادش در روزنامه یادداشتی کرد ... گفت نه ... گفتم: از مریضخونه . باز چیزی تو روزنامه نوشت و گفت نه ... اینم نیست ... گفتم از پول دکتر ودوا ... گفت : نه آقا اینها نیست حرف اولش کانه ، حرف آخرشم نونه ... کمی فکر کردم گفتم از کفن میتروسه . گفت نخیر باید یازده حرفی باشد . گفتم کنسولتاسیون . گفت درسته خودشه . باز غرق در روزنامه شد . پس از مدتی دوباره چرتم را پاره کرد و گفت . ببخشید مزاحم نیستم ؟ - گفتم اختیار درید ... بفرمائید ... گفت اون چیه که به نسبت ازدیادنفوس ، زیاد میشه ؟ گفتم وکیل مجلس . گفت نه . کفتم زندان . بامدادش یادداشتی تو روزنامه کرد و گفت خیر .. گفتم : حذ. باری . تقلب . گفت نه آقا اینا نیست ، حرف اولش کافه حرف آخرش «ر» . گفتم کار . خوشحال شد و گفت بله درسته ، کار . دوباره رفت تو روزنامه منهنم رفتم تو چرت .. پس از مدتی دوباره از خواب پریدم و همینکه چشمهایم افتاد تو چشماش ، گفتم سلام . گفتم : وعلیکم السلام . گفت متشکرم ، خودشه .. دوباره داشت چشمهام گرم میشد که صدام کرد و گفت : به سؤال دیگه داشتم . گفتم بفرمائید . گفت اسم یکی از نبت ها چیه؟ - گفتم : دو . گفت : نه . گفتم : ر . گفت : اینم نیست . گفتم : می . گفت : نه ایمن درست نیست . گفتم : فا . گفت : نه آقا ، هیچکدوم اینا نیست حرف اولش باید «س» باشه . گفتم «سی» گفت بله درسته ، سه ساعته سر این کاهه

ب

ا «ترن» مسافرت میکردم. برای اینکه فکرم آسوده باشد کتاب و روزنامه همراهم بیاورده بودم ، فکر کرده بودم که بالاخره با یکی دو نفر همسفر خواهم شد و همسفرهایم از دیده‌ها و شنیده‌های خود ، چیزهای تازه‌ای برایم خواهند گفت. منهنم برای آنها گفتنی کم نداشتم .

بله ... فکر کرده بودم با وجود همسفرهای جور ، مسافرتم باخوشی خواهد گذشت . آشنایی و دوستی با همسفرها راستی که خیلی لطف دارد . در کوبه چهار نفری درجه يك ، فقط دو نفر بودیم . اینطور هم بهتر است ، چونکه دو نفری بهتر میشود یکرنگ شد و درد دل کرد . دونفری روبروی هم روی میله‌ها نشسته بودیم همسفرم در حدود پنجاه و پنج ، شصت ساله به نظر میرسید . آدم چاقی بود، شکم برآمده‌ای هم داشت . وقتی داخل کوبه شدم به همسفرم سلام کردم ، او با صدایی نامفهوم جوابم را داد و همینکه نشستم ، عینکش را به چشم گذاشت و مشغول روزنامه خواندن شد . دماغ گنده و گلایی مانندش را چنان توی روزنامه فرو برده بود که درنظر اول ، آدم خیال میکرد دارد روزنامه را بو میکند ... مدادی هم در دستش بود و گاه گاهی علامت‌هایی روی روزنامه میگذاشت . شاید زیر قسمت‌هایی را که به نظرش مهم میرسید خط میکشید ، یا علامت میگذاشت . مقدار زیادی هم روزنامه‌های مختلف کنار دستش بود ، معلوم بود که اهل مطالعه است ... !

برای اینکه سر صحبت را باز کرده باشم، گفتم : سفتون بخیر . او بدون اینکه پوزش را از روزنامه بردارد ، با صدایی نامفهوم جواب داد . حوصله‌ام سر رفته بود ، داشتم میتراکدم ، ولی چه میشد کرد . در این میان چیز مهمی که توجهم را جلب کرده بود این بود که : مرد چاق روزنامه را ورق نمیزد و تمام نگاهش به يك نقطه دوخته شده بود .

تکان و صدای یکنواخت ترن و سکوت و بی‌قیدی همسفر ، کسام کرد ، چشمهایم سنگین شد و داشتم به خواب میرفتم ... يك هو از خواب پریدم ، همسفرم آستینم را میکشید و صدایم میکرد . فکر کردم اتفاقی افتاده است ، یا اینکه مدت‌ها خواب بوده‌ام و ترن به مقصد رسیده است . پس از اینکه بخود آمدم ، مرد چاق گفت : ببخشید سؤالی داشتم .

از اینکه موضوعی برای صحبت پیدا شده بود خوشحال شدم : گفتم : خواهش میکنم بفرمایید . گفت مریض از چی میترسد ... فکر کردم یارو یادبوانه است یا دارد مسخره‌ام میکند . تو چشمهایش خیره شدم ... ولی قیافه‌اش خیلی جدی و دور از این حرفها بود . گفتم ببخشید فرمودید که مریض از چی میترسه ؟ گفت بله . کمی فکر

بنده بخاطر جدولهاش میخرم... آگه تمام جدولها رو حل نکنم آروم نمی شینم، خیلی کار جالبیه، جدولی نمونه که حل نکرده باشم. از اون سخت ترش نباشه مثل آب خوردن حل میکنم. چمدانم را برداشتم. من به مقصد رسیده بودم، ولی او به شهر دیگری میرفت. گفت خوب با اجازه شما بنده مرخص میشم. سرش را از روزنامه بلند کرد و گفت: ببخشید حرف اول الفبا چیه؟ گفتیم: الف. ذوق کرد، خیلی خوشحال شد و گفت اینم حل شد..

میباره... برف نوشتم نشد، یکی کم میاره، بارون نوشتم نشد یکی زیاد میاره. گفتم تگرگ. گفت: دهه خودشه. و جریان همینطور ادامه داشت!...

به آنکارا رسیده بودیم و تا آنکارا همسفرم، سرگرم جدول های متقاطع بود، ولی کلمه یی نبود که از من نپرسیده باشد. وقتی دید من می خواهم پیاده شوم، گفت: من هر روز روزنامه ها رو میخرم. گفتیم: بله.. مطالعه روزنامه خوبه... گفت خیر آقا، بنده حتی یک سطرشم نمیخونم،

گیج شده بودم، هر کاری میکردم جور در نمی آمد، ماشاءالله اطلاعات موسیقی سرکار کم نیست. گفتم بد نیست و «سل» و «لا» را هم بلدم - باز پس از مدتی صدام کرد و گفت مزاحمتون نیستم؟ گفتم بفرمائید. گفت محل ورزش کجاست؟ گفتم ورزشگاه. گفت عجیبه، زورخونه نوشتم جور نیومد، گود نوشتم نشد، مدرسه نوشتم نشد، بله ورزشگاه درسته. همسفرم این روزنامه را گذاشت و دیگری را برداشت. پس از چند دقیقه یی گفت چیه که از آسمون



آفتاب و دریا

ن - الف . «پیروز»

فصل تابستان ، بخصوص در سرزمین خشک ایران با خود آفتاب درخشان و سوزان را به همراه می آورد و گرما و حرارت آفتاب تیر و مرداد و شهریور همه را از جلو تیرهای سوزان خود فراری می دهد . در این هنگام است که دریا به سوی خویش می خواندمان تا ما را با «خورشید آتشین» آشتی دهد، تا در کرانه های مسطح و گسترده ی آن به افتخار این آشتی کنان به پایکوبی و نشاط پردازیم و خستگی و رخوت یکسال را از تن بیرون کنیم .

از زمانهای خیلی قدیم ، انسان به منفع آفتاب پی برده بود اما هرگاه که میخواست از این چشمه ی نور جامی بنوشد و فیضی برگیرد ، تازبانهای اشعه ی گرم و جانسوز آن بدن او را مجروح و ملتهب می کرد . بنابراین استفاده ی بی خطر از آفتاب ، همیشه برای انسان مسئله ای شده بود زیرا هم ناخودآگاه خود را به آن نیازمند می دید و هم از سوزش پوست بدن سوخته خود که ناشی از اشعه گرم آن بود رنج می برد . تا اینکه رفته رفته علم بهداشت و تندرستی فایده های آفتاب را یکی پس از دیگری کشف کرده و راه مصلحه ی با آن



را نیز یافت. موضوعی که امروز مسلم شده است این است که اشعه‌ی آفتاب در زیر پوست ایجاد ویتامین (D) می‌کند و ویتامین (D) در رشد و استحکام استخوانها و جلوگیری از نرمی آنها «راشی‌تیس» نقش عمده‌ای دارد و تجربه ثابت کرده است که حیواناتی که در آفتاب هستند ویتامین (D) بیشتری دارند و همینطور حیوانات گوشخوار که از شکار حیوانات دیگر تغذیه می‌کنند و پروبوست آنها را می‌خورند به قدر کافی در بدن خویش ویتامین (D) دارند، در صورتیکه همین جانوران هنگامی که در باغ وحش زندانی هستند یا اینکه اهلی می‌شوند دچار کمبود ویتامین (D) می‌شوند.

انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست، منتهی نه فقط از راه خوردن بلکه از راه پوست و بوسيله آفتاب نیز باید ویتامین (D) را جذب کند. ضمناً آزمایش‌های دیگری ثابت کرد که اگر غده‌های چربی پوست را بردارند و یا بوسيله شستشو با صابون، چربی پوست را بزایند، انسان و حیوان فوراً دچار کمبود ویتامین (D) می‌شود، زیرا وجود چربی در پوست سبب می‌شود که هنگامی که آفتاب به پوست می‌تابد تبدیل به ویتامین (D) قابل جذب در خون بشود. این است که برای جذب ویتامین (D) باید از زدن صابون به‌طور مداوم به بدن خودداری شود تا بتوان استفاده بیشتری از اشعه آفتاب کرد.

برای مصون ماندن از ضررهای آفتاب باید توجه داشت که بی‌حرکت ماندن و خوابیدن طولانی در زیر اشعه آفتاب سبب سوختن پوست و ایجاد سم در عضه می‌شود. پس، ورزش حرکت و تقلا در زیر آفتاب درختان کنار دریا از ضروریات است و نباید هیچگاه بدون حرکت مدت زیادی در زیر تابش آفتاب قرار گرفت و آب صاف و مطبوع دریا نیز جز این چیزی نمی‌طلبد.

بازی با توپ، پرش، اسب سواری، والیبال، دویدن و شنای در آب علاوه بر اینکه خستگی اعصاب را بر طرف و سوخته‌های مسموم و مضر بدن رادفع می‌کند و نرمش به عضلات و ماهیچه‌ها می‌دهد، از سوختن و تاول زدن پوست نیز جلوگیری می‌کند.

در عهد باستان مردم دارای استخوان بندی محکم و دندانهای سالم‌تری بودند، اما هر قدر تمدن و شهرنشینی زیادتر شد و کارها بیشتر در زیر سقف انجام گرفت، از میزان این استحکام و سلامت کاسته شد زیرا مردم قدیم هم بیشتر در آفتاب کار می‌کردند و هم کمتر خود را با صابون می‌شستند و چربی بدنشان که برای ایجاد ویتامین (D) لازم است در زیر پوستشان باقی می‌ماند.

غرض از ذکر این مسئله ترویج کثافت و منع نظافت نیست، بلکه این حقیقتی است که باید گفته شود، یعنی اگر با صابون بدن خویش را می‌شوید حتماً مقداری بیشتر از احتیاج ویتامین (D) با غذا بخورید تا کمبود کسب آن از راه جذب پوست در بدن، جبران شود و یا پس از شستشو با صابون بدن را با روغن‌هایی که ویتامین (D) دارند چرب کنید.

باید این نکته را از نظر دور نداشت که آفتاب کنار دریا با آفتاب شهر و کویر فرق دارد، در کنار دریا، غبار، دود، ایر، گرد و خاک وجود ندارد و اشعه ماوراء بنفش موجود در آفتاب بدون برخورد با هیچ مانعی به بدن می‌تابد و مقدار آن ۵۰ درصد بیشتر از مناطق شهری است.

ضمناً بدنیست بدانید که آب دریا دارای املاح مختلفی است که شیارهای ذره‌بینی و بسیار ریزی در پوست ایجاد می‌کند و سپس تابش اشعه آفتاب بر این شیارها سبب سوختن آنها می‌شود و بالطبع پوست بدن در کنار دریا فوراً برنزه و سیاه می‌شود. اینجاست که باید در استفاده از آب دریا نیز حد اعتدال را رعایت کرد تا دچار سوختگی‌های ناهنجار و دردآور نشد.

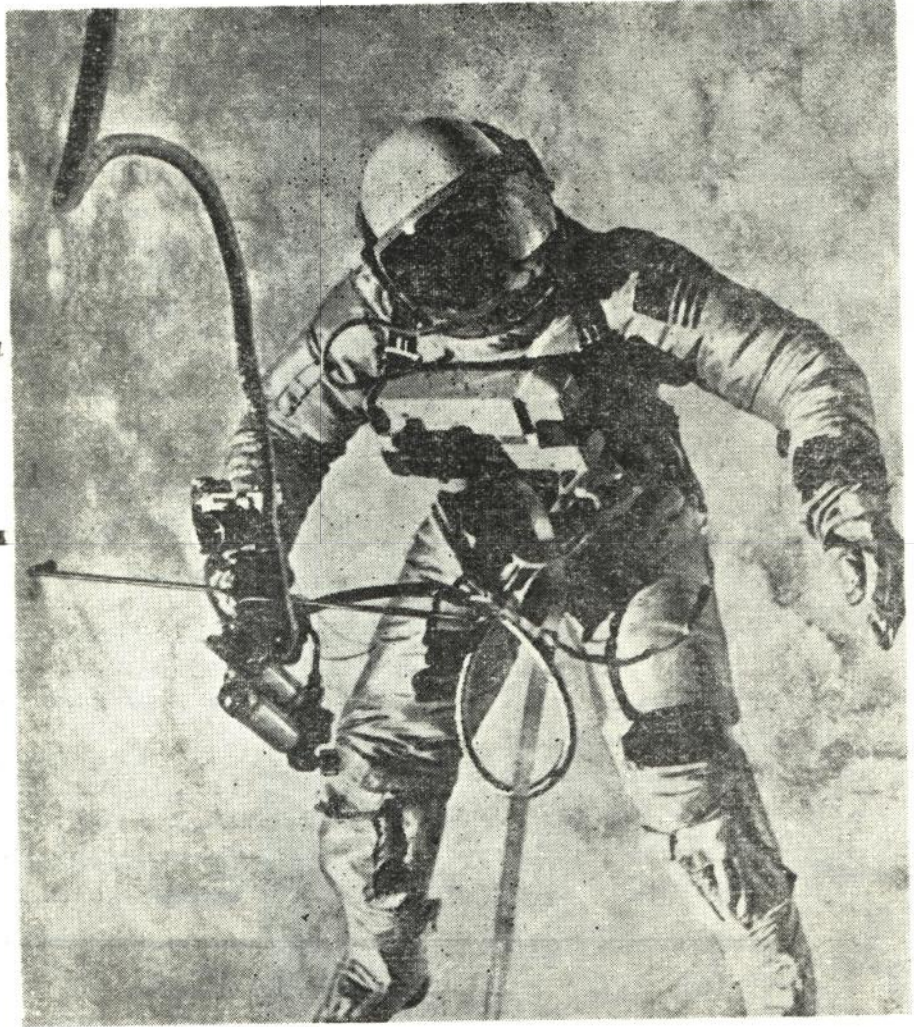
با تمام زیانهای احتمالی که از ناحیه آفتاب درختان کنار دریا محتمل است. باز هم منافع آن به‌طور بارز و روشنی بر مضارش فزونی دارد و استفاده لاقلاً يك هفته در سال از آب دریا و آفتاب روشن آن و ورزش و فعالیت در ساحل آرام و تسلی بخش آن برای حفظ سلامت بدن ضروری است و برای تمام مدت سال نیز نباید از بهره‌گیری از اشعه چانه‌بخش خورشید غافل ماند.

نمایشگاه «پناه دانش در ایتالیا»

طبق گزارش رسیده از سرکنسولگری شاهنشاهی ایران در میلان، نمایشگاه سپاه دانش با استقبال کم نظیر مردم میلان روبرو شده و طبق آماری که سپاهیان تهیه کرده‌اند روزانه متجاوز از ۲۷۰۰ نفر از نمایشگاه مزبور بازدید کردند و به پیشنهاد مقامات محلی، ۳ روزی مدت نمایشگاه افزوده شد و همچنین از شبکه رادیو تلویزیون ایتالیا که دسراسر آنکشور بخش می‌شود، برنامه‌هایی درباره سپاه دانش و مشکلاتی که سپاهیان دانش برای انجام وظایف خود با آن روبرو هستند و فیلم مستند مراسم افتتاح نمایشگاه نمایش داده شد. روزنامه «چرونیکو» چاپ میلان شرحی در باره نمایشگاه مذکور نوشته از برنامه سپاه دانش که یکی از مواد انقلاب شاه و مردم ایران است تمجید کرده است.

روز دهم دسامبر ۱۹۰۳ انسان توانست برای نخستین بار به کمک جسمی که با دست خود ساخته بود از زمین جدا شود و برسینه هوا بلغزد و این نخستین پرواز اختیاری بشر بود که بوسیله برادران رایت انجام گرفت ، اما فقط ۵۹ ثانیه طول کشید و طی آن تنها ۲۴۳ متر مسافت را در آسمان پیمودند (یعنی ساعتی ۱۴۵ کیلو متر) .
 و امروز پس از ۶۸ سال ، «سالیوت» ایستگاه فضایی شوروی متجاوز از چهار

افسانه‌ی پرواز



از «ایکاروس» تا «سالیوت»

مغز او به اندازه کافی رشد نکرده بود و این فقط آرزوی خام بود. او با حسرت زیاد به تماشای مرغان در حال پرواز مشغول می‌شد و شاید به تقلید آنها نیز در حالیکه دستهای خود را باز می‌کرد از فراز تخته سنگهای کوچکی هم به پایین

پیش از آن ، یعنی از هنگامی که انسان خاکی به وجود آمد ، چشم آدمی به آسمان دوخته شد ، پرواز پرندگان را تماشا کرد و آرزو داشت بسان آنان ببرد . میل داشت از فراز کوهها ، دریاها ورودها بگذرد و زمین را زیر بال گیرد . اما در ابتدا

بخش نخست

از افسانه تا حقیقت

تلاشی که در دسامبر ۱۹۰۳ برای از جا کندن بشر از سطح زمین شد، نخستین تلاش نبود . سالها و قرن‌ها

ماه است با سرعتی معادل ثانیه‌ای ۸ کیلو متر در فضا بدور کره زمین می‌گردد و نخستین مسافران ناکام سالیوت نیز ۴۴ روز تمام در داخل آن با همان سرعت به دور کره زمین گشتند و در آخرین لحظه‌های مسافرت به طرز مرموزی کشته شدند. این ترقی‌سرام‌آور که طی ۶۸ سال انسان توانسته است رکورد خود را از ۵۵ ثانیه پرواز در هوا و پیمودن ۴۴۳ متر راه، به ۴۴ روز پرواز و طی ۱۶۵۸۸۰۰ کیلومتر رساند چگونه بوده است؟
بخوانیم و بدانیم .

از : ناصر انتطاع

زیادی در این باره پیدا می‌کنیم .
افسانه چهارم در شاهنامه آمده است که کیکاووس پایه‌های تخت خود را به پای چهار عقاب نیرومند و تیز پرسته بود و بوسیله طعمه‌ای که در جلو آنان آویزان کرده بود آنها را وادار به پرواز می‌کرد و آسمانها را در می‌نوردید و کوهها و دشتها را بزیر پای می‌گرفت و بالاخره هم از آسمان سقوط کرد و کشته شد .

حقایق و ... نخستین ها

اما از افسانه که بگذریم ، قرن‌ها قبل از ۱۷ دسامبر ۱۹۰۳ بشر عملاً و بارها در صد پرواز برآمد و پیش - قدمانی در این راه پیدا شدند که نه علماً بلکه طبعاً هوا را شناختند و دانستند برای پرواز باید از این عنصر استفاده کامل کنند و نکته‌های دقیق خاصیت‌های آنرا بدانند تا بتوانند با بالهایی که می‌سازند بر روی آن بلغزند . این مخترعان دلاور و مکتشفان پیشگام با توجه به این اصل به فکر رهایی از بند جاذبه زمین افتادند .

سر سلسله اینان ، دانشمندی از ایران، اسپانیا و انگلیس بودند که به فاصله یکصد و پنجاه سال از یکدیگر، یعنی از ۷۸۵ میلادی تا ۱۰۲۰ می-زیستند و هر یک جداگانه اقدام به پرواز کردند . اما یکی از آنها کشته شد ، دیگری کمرو سومی پاهایش شکست ، زیرا ایشان بهنگام نشستن متوجه مکانیسم و طرز عمل پرواز پرندگان نشده بودند و توجه نداشتند که دم پرندگان بهنگام فرود، چه نقش عمده و اساسی را بازی می‌کند و در حقیقت پرنده بادم خود می - نشیند .

نخستین این سه تن «ابوالقاسم عباس بن فرناس» طبیعی دان، پزشک، شاعر و موسیقیدان اسپانیایی بود که اختراعات و اکتشاف‌های دیگری را نیز به او نسبت می‌دهند .

افسانه دیگر : غربی‌ها «قالیچه حضرت سلیمان» را «قالیچه پرند- ایرانی» Iranian flying Carpet می‌نامند .

می‌گویند حضرت سلیمان قالیچه‌های داشت که به فرمان او پرواز می-کرد و هیچگونه خطر و خرجی هم نداشت . روزی آن حضرت با قالیچه معروف خود و قتی چند از زنان حرم سرا پرواز می‌کرد ، ناگهان قالیچه از سطح آفتی خود منحرف می‌شود و کم مانده بود دو تن از زنان زیبای سلیمان نبی سرنگون شوند . حضرت به قالیچه نهیب می-زند و می‌گوید : چرا تعادل خود را حفظ نمی‌کنی ؟

قالیچه (که گویا مثل تمام موجودات با حضرت سلیمان سخن می-گفته) می‌گوید: تو باید تعادل فکری خود را حفظ کنی زیرا من به فرمان تو هستم و تو ، هم اکنون حواست جای دیگری بود و افکارت را متوجه طرز پرواز و هدایت من نکرده بودی .

سلیمان متوجه اشتباه خود می-شود و فکر خویش را تصحیح می-کند . نکته مهمی که در این افسانه نهفته است و تا به امروز بقوت خود باقی است این است که خلبانان و فرماندهان سفاین فضایی بیش از هر چیز باید تمرکز فکر و قدرت کنترل اعصاب داشته باشند و گرنه قالیچه پرنده آنها نیز از مسیر خود منحرف می-شود .

افسانه سوم ، افسانه دیوها :

در شاهنامه فردوسی و سایر داستان-های اساطیری و ملی ایرانی می-خوانیم که دیوهایی بودند که تنوره می‌کشیدند و به آسمان پرواز می‌کردند (درست مثل موشک های امروزی احتیاجی به بال نداشتند) و در هر نقطه‌ای که می‌خواستند فرود می-آمدند . همچنین در کتاب امیر ارسلان نامدار نیز موردها و مصداق های

می‌پرید ، اما هر قدر در این راه بیشتر تلاش می‌کرد کوشش او با ناکامی زیادتری روبرو می‌شد . چرا ؟ چون انسان میبایستی اول هوارا می-شناخت تا آنگاه بتواند مکانیسم پرواز را درک کند و این کار هم بزودی ممکن نشد ، زیرا هوا نه دارای رنگ بود، نه بو ، نه طعم و نه حتی انسان اولیه می‌توانست آنرا حس کند مگر اینکه در جریان آن قرار گیرد . علاقه شدید آدمی به پرواز ، فکر خیال‌پرور و افسانه پرداز او را به ساختن داستانهای شیرین و جالبی در باره پرواز وامی‌داشت و در این زمینه قصه‌های گوناگون و جورا جوری می-ساخت که بعضی از آنها جنبه مذهبی و دینی نیز پیدا کرده است :

افسانه نخست : قدیمیترین داستانی که در باره پرواز ساخته شده است شاید این داستان اساطیری یونان باشد که می‌گوید : «دالوس» (دیولوس) و فرزندش «ایکاروس» به دلایلی مورد خشم خدایان قرار گرفتند و در جزیره کرت «در دریای مدیترانه» داخل غاری زندانی شدند . تمام احتیاط‌های لازم برای جلوگیری از فرار آنان به عمل آمده بود و همه راهها زیر نظارت و بازرسی شدید قرار داشت . ایکاروس برای فرار از زندان مشغول ساختن بالهایی باهوم برای خود و پدرش شد. پس از چندی ، بالها تکمیل شدند و هر دو از جزیره پرواز کردند و گریختند. هنگامی که در آسمان بال می‌زدند، «ایکاروس» از اینکه دریای پهناور، خود می‌بیند احساس غرور و شادی زیادی می‌کند و پیوسته آوج می‌گیرد و هر قدر «د دالوس» پدر ایکاروس او را از این کار برحذر می‌دارد ، در روح جوان و پر شور ایکاروس کوچکترین تأثیری نمی‌کند و آنقدر بالا می‌رود تا خورشید پالهای مومی او را آب می‌کند و از آسمان به زیر می‌افتد و در دریای غرق می‌شود



محاسبه‌های دقیق ریاضی، آزمایش‌های پرنده کشید و نخستین بار اندیشه ساختن «هلی‌کوپتر» را با فرمولهای دقیق ارائه داد و مکانیسم آنرا به خوبی تشریح کرد و این کار در حدود چهارصد و هفتاد سال پیش بود. وی حتی نمونه‌هایی نیز از آن ساخت.

بعدها بالهایی از تخته وزرورق‌های مخصوصی که دارای استحکام زیادی بودند شبیه بال خفاش درست کرد و چند بار از فراز برج‌های بلند قصرهای شهر فلورانس پرواز کرد. ولی نتوانست مدت زیادی در آسمان بماند و یکی دو بار هم سقوط کرد. اما به علت اینکه چیزی شبیه چتر نجات باخود داشت زیاد صدمه‌ندید. داوینچی تا پایان عمر نیز از فکر پرواز منصرف نشد و طرحهای او که با محاسبه‌های دقیق فنی همراه است هم‌اکنون در موزه‌های مهم جهان نگهداری می‌شود.

رفته‌رفته به عصر «بالون» نزدیک می‌شویم. مخترعان بالن دو برادر بودند به نام: «ژوزف - مونگولفیه» و «آتی‌بن مونگولفیه»

Mongolfier

که بین سالهای ۱۷۴۰ تا ۱۸۱۰ میلادی در فرانسه می‌زیستند. این دو برادر اختراع‌های زیادی کردند که از همه آنها مهمتر اختراع «بالن» و نوعی چتر نجات بود.

درست در همان روزها کشیشی در انگلستان به نام «ایلمر Eilmer» از فرازی کلیسای «مالمزبوری Malmesbury»

پرواز کرد و چند صدتری در هوا پرید و بزمین نشست ولی به علت شدت سرعت فرود، پاهایش شکست. ویلیام اف. مالمزبوری مورخ انگلیسی نیز پسان المقری معتقد است که علت شکستن پاهای «ایلمر» نداشتن دم بوده است.

رمتأسفانه نام «ابن فرناس»، «الجوهری» و «ایلمر» کسه‌تن از پیشروان فن پرواز در جهان بوده‌اند از قلم تاریخ نویسان علوم معاصر افتاده است و تنها مجله «فن و فرهنگ» ارگان انجمن بین‌المللی تاریخ فنون در مقاله‌ای به قلم پروفیسور «لین - وایت Lynn White» استاد تاریخ دانشگاه کالیفرنیا بطور گسترده و مشروح از این سه‌تن نام برده است و در تاریخهای قدیم ایران نیز از «الجوهری» در مورد اقدامش به پرواز، مطالبی عنوان شده است.

مسافرت به فضا

آهسته آهسته به جلو می‌آییم. در حدود پانصد سال پیش، لئوناردو داوینچی نقاش، مهندس، مخترع و پیکر تراش شهیر ایتالیایی و خالق تابلوی جاودانی «لبخند ژوکوند» طرحها و نقشه‌های نو و بدیعی بر پایه

«المقری» مورخ مراکشی در کتاب خود می‌نویسد: «ابوالقاسم بن فرناس روزی در حضور عده زیادی از هم‌میهنان خود با بالهای مصنوعی که خود ساخته بود از محل مرتفی پرید و خود را به آغوش فضا سپرد و مدتی پرواز کرد، اما بهنگام فرود کمرش شکست زیرا دستگاه پرواز او دم نداشت و سرعت فرود، او را در هم پیچید».

باید دانست که مورخان و شاعران دیگری نیز عیناً پسان «المقری» از ابوالقاسم بن فرناس نام برده‌اند و اگر تنها المقری راجع به او صحبت کرده بود، ممکن بود در صحت گفتاری تردید کنیم.

دومین دانشمندی که اقدام به پرواز کرد و در این راه «شهید» شد و شاید بتوان از او به عنوان «نخستین شهید پرواز» نام برد، «الجوهری عالم و محقق شهیر ایرانی است که در دانش فیزیک و فقه استاد بود و بین سالهای ۱۰۰۰ تا ۱۰۱۰ میلادی اقدام به پرواز کرد و با بالهایی که ساخته بود از فراز کلدسته مسجدی در شهر نیشابور خود را در هوا رها کرد. اما هنوز لحظه‌های کوتاهی از پروازش نگذشته بود که بالهایش تاب وزن او را نیاوردند و پاره شدند و الجوهری بزمین افتاد و کشته شد.

دوست صمیمی ، درهای بزرگ چوبی ، کاراژ خود را گشودند و بایکدنیا پیوسته و امید به آسمان ابری و گرفته آفریز نگاه کردند .

هوا خیلی سرد و حتی درجه حرارت از صفر هم پایین تر بود . باد سرد و آزار دهنده ای می وزید . این دو برادر ، «ویلبررایت»

Willber wright

و «اورویل رایت Orvill wright» بودند .

اورویل که برادر کوچکتر بود دیگر تحمل و صبرش پایان گرفته بود و پیوسته می گفت «باید دیگر همین امروز ، همین حالا آزمایش کنیم ، هرچه بادا باد» .

برادر بزرگتر ، «ویلبر» ، که تازه از بیماری سختی برخاسته بود و دوران نقاهت را طی می کرد ، تنها ، ساکت و آرام به افق ابری می نگریست و معلوم نبود در درونش چه خبر است .

ایندو پس از مدت ها محاسبه ، زحمت و کار طاقت فرسا و پیوستن تعدادی میخ و پیچ و سیم و پرورانه و صفحه های فلزی به یکدیگر ، دستگامی که در نظر داشتند با آن به آسمان بروند ساخته بودند و امروز می خواستند آن دستگام را آزمایش کنند و چون تمام سرمایه و پس انداز خویش را در این راه صرف کرده بودند . هرگاه این آزمایش با موفقیت قرین نمی شد ، آنان دیگر هیچ نداشتند ، نه سرمایه ، نه حوصله نه شوق ، نه امید و نه یارای شنیدن سرزنش ها و کنایه های بیشتر فامیل و دوستان را . زیرا مدت شش سال بود که در این راه وقت صرف کرده و آزمایش پس از آزمایش انجام داده و فرمول هایی نیز برای پرواز کشف کرده بودند .

آنان دو چرخه ساز بودند . شش سال تمام در کارگاه دو چرخه سازی خود نان و تخم مرغ می خوردند و بر روی کاغذهای باطله و کتیفو و روغنی حسابها و معادله های پرواز را می نوشتند و حل می کردند و اینک پس از شش سال ، نتیجه زحمت های آنها ، موتوری بود که با شکل عجیب و غریبی (بنظر مردم آن روز) ترین و سیم بندی شده و بالهایی به آن اضافه کرده بودند .

می رسد که از دو بال سبک وزن و طویل درست می شد که به بدنه ای محکمی چسبیده بود و این هواپیما را در محل مرتفعی قرار می دادند و با وسیله ای به جلو می کشیدند و در هوا رهایش می کردند . یا اینکه محل قرار گرفتن خلبان کف نداشت و پاهای او آزادانه بر روی زمین قرار می گرفت و خلبان در محل مرتفعی می دوید و یک مرتبه خود را در هوا رها می کرد و مانند لاشخورها (که در هوا پال نمی زدند) در آسمان می چرخید و می چرخید و آرام آرام بر زمین نزدیک می شد و به محض تماس پای خلبان با زمین ، شروع به پایین می کرد تا بایستد . هواپیمای بی موتور بعداً تکمیل شد و هنوز هم از آن استفاده می

شود . از جمله در تعلیم خلبانی ، برای آشنا کردن نوازمان به ارتفاع و آسمان و ایجاد حس اعتماد در آنان ، در ابتدا از گلايدر (هواپیمای بی موتور) استفاده می شود . و یا اینکه آلمانها در سال ۱۹۴۳ هنگامی که می خواستند موسولینی را از زندان متفقین نجات دهند ، برای اینکه صدای هواپیما ، نگاهبانان زندان را هشیار نکند ، شبانه گلايدر به کار بردند . باز هم پرواز با گلايدر را نمی توان پرواز واقعی نامید زیرا اولاً این وسیله نمی تواند در هوا بالا و پائین برود و از هنگام شروع پرواز پیوسته در حال فرود است و ثانیاً کاملاً نمی توان با آن به جهت های مختلف پرواز کرد .

در این محبت باید از «اتولیلیانثال» مخترع معروف و دلاور آلمانی نام برد که متجاوز از دو هزار بار با «گلايدر» پرواز کرد و بالاخره هم در ۱۸۹۶ بر اثر سقوط با گلايدر کشته شد .

فصل درخشان پرواز در ۱۷ دسامبر ۱۹۰۳ مصادف با ۲۴ آذر ۱۲۸۲ شمسی و ۲۶ رمضان ۱۳۲۱ قمری در ایالت کارولینای شمالی آمریکا به دست برادران رایت Wright آغاز می شود .

حقیقت جان می گیرد

صبح روز هفتم دسامبر ۱۹۰۳ یعنی آخرین روزهای سرد پاییزی بود . دو جوان ، دو برادر و دو

بالن آنها عبارت بود از یک محفظه پارچه ای گوی مانند بزرگی که داخل آن را با کاغذ آستر کرده بودند تا گاز از منافذ پارچه خارج نشود و سپس این محفظه را که در پایین آن سوراخ فراخی وجود داشت از دود حاصله از احتراق کاه و پشم انباشتند و در زیر آن تشتک بزرگی برای مسافران بالن (که در ابتدا فقط چند حیوان اهلی بودند) قرار دادند که بوسیله ریسمان های محکمی به بالن بسته می شد . ضمناً کیسه هایی از شن و ماسه در این محل تشتک مانند قرار می دادند تا پس از اینکه بالن به آسمان رفت و در اختیار باد قرار گرفت و به سرزمین ها و دیارهای گوناگون رفت ، هرگاه که می خواستند آن را پایین بیاورند ، گاز سبک داخل محفظه ای گوی مانند را کم می کردند . و هرگاه که می خواستند بالن بالا برود کیسه های شن را به پایین خالی می کردند تا بالن سبک شود و اوج گیرد . البته همانطور که گفته شد در آزمایش های نخست داخل منبع پارچه ای بالن را از دود حاصله از احتراق کاه و پشم می انباشتند ولی بعدها برای بالا رفتن از گاز هلیوم و هیدروژن استفاده کردند .

برادران مونگولفیه برای نخستین بار در تاریخ پنجم ژوئن ۱۷۸۳ موفق شدند یک گوسفند ، یک مرغابی و یک خروس را به هوا بفرستند و به سلامت به زمین باز گردانند . سپس در تاریخ ۲۱ نوامبر همان سال دونفر از اشراف زادگان پاریس را برفراز شهر گردش دادند و بدین وسیله عصر مسافرت در فضا آغاز شد . از این وسیله در سال ۱۸۷۰ (صد سال پیش) در محاصره ای پاریس و بعد از آن در جنگهای داخلی آمریکا استفاده نظامی نیز شد .

اما کارشناسان فن هواپیمایی «بالن» را وسیله پرواز واقعی نمی دانند و می گویند فقط وسیله ای برای بالا رفتن است ، زیرا در بالن اختیار تعیین مسیر حرکت در دست مسافران و سرنشین های آن نیست بلکه بالن در اختیار باد است و به هر طرف که باد بوزد بالن حرکت می کند . پس از بالن نوبت به هواپیمای بی موتور یا «هواسر» Glider

افسانه‌ی

پرواز

بقیه از صفحه پیش



پرواز کرد و دیگری در تاریخ دوازده آوریل ۱۹۶۱ بود که «یوری گاگارین» در داخل قمر مصنوعی بنام «وستوک ۱» یک دور کامل به دور زمین گردید. مدت ۶۸ سالی که از پرواز «رایت» هاست گذرد، از هواپیمای دوچرخه مانند آنان به هواپیمای غول پیکری چون «جمبوجت» رسیده ایم که در حدود ۷۰۰ نفر و بیشتر مسافر می‌برند و از سرعت ساعتی ۱۴۵ کیلومتر به هواپیمایی با سرعت ساعتی ۲۵۰۰ کیلومتر (ما فوق صوت) دست یافته ایم و باز هم جلوتر و جلوتر می‌رویم.

شاید از تاریخی که من این مقاله را می‌نویسم تا هنگامی که شما آنرا می‌خوانید باز هم رکوردهای کنونی یکی پس از دیگری فروریزند.

بنابراین نخستین سدی که شکسته شد، سد جاذبه و دومین سد نیز، سد صوت بود که در هم ریخت، و نوبت به هواپیمای ما فوق صوت رسید. یعنی هنگامی که هواپیمای ما فوق صوت از برابر شامی گذرد، اول هواپیما را می‌بینید و آنگاه صدای او را می‌شنوید و ممکن است هنگامی که صدای هواپیما به گوش شما رسید، دیگر از خود آن اثری نباشد و ده‌ها کیلومتر از شما دور شده باشد.

در جریان پیشرفت صنعت هواپیما سازی، پدیده دیگری به نام «هلی کوپتر» قدم به میدان هستی می‌نهد. در بالا از «لئوناردو داوینچی» شمه‌ای گفتم و خاطر نشان ساختم که

با خونسردی و دقت زیاد بوسیله چپ و راست کردن خود، هواپیما را اداره و هدایت می‌کرد و پس از طی ۵۳ متر در هوا و گذشتن مدت ۱۳ ثانیه، چرخهای هواپیما دوباره به زمین رسید و پس از پیمودن ده‌ها متر در روی زمین ایستاد. در حقیقت «اورویل» بیش از ۴ یا ۵ متر از زمین بالاتر نرفت.

حال نوبت «ویلبر» بود. او هم به خوبی پرواز را انجام داد. در آنروز چهاربار (هر کدام دوبار) طیاره را به پرواز در آوردند و آخرین بار ماشین پرنده ۵۹ ثانیه در هوا پرواز کرد و مسافت ۲۴۳ متر را پیمود و حداکثر ارتفاعی که گرفت بیش از ۷ متر نبود.

یکماه بعد همین آزمایش را با پیروزی بیشتر در حضور همگان انجام دادند.

دیگر عصر پرواز آغاز شده و حقیقت جان گرفته بود.

نخستین فرمان پرواز، حکم محکومیت جاذبه زمین است. یعنی از نخستین روزی که بشر اقدام به پرواز کرده است تا امروز، همیشه جاذبه زمین با وسیله‌ی پرواز در نبرد بوده است. اما با وجود اینکه قربانیان بی‌شماری در این راه گرفته است، روز بروز بیشتر عقب‌نشینی می‌کند و چشم‌گیرترین این عقب‌نشینی‌ها، یکی در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۰۳ بود که هواپیمای برادران رایت از زمین

برادران رایت، حالت پرتاب‌های التهای داشتند. بر سر دو راهی گمنامی و فقر یا شهرت و افتخار قرار گرفته بودند. اگر آزمایش آنها به حسابی که کرده بودند پاسخ مثبت می‌داد و این ماشین پرواز می‌کرد، دیگر همه زحمات‌ها به نتیجه رسیده و مشقت پایان گرفته بود، ولی اگر پاسخ منفی می‌داد و از زمین بلند نمی‌شد، آنگاه دیگر همه امیدها بر باد رفته بود.

ساعت، ۱۰ صبح رانشان می‌داد. دو برادر پس از آخرین بازرسی، به کمک هم ماشین پرنده خود را از گاراژ بیرون آوردند و موتور آنرا روشن کردند. قلب آنان به موازات موتور ماشین شروع به تپش بیشتر و سریعتر کرد.

«اورویل» - برادر کوچکتر - وارد محل مخصوص راننده ماشین شد و در جای ویژه خود دراز کشید دستهای خود را به طرفین (بر روی بالها باز کرد)، زیرا در این ماشین راننده می‌باید با چپ و راست کردن بدن خود و از این پهلو به آن پهلو غلتیدن، جهت هواپیما و مسیر آن را کنترل کند. پس از قرار گرفتن «اورویل» در محل خود، «ویلبر» مهار ماشین را رها کرد و ماشین با صدای رعد آسایی به حرکت درآمد و پس از طی مسافتی بسان پرنده‌ای غول آسا از زمین کنده شد.

«اورویل» که در هواپیما بود

جو که اکسیژن آن بسیار کم و ضربی اصطکاک در حداقل است پرواز کرد .

درست به رقم اشاره شده توجه کنید «سرعتی معادل ۵۶۰۰ کیلومتر در ساعت یعنی دو برابر سرعت گلوله توپ و سه برابر سرعت گلوله تفنگ!» و اینک امریکائیان وسیله‌ای ساخته‌اند که نه می‌توان آنرا موشک نامید، نه سفینه فضایی و نه هواپیما و شاید هم هر سه این نامها را بتوان به آن داد . اسم اختصاصی آن راموشک یا هواپیمای «X-۲۰» یا «دانیاسور» گذارده‌اند و این وسیله عبارتست از چیزی شبیه موشک که بالهایی چون هواپیما دارد ، منتها بسیار نزدیک به بدنه و باصلاح بالهای کاملاً خوابیده هستند . مسیر پرواز این هواپیمای فشفشه‌ای، بالای جو و در

از هواپیما و از هیچ وسیله نقلیه زمینی و هوایی و دریایی دیگری ساخته نیست . مثلاً مراقت جنگل‌ها، سمپاشی مزارع ، نجات سرنشینان کشتیهای غرق شده و محاصره‌شدگان در سیل و طغیان رودخانه‌ها ، جمع‌آوری گله‌های بزرگ ، رسانیدن نامه‌های پستی از فرودگاهها به - دفاتر پست ، نجات دادن کوهنوردان که در نقطه‌های صعب‌العبور و یخچال‌های مرتفع کوهستانی بدام افتاده‌اند و پیاده کردن نیرو در پشت سردشمن . دوباره به گفتار هواپیما باز می‌گردیم .

آخرین مشکلی که در مورد هواپیما و سرعت روز افزون آن باقی مانده بود ، مسئله اصطکاک هوا بود . بدین نحو که هنگامی که هواپیما پرواز می‌کند، بر اثر سرعت زیاد و اصطکاک

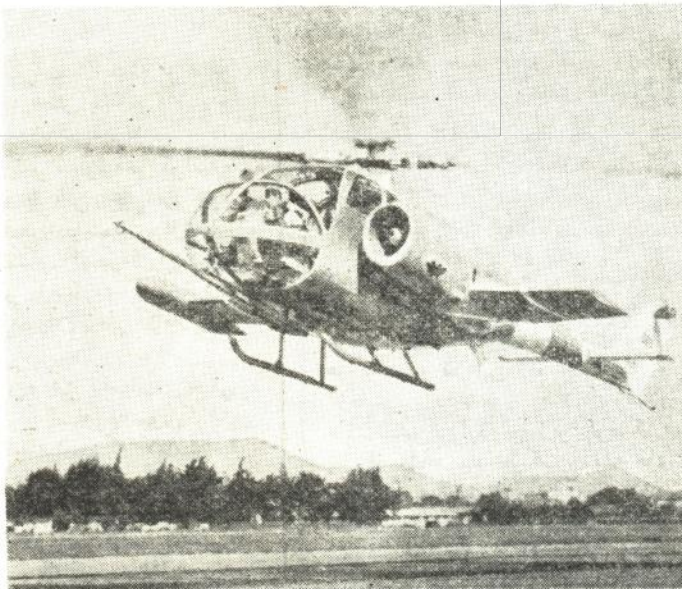
او برای نخستین بار طرح فنی و محاسبه شده «هلی‌کوپتر» را تقریباً به صورت امروزی کشید . اما با وجود اینکه طرح ایجاد «هلی‌کوپتر» خیلی قبل از هواپیما در مغز بشر نقش بست اما «هلی‌کوپتر» به صورت امروزی ، بعد از هواپیما ساخته شد . یعنی در سال ۱۹۳۳ «ایگور - سیکورسکی» در ایالات متحده امریکا نخستین پرواز موفقیت آمیز را با هلی‌کوپتر انجام داد و از آن تاریخ تا کنون ، صنعت ساختن «هلی‌کوپتر» به آن اندازه پیشرفت کرده است که اینک هلی‌کوپترهایی ساخته شده‌اند که تا ناک و توپ و ده‌ها سرباز با تمام تجهیزات جنگی را به راحتی حمل می‌کنند .

«هلی‌کوپتر» می‌تواند مانند هواپیما رو به جلو پرواز کند ، ولی کارهایی از «هلی‌کوپتر» برمی‌آید که از هواپیما ساخته نیست . هلی‌کوپتر می‌تواند راست و رو به بالا حرکت کند ، می‌تواند تقریباً بی‌حرکت در فضا بایستد ، می‌تواند از زمینهای کوچک برخیزد یا بر آنها بنشیند . هلی‌کوپتر احتیاجی به آن ندارد که مانند هواپیما مدتی بر جاده‌ای در زمین حرکت کند و پس از آن به هوا بلند شود .

شکل ظاهر هلی‌کوپتر کاملاً با هواپیما فرق دارد . یعنی بال ندارد . ولی در عوض یک ملخ افقی یا دو ملخ (یک ملخ افقی که بالای بدنه نصب شده است و یک ملخ عمودی که به دم متصل است) دارد . این ملخها برای اصلاح مسیر حرکت در هلی‌کوپتر به کار می‌روند یعنی کاری را که بال در هواپیما انجام می‌دهد .

ملخ افقی کار عمده یعنی کندن هلی‌کوپتر از زمین را به عهده دارد و ضمناً همین ملخ است که خلبان با چپ و راست و عقب و جلو کردن آن ، هلی‌کوپتر را به چپ و راست حرکت می‌دهد و یادر هوا بی‌حرکت و ملق نگه‌می‌دارد .

از نقص‌های مهم «هلی‌کوپتر» کندی سرعت آن نسبت به هواپیماست . زیرا سریعترین هلی‌کوپترها در حدود ۲۶۰ کیلومتر در ساعت بیشتر سرعت ندارند . اما در عوض کارهای زیادی از هلی‌کوپتر ساخته است که

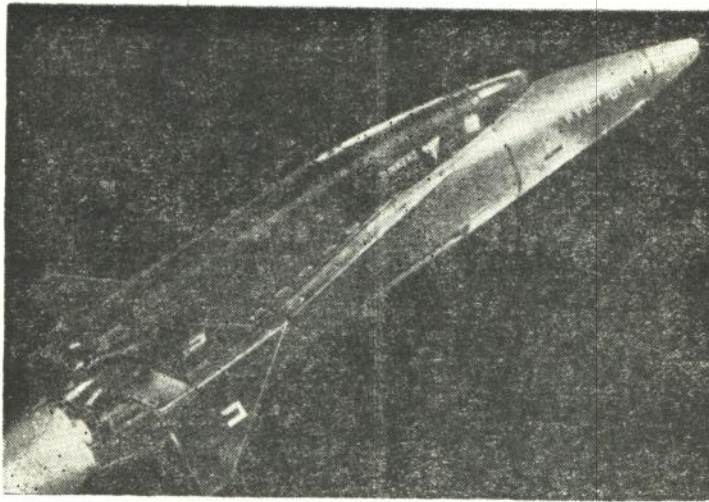


فضای کیهانی است . در این وسیله نقلیه مشکلات اصطکاک و ورود از فضا به جو را نیز حل کرده‌اند . بدین معنی که سرعت آن در فضای بالای جو معادل ۸ کیلومتر در ثانیه (۲۸۸۰۰ کیلو متر در ساعت) است . اما به محض اینکه وارد جو می‌شود ، شتاب خود را به سرعت یک هواپیمای مافوق صوت تقلیل می‌دهد ، یعنی به ساعتی ۲۵۰۰ کیلو متر می‌رساند .

با تکمیل و استفاده از هواپیمای «ایکس - ۲۰» رفته رفته از عصر

که با اتمهای هوا پیدا می‌کند، علاوه بر اینکه متداری از انرژی موتورهای محرک هواپیما برای خنثی کردن مقاومت این اصطکاک صرف می‌شود، هوای دورگره زمین اجازه پرواز در سرعت‌های خیلی زیاد را به هواپیما نمی‌دهد .

این سد نیز بدینگونه شکسته شد که هواپیماهای «X-۱۵» فشفشه‌ای امریکا آخرین مراحل آزمایشی خود را گذرانید و هشت سال قبل پروازهای خود را آغاز و با سرعتی معادل ۵۶۰۰ کیلومتر در ساعت در حوالی



هواپیمایی وارد دوران فضاوردی می‌شود. یعنی وجود این دستگاه تلفیقی است از هوا نوردی و فضاوردی. در این عصر است که موشک‌ها، میدان دار فضایی شوند و پهنه آسمان را جولانگاه خود می‌کنند.

موشک‌ها

اینهمه پیشرفت، اینهمه سرعت و اینهمه ارتفاع، عطش بلند پروازی و پیشتازی بشر را کم نکرد.

هنگامی که برادران «مونگولفیه» در سال ۱۷۸۳ با بالن اختراعی خود به هوا بلند شدند، دانشمندی از اهالی آلمان «کریستیان کیندرمان» کتابی در باره‌ی سفر به سیاره‌ی مریخ نوشت که این فکر در آن زمان کاملاً نو و تازه بود.

«ژول ورن» نیز داستانهای تخیلی جالبی از پرواز انسان به سوی کرات ساخته و پرداخته است که کمابیش با حقیقت قرین شد. ادگار آلن پو نیز در این مورد داستانهایی دارد. اما تا پایان قرن نوزدهم، موضوع سفر به سیاره‌ها جز خیال‌بافی و رؤیا چیز دیگری نبود، تا اینکه در ابتدای قرن بیستم سه دانشمند، از سه کشور مختلف جهان (روسیه، آلمان و آمریکا) امکان مسافرت‌های فضایی را به‌طور علمی مورد مطالعه قرار دادند.

دانشمند روسی «پروفوسور - کنستانتین ادواردویچ زیولکوفسکی»، دانشمند آمریکایی «زد. اچ. گووار» و مهمتر و موثرتر از ایندو، دانشمند آلمانی «هرمان اوبرت» بود.

این سه دانشمند بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۵ تعدادی موشک با سوختهای گوناگون آزمایش کردند و نتیجتاً

هایی هم گرفتند که آنقدر هاجم‌گیر نبود ولی به عنوان پایه و گامهایی بودند که در راه ساختن آینده بهتر و وصول به مقصود نهایی می‌توانیم به حساب آوریم.

انگیزه کاوش آنان در باره موشک از همان زوایدادهایی سرچشمه می‌گیرد که به نظر مردم عادی چیزی معمولی است. مثلاً همه افتادن سیب را از درخت دیده و آنرا امری عادی و معمولی تلقی کرده بودند، اما «اسحق - نیوتن»

با دیدن افتادن سیب از درخت نیروی کشش زمین را شناخت و به قانون جاذبه‌ی زمین دست یافت.

دانشمندان مذکور نیز با مشاهده فششها و موشک‌های اسباب‌بازی که در جشن‌ها به کار میرفت پی به خاصیت فرار از قوه‌ی جاذبه‌ای موشک‌ها بردند و در این راه به کاوش و آزمایش پرداختند. مثلاً پروفوسور «کنستانتین ادواردویچ زیولکوفسکی» پس از مشاهده حرکت فششها، به تعمق فرو رفت و روزی مقدری خوب، سنگ و چیزهای بیهوده را در قایقی گذارد و به میان مرداب آرام، رقت و در آنجا قایق را متوقف کرد. سپس به سرعت شروع کرد به پرتاب چوبها و سنگ‌ها و اشیاء به سوی معینی. آنگاه مشاهده کرد که قایق که تا آن لحظه آرام و بی حرکت در سطح آب ایستاده بود، به طرف مخالف پرتاب اشیاء حرکت می‌کند و هر قدر این پرتاب‌ها ادامه می‌یابد بر سرعت قایق به سوی مخالف پرتاب اشیاء افزوده می‌شود. پروفوسور مذکور آنقدر گرم کار خود بود که یک مرتبه متوجه شد که چتر و کلاه و کت و پالتوی خود

و حتی پاروهای قایق را نیز پرتاب کرده است.

او با این آزمایش دانست که اگر نیروی حاصله از احتراقی، از انتهای شیشی خارج شود، آن شیشی را به جلو می‌رانند و این اصل کلی ساختمان موشک‌ها را تشکیل می‌دهد.

پدر موشک

میگویند در حدود هفتصد سال پیش نیز چینی‌ها موشک‌هایی داشتند که در جنگ علیه دشمن به کار می‌بردند. ولی اگر بخواهیم، تنها می‌توانیم از آن به عنوان تاریخچه‌ی موشک نام ببریم و اطلاع عمیق علمی به ما نمی‌دهد. اما همین فکر استفاده از موشک بر ضد دشمن بود که در سال ۱۹۳۷ دانشمند شهیر آلمانی «ورنر - فون براون» را که در آن هنگام جوانی کم سن و سال بیش نبود به تهیه طرحی و ادانت و طرح خود را برای هیتلر فرستاد. هیتلر با وجود مخالفت اطرافیان که ضعف اقتصادی و در پیش بودن طرحهای مهمتری را به او یادآوری می‌کردند، دستور داد در کنار دریای بالتیک ایستگاهی برای ساختن و پرتاب موشک‌های فضایی در اختیار «فون براون» گذارده شود و بودجه‌ای نیز برای این کار تعیین کرد.

مقارن همین روزها، در ایتالیا نیز یک مهندس جوان به نام «استفانی» نقشه‌ی موشکی را کشید که با نیروی مواد منفجره حرکت می‌کرد و با امواج رادیو هدایت می‌شد.

سال بعد (۱۹۳۸) موشک «فون - براون» به نام «واسرفال» با موفقیت آزمایش شد اما در آزمایش‌های بعدی شکستهایی به سراغ برنامه‌های پرتاب

یب، ییب، ییب

... در نخستین ساعتهای روز پنجم اکتبر ۱۹۵۷، نخستین مصنوع دست بشر، قوه جاذبه زمین را زیر پا می نهد و در پشت حباب جو، به گرد زمین به گردش در می آید.

در این روز دانشمندان شوروی، اولین «قمر مصنوعی» را که به زبان روسی «اسپوتنیک» نامیده میشود به فضا پرتاب کردند. صدای «یب، ییب، ییب» آن، نخستین صدایی بود که از آنسوی جو، از ساخته دست انسان بر می خاست و با فرزندان آدم یعنی سازندگان خود صحبت می کرد.

شور و هیجان فزون از اندازه ای تمام ساکنان کره خاکی را فرا گرفته بود، درهای آسمان به روی بشر خاکی باز می شد و انسان پنجه بر آستان خدا افکنده بود!

یکسال بعد امریکاییان موشک پشتانز و سپس قمر مصنوعی خود را با یک موشک ژوپیتر به فضا فرستادند. عصر مسابقه های فضایی آغاز شد و رقابت شدیدی بین امریکا و شوروی در گرفت.

۱۳ سپتامبر ۱۹۵۹ نخستین ساخته دست انسان بوسیله روسها در کره ماه فرود آمد و آن موشکی بود که از ایستگاه فضایی «بایکونور» در کنار دریای خزر پرتاب شده بود و پرچم شوروی و علامت آن کشور را در کره ماه نصب کرد. این کار نیز به خدمتگذاران بود زیرا به قول یکی از دانشمندان فضایی غرب، این کار بیان آن است که یک شکارچی در حالیکه سوار جیبی است و با سرعت ساعتی ۹۰ کیلومتر در حرکت است، بتواند با تفنگ خود چشم یک مرغابی را که در فاصله چهار کیلومتری عکس حرکت جیب شکارچی در پرواز است، هدف قرار دهد و تیر را نیز درست به نشان بزند.

چندی بعد بازم ره سها قمر مصنوعی دیگری به نام «لونیک ۳» به ماه فرستادند که کره ماه را دور زد و از منطقه نامرئی ماه عکس گرفت و به زمین فرستاد.

میدانیم که در حرکت ماه به دور زمین همیشه یک روی ماه بسوی زمین است و بشر نتوانسته بود رویه دیگر و نیمکره آن طرف ماه را که «پشت ماه» نامیده می شود ببیند. اما «لونیک ۳» این کار را انجام داد و عکسهای روشن

موشک یا قمر مصنوعی، خود را از مدار زمین رها کند و به طرف سیاره دیگری برود. هر سه این سرعتها را «سرعت کیهانی» گویند. زیرا سرعت کیهانی با سرعتهای معمولی فرق بسیار دارد و حداقل آن نائیدای ۸ کیلومتر است. ضمناً مشکل دیگری هم در کار بود و آن کاستن از سرعتهای سرسام آور فوق بود. زیرا چنانچه برنامه سفر به فضا بوسیله ی انسان می باید آغاز شود، باید روشی هم اتخاذ می شد که بتوان آن انسان را به سلامت به زمین بازگردانید.

مشکلات عمده ای که به نظر حل ناشدنی می آمدند عبارت بودند از:
۱ - تهیه سوختی که با انرژی حاصله از آن بتوان سرعت اولیه را برای حرکت موشک به سوی فضا بدست آورد.
۲ - رسانیدن و هدایت دقیق موشک تا ارتفاع و مدار مورد نظر.

۳ - ایجاد سرعت مجدد و حساب شده برای قرار گرفتن شیئی مورد نظر در مدار زمین.

۴ - ایجاد سرعت دیگر برای هدایت شیئی منظور به طرف سیاره دیگر و رهایی از جاذبه زمین.

۵ - هدایت مداوم و پی گیر شیئی کیهان نورد به طرف سیاره مورد نظر در تمام طول راه.

۶ - محاسبه ی دقیق فاصله ی زمین تا سیاره ی مقصد برای فرود قمر مصنوعی در آن.

۷ - کم کردن دقیق سرعت و فرود آرام در سیاره.

۸ - حرکت مجدد و بازگشت آن به سوی زمین.

۹ - قرار دادن دو باره شیئی کیهان نورد در مدار زمین.

۱۰ - فرود آرام آن در سطح زمین. ده اصل گفته شده پایه های اولیه ی رفت و برگشت یک قمر مصنوعی حامل انسان به سیاره دیگر است ولی در حاشیه این ۱۰ ماده، صدها مسئله و مشکل دیگر از قبیل غذا، اکسیژن و لباس ایمنی و داروهای مختلف برای فضانوردان و تهیه وسایل عکسبرداری، فیلمبرداری و هزاران وسیله دیگری خودنمایی می کند.

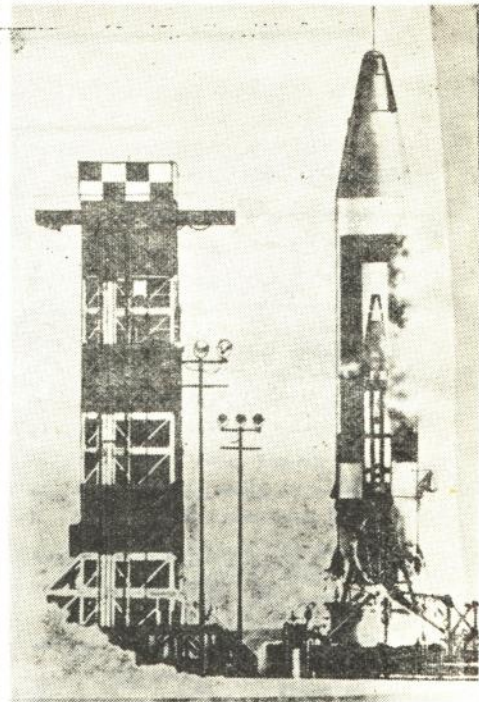
این مسائل پیچیده، خوش بین ترین دانشمندان را نیز از اینکه فکر کنند ممکن است روزی بتوان از حیطه جاذبه زمین رها شد مایوس می کرد تا اینکه..

موشک «فون براون» آمد تا جایی که سبب شد بودجه کارهای او را تقلیل دهند. ولی ضرورت جنگ، دوباره هیتلر را واداشت که به او روی آورد و از وی بخواهد که کار ساختن موشک و تجربیات در باره ی آن را دنبال کند تا اینکه بالاخره با تلفیق افکار «فون براون» و «استفانی» در سال ۱۹۴۴ برنامه پرتاب و هدایت دقیق موشکها در فضا وارد مرحله ی عمل شد و از موشک (۴-آ) به نام (۲-و) به تعداد زیادی ساخته شد و با این موشکها که دارای سرعتی مافوق سرعت صوت بودند شروع به بمباران انگلستان کردند. این موشکها ۱۲ متر طول و ۱۴ تن وزن داشتند که رقم مهمی از این وزن را مواد منفجره تشکیل میداد - و دارای سرعتی معادل ۵۶۰۰ کیلومتر در ساعت بودند. این موشکها تا ارتفاع ۸۰ کیلومتری زمین بالا می رفتند و سپس با هدایت رادیویی بنقطه مورد نظر فرود می آمدند.

اجرای این برنامه چنان وحشتی در انگلستان وصف متفکرین ایجاد کرد که حدی نداشت. زیرا به علت اینکه بمبهای بالدار (۲-و) دارای سرعتی بسیار زیادتر از سرعت صوت بودند، تا موقعیکه به هدف نمی خوردند و منفجر نمی شدند، اهالی و تشکیلات دفاعی انگلستان از وجودشان بی خبر می ماندند و همین قدرت ضربتی مهیب و غیر قابل دفاع بودن آنها، برهاس انگلستان و امریکا افزوده بود.

بعد از جنگ، امریکائیا با استفاده از شخص «فون براون»، موشک «والف کارپرال» را ساختند که تا ارتفاع ۴۰۳ کیلومتری سطح زمین بالا رفت و این رکوردی در ارتفاع پرواز تا آنروز محسوب می شد که البته این موشک انسانی را با خود حمل نمی کرد. اما با وجود ۴۰۳ کیلومتر اوج، این تازه آغاز چشم بود، زیرا عصر کیهان نوردی یعنی قرار دادن جسمی وزین در مدار زمین، تازه میخواست آغاز شود.

برای این کار، یعنی قرار دادن جسمی در مدار زمین، سرعتهای مختلفی لازم بود، اول، سرعت پرتاب جسم از زمین برای رسیدن به ارتفاع لازم، بعد سرعت دوران جسم به گرد زمین یا هر سیاره ی دیگر و سوم، سرعتی که



افسانه‌ی پرواز بقیده از صفحه پیش

و ارزنده‌ای از رویه نامرئی ماه‌زمین فرستاد.

در اینجا با نهایت غرور و افتخار باید بگویم که در کنفرانس علمی «برایتون» که چندی قبل در انگلستان تشکیل شد و چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی ستاره‌شناسان و دانشمندان فضایی جهان است - نامه‌ای ابن‌سینا، ابوریحان بیرونی و عمر خیام بر روی سه حفره از حفره‌های قسمت نامرئی ماه گذارده شد. این اسمها بدرخواست ایران بر روی حفره‌ها نهاده نشد، زیرا ایران اصولاً در آن کنفرانس‌ها نماینده‌ای ندارد که بتواند چنین پیشنهادی کند. چون تنها سه یا چهار کشور بزرگ که به فضا «قمر مصنوعی» فرستاده‌اند مقام عضویت این کنفرانس را دارا می‌باشند.

نام «ابوریحان بیرونی» بوسیله گروه دانشمندان شوروی و نام «خیام» و «ابوعلی سینا» توسط گروه دانشمندان فضایی امریکا برای حفره‌ها پیشنهاد شد و پس از تصویب در دفترچه‌ای که در پایان کار کنفرانس از طرف دانشمندان فضایی منتشر شد، در مورد سه دانشمند نامبرده چنین نوشته شده است:

البیرونی: بین سالهای ۹۷۳ تا ۱۰۴۸ میلادی می‌زیسته، ستاره‌شناس، ریاضی‌دان، جغرافی‌دان و مؤلف دایرة المعارف و مورخ بود و درغزنین درس می‌داده و در موضوعهای مختلفی مطلب نوشته است.

ابن سینا: بین ۹۸۰ تا ۱۰۳۷

میلادی می‌زیسته. پزشک و فیلسوف ایرانی و بزرگترین پزشک قرون وسطی بوده و همچنین مشاهدات ستاره‌شناسی کرده و نخستین کسی بوده که اظهار داشته: «سرعت سیر نور نباید بی‌نهایت باشد».

عمر خیام: در حدود ۱۰۵۰ تا ۱۱۲۳ میلادی می‌زیسته، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس، و شاعر ایرانی بوده و تقویم جدید ایرانی را تدوین کرده است، بطوریکه اشتباه آن تنها یکروز در پنجاهزار سال است و همچنین جدول‌های ستاره‌شناسی نیز تدوین کرده‌است. قضیه «بیونومیال» و حل هندسی معادلات درجه سوم را به او نسبت می‌دهند.

واقماً اینجاست که هر ایرانی در خود احساس غرور و افتخار می‌کند، زیرا می‌بیند که برگزیدگان دانش امروزی بدننگونه برآستان نوع دانشمندان گذشته ماست و قاضی بر زمین ادب و حقیقت‌شناسی می‌سایند. از بحث اصلی دور شدم ولی ذکر این مطالب نیز ضروری بود.

نخستین فضاورد

به‌هر حال، هیجان‌انگیزترین واقعه فضایی در بهار سال ۱۹۶۱ رخ داد، در تاریخ دوازدهم آوریل ۱۹۶۱ موشکی از شوروی به فضا پرتاب شد که پس از چند لحظه قمر مصنوعی حامل افسانه‌ی را به نام «وستوک ۱» به دور کره زمین به گردش در آورد. این انسان «بوری گاگارین» و نخستین بشری بود که ۲۴ ساعت کره زمین - یک شب و یکروز - را در ۹۰ دقیقه دید. یعنی چهار هزار و دویست و بیست و پنج کیلومتر راه را در یک ساعت و نیم پیمود و نخستین مرد فضا پیمای جهان لقب گرفت.

سرعت او در این پرواز ۲۸۸۰۰ کیلومتر در ساعت بود.

به فاصله کمی امریکاییان نیز در تاریخ پنجم مه ۱۹۶۱ «آلن شپارد» راه فضا فرستادند که فقط پانزده دقیقه در فضا بود و بزمین بازگشت. مسیر گاگارین، مداری بود و مسیر آلن شپارد، عمودی.

این مسأله متوقف نشد تا اینکه در تابستان ۱۹۶۹ نخستین انسانها در کره ماه قدم بر خاک نهادند. اینها دو نفر امریکایی به نام «نیل آرمسترانگ» و «جانز کتراد» بودند.

می‌گویند جای پای آنها که بر سطح کره‌ماه مانده است یک میلیون سال باقی می‌ماند ولی من معتقدم که صد سال هم طول نمی‌کشد که تمام سطح ماه از جمله رد پای «آرمسترانگ»

و «کتراد» لگدکوب آدمیان می‌شود و اعتبار آنها آتندتر پا جای ایشان می‌گذارند که دیگر اثری از رد پای آنان باقی نمی‌ماند.

موشکی که «آپولو» می‌حامل این دوفنر را از قید کشش زمین رها کنید و آنها را به کره ماه رسانید، موشک «ساترن» بود که یکی از عظیم‌ترین ساخته‌های متحرک دست بشر محسوب می‌شود زیرا این موشک یکصد و ده متر ارتفاع دارد (یعنی به اندازه یک آسمان خراش چهل طبقه) و وزن آن نیز با سوخت، یکصد و سی تن است. پس از «آرمسترانگ»، امریکاییان دیگری نیز قدم در ماه نهادند که تعداد آنان تاکنون به شش تن بالغ شده است. (هنگام چاپ این مقاله، دو نفر دیگر نیز بناهای دیوید اسکات، و جیمز - ایروین، نیز وسیله آپولو ۱۵ و سفینه ماه‌نشین قدم بسطح ماه گذاشتند) به موازات این پیشرفتها، نوبت زهره و مریخ نیز فرا رسید و روسها با «ونوس» های خود زهره را هدف قرار دادند و امریکاییان نیز با «مرینر» - های خویش مریخ را نشانه گرفتند.

آخرین جهش بشر در زمینه تسخیر فضا، فرستادن ایستگاه فضایی «سالیوت» است به فضا که توسط دانشمندان شوروی جامعه عمل پوشید. این ایستگاه که هر ۸۸ دقیقه یکبار به دور زمین می‌گردد، دارای ۲۰ متر طول و ۲۵ تن وزن است که سه تن از کیهان‌نوردان شوروی به نامهای «گورگی دوبروولسکی»، «ولادیسلاوولسکف» و «ویکتور» پاتسایف مدت ۲۴ روز در آن اقامت کردند و گیاهانی نیز در آن کاشتند، اما به هنگام بازگشت به زمین هر سه نفر کشته شدند و هنگامی که در «سایوز-۱۱» که آنها را بزمین رسانیده بود گشودند هر سه تن را مرده یافتند.

مرگ تأثرانگیز آنان خاطره «ایکاروس» را در ذهن انسان زنده می‌کند. شاید ایشان «ایکاروس» های قرن بیستم باشند که پا را از حدی که بنا بود، فراتر نهادند و بالنتیجه مورد خشم خدایان قرار گرفتند و بالهایشان سوخت و شهید شدند!

اما همانطور که هوانوردی با مرگ «ایکاروس» افسانه‌ای متوقف نشد، کیهان‌پیمایی نیز با شهادت «ایکاروس» - های جوان و حقیقی پایان نمی‌گیرد. تشنگی بشر به دست‌یافتن بر غیر ممکن، از آغاز خلقت تا شام ابد رفع نمی‌شود. بیشتر می‌رود، بیشتر می‌رود، بالاتر می‌رود، و سریعتر می‌رود. می‌رود و می‌رود تا آنجا که عقل من و شما فعلاً قد نمی‌دهد ■

● سازمان سپاه دانش از مدت‌ها قبل با همکاری ادارات آموزش و پرورش استانها و فرمانداریهای کل در صد ساختن مدارس نو بنیادی در روستاهای کشور بوده است تا بمناسبت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله بنیاد گذاری شاهنشاهی ایران مورد استفاده قرار گیرد. برای احداث این مدارس با استفاده از خودیاری مردم روستاها و جمع آوری ۲٪ عمران و با همت و پشتکار سپاهیان دانش و آموزگاران روستائی، تعداد ۱۳۵۵ دبستان (استان مرکزی ۱۲۲ استان گیلان ۱۵۵ - استان مازندران ۸۹ - استان آذربایجان غربی شرقی ۱۶۲ - استان آذربایجان غربی ۱۵۹ - استان کرمانشاهان ۸۸ - استان خوزستان ۹۱ - استان فارس ۴۷ - استان کرمان ۶۷ - استان خراسان ۷۳ - استان اصفهان ۹۳ - استان کردستان ۸۹ - استان سیستان و بلوچستان ۱۰ - بنادر و جزایر خلیج فارس ۲۳ - بنادر و جزایر بحر عمان ۳۳ - فرمانداری کل چهارمحال بختیاری ۳ - فرمانداری کل سمنان ۳ - فرمانداری کل کهگیلویه ۲۱ - فرمانداری کل یزد ۲۱ - فرمانداری کل همدان ۹ - فرمانداری کل لرستان ۱۹ فرمانداری کل ایلام ۸) ساخته شده آماده بهره برداری است. این مدارس که تا آغاز برگزاری جشن های شاهنشاهی تعداد آنها به ۲۰۰۰ خواهد رسید، غیر از ۲۵۰۰ مدرسه یاد بود است که با کمک مردم در دست ساختمان است. با این ترتیب انتظار می‌رود که بمناسبت برگزاری جشن های شگوهمند شاهنشاهی ایران قریب ۵۰۰۰ دبستان جدید -

از میان خبرهای سازمان سپاه دانش

التاسیس گشایش یابد و پنجهزار روستا که هم اکنون فاقد دبستان هستند، دارای مدرسه شوند. پیش از بهمن سال ۱۳۴۱ و انقلاب سفید شاه مردم، تنها هفت هزار روستا دارای مدرسه بود، در صورتیکه بر اثر نتایج حاصله از انقلاب سفید هم اکنون ۲۱ هزار روستا از نعمت داشتن دبستان برخوردار است و با اضافه شدن پنجهزار دبستان جدید - التاسیس، ۲۶ هزار روستا دارای مدرسه خواهند شد.

دبیر کل پیکار با بیسوادی کشورهای عربی در تهران

● آقای علی حافظ دبیر کل پیکار با بیسوادی کشورهای عربی به اتفاق رئیس روابط عمومی سازمان سپاه دانش در دفتر کار وزیر آموزش و پرورش حضور یافت و با خانم دکتر فرخ روپارسی وزیر آموزش و پرورش ملاقات کرد. در این ملاقات پیرامون برنامه‌ها و پیشرفت‌های آموزشی بویژه سپاه دانش و پیکار با بیسوادی بحث و مذاکره شد و نقش دختران و پسران سپاهی دانش در مبارزه با جهل و بیسوادی مورد تمجید و تحسین آقای علی حافظ قرار گرفت. وی اظهار امیدواری کرد که برنامه سپاه دانش ایران در سایر کشورهای جهان نیز تعمیم یابد. ● آقای علی حافظ دبیر کل پیکار با بیسوادی ممالک عربی که بنا بدعوت مدیر کل سازمان سپاه دانش وارد تهران شده بود، با

سپه‌جنب دانشکده افسری حضور یافت و اوراق یک باب دبستان باد بود جشن‌های شاهنشاهی ایران را خریداری کرد.

مسافرت سرپرست نمایشگاهها و سپاهیان بر - گزیده

● سرپرست نمایشگاه های سپاه دانش به اتفاق سپاهیان دانش منتخب اعزامی به اروپا، عازم ایتالیا شد. این مسافرت بمنظور برگزاری نمایشگاههای فعالیت های دختران و پسران سپاهی دانش صورت می‌گیرد که در آستانه جشن‌های شاهنشاهی، در اروپا و همزمان با برگزاری جشن‌ها، در آمریکانشکیل میشود.

اطلاعات و کیهان در کنار نمایشگاهها

● موسسه های کیهان و اطلاعات اعلام داشتند بمنظور تجلیل بیشتر از فعالیت ها و اقدامات سپاهیان دانش، در نمایشگاه های سپاه دانش، در خارج از کشور غرفه مخصوصی دایر خواهند کرد و برای اطلاع و استفاده بیشتر ایرانیان مقیم و دانشجویان ایرانی و همچنین بازدید کنندگان از نمایشگاه ها از اخبار و پیشرفت‌های کشور، بمقدار کافی نشریات خود را به محل نمایشگاهها ارسال میدارند.

اظهار نظر يك روزنامه افغانی

● اخیرا روزنامه کارون چاپ کابل ضمن ستایش برنامه‌های سپاه دانش ایران، نقش سپاهیان دانش را در بهسازی محیط روستاها تشریح کرده و لزوم تشکیل سپاه دانش را در کشور افغانستان یاد آور شده است.

ایشان نیز ملاقات کرد. در این ملاقات برنامه‌ها و پیشرفت‌ها سپاهیان انقلاب بویژه سپاهیان دانش وسیله آقای حسین بنائی مدیر کل سازمان تشریح شد و نتایجی که از این راه نصیب روستائیان کشور شده است مورد بحث قرار گرفت. آقای علی حافظ پس از این ملاقات عازم روستا های کرج شد و فعالیت‌ها و کوشش‌های دختران و پسران سپاهی دانش را مورد بازدید قرار داد. دبیر کل پیکار با بیسوادی ممالک عربی طی مدت يك هفته اقامت در تهران از موسسات و مراکز آموزشی سپاه دانش بازدید کرد.

● همکاری نیروی هوائی شاهنشاهی فرماندهی نیروی هوائی شاهنشاهی ایران اعلام کرد که بیاس قدرانی از زحمت و کوشش های دختران و پسران سپاهی دانش در امر مبارزه با بی سوادی در ایران و بمنظور انعکاس بیشتر فعالیت‌های این دسته از جوانان در خارج از کشور، نیروی هوائی شاهنشاهی آماده است تا کلیه وسائل نمایشگاه های فعالیت سپاهیان دانش را که در تابستان و پاییز امسال در امریکا و اروپا برگزار میشود به خارج از کشور حمل کند.

خریداری برگهای يك دبستان

● ساعت ۱۰ پامداد روز دوشنبه ۵۰۴۷۰ مدیر کل سازمان سپاه دانش در بانك ملی شعبه کاخ (خیابان)



در همدان آقای دکتر بنائی مدیر کل سازمان سپاه دانش جوایز سپاهیان -

دانش ممتاز را بانان اهدا میکنند



دوران کودکی نوابغ

ترجمه : مصطفی بهفروز

فوشته : ژاکلین مادی

لویی بری

Louis Braille

یکی از این شاگردان «لویی» بود . وی روشی برای خواندن نابینایان ابداع کرد و خطی پدید آورد که نابینایان بتوانند با کمک

داشتند و با احتیاط و آرام در حالیکه هر یک از آنها کمربند پسر جلوتر از خود را با دست گرفته بود ، در خیابان قدم می زدند .

پسران «مدرسه نابینایان» چهارم های آشنائی بودند که در خیابان سنت ویکتور دیده میشدند . آنان صورتهائی لاغر و رنگی پریده

انگستان آنرا بخوانند .

لوئی در سال ۱۸۱۰ میلادی در «کوپورای» ، نزدیک پاریس متولد شد . او پسریک زین ساز بود . در آغاز مانند دیگر همسالان زندگی خوشی داشت ، در اطراف ده بازی میکرد ، بارابه بچه گانه مخصوصش بهسواری می پرداخت ، سر بسر خواهرش میگذاشت و باسربازانی که در این ده سرسبز اردو میزدند آشنا میشد . اما یکروز ، هنگامیکه سهسال

درباره حروف الفبا میگفتند درك كند . هنگامیکه لوئی نه سال داشت ، مادام لامارکیزو پالوئی - کشیش - پدر و مادر او را واداشتند که لوئی را بدستان نابینایان پاریس بفرستند . آنان مجبور نبودند شهریه بپردازند ، زیرا لوئی باسانی یک بورس تحصیلی بدست آورد

او در ابتدا از دبستان نابینایان بیزار بود . بناهای این مدرسه ، سرد و نمناک - غذاها ، ساده و بی خاصیت

نداشت که لوئی بتواند با آن موسیقی یادبگیرد . ازوقتیکه مادام لامارکیز بهوی اجازه داد که در کاخ بیلاقیش ، ارگ بنوازد ، او با کلیدهای ارگ برای خودش موسیقی می نواخت . لوئی در نماز خانه مدرسه ارگ می - آموخت اما موفقیت زیادی بدست نمی آورد برای اینکه او فقط میتوانست ازراه گوش موسیقی بیاموزد . هر قدر لوئی تحصیل میکرد ، بیشتر متقاعد میشد که می باید راه

وسيله‌ای که سبب نابینائی او شد ، وسیله بینائی همه نابینایان جهان گشت!

بیشتر نداشت ، وارد کارگاه پدرش شد و چشمش را با درفش زخمی کرد و چند ماه بعد کور شد .

از آن بعد ، لوئی خودراناتوان احساس میکرد و می ترسید . در موقع راه رفتن بدامن مادرش می چسبید و بیشتر وقتش را روی چهار پایه در گوشه آشپزخانه میکردند . اگر چیزی را میخواست و کسی در اطراف او نبود ، خود را روی زمین می انداخت و از شدت عصبانیت فریاد میکشید .

هنگامیکه پدر و مادرش نتوانستند برای او چاره‌ای بیندیشند ، دودوست مهربان آنها بکمک لوئی شتافتند . یکی از این دو «مادام لامارکیز» نام داشت که بکاخ بیلاقی خود آمده بود ، و دیگری «پالوئی» کشیش ده بود . این دو تصمیم گرفتند که لوئی آینده خوبی داشته باشد و مانند بچه های کوربی بضاعت گدائی نکند .

در ابتدای کار ، مادام لامارکیز . لوئی را امیدوار کرد و باو یاد داد که حواس دیگرش را تقویت کند تا نقص کوریش جبران شود و «پالوئی» هرروز صبح لوئی را بخانه اش می برد و برای او داستانهائی تعریف میکرد تا وی را بزندگی امیدوار کند .

پس از چندی ، لوئی جرئت پیدا کرد که بمدرسه برود . او بدرسه ها گوش میداد وخیلی زود آنها را یاد میگرفت و از خود استعداد زیادی نشان میداد . اما چون نمیتوانست بخواند و بنویسد ، بداخلاق و سرکش بار آمد .

پدر لوئی برای کماله به پسرش ، حروف الفبا را که از میخ های برنجی ساخته شده بود با چکش در قطعات چوب فرو برد بطوریکه لوئی میتوانست این حروف را با سر - انگشتانش لمس کند . این روش برای لوئی موفقیت بزرگی بود زیرا از آن وقت توانست آنچه را که مردم

و خوابگاهها ، گرفته و حزن انگیز بودند و بهر نفر یک پتو اختصاص داشت . عده زیادی از معلمان نیز تند خو و سنگدل بودند .

در این مدرسه برای تدریس از کتابهای معدودی استفاده میشد . این کتابها دارای اوراق بزرگ مقوایی بودند که حروف الفبا بطور برجسته روی آنها قرار گرفته بود بطوریکه با انگشتان لمس میشد . خواندن با این حروف آنقدر به کندی صورت میگرفت که شاگردان اغلب اوقات قبل از آنکه یک جمله را تمام کنند ، آغاز آنرا فراموش میکردند .

از همه بدتر ، روشی وجود

ساده‌ای وجود داشته باشد که نابینایان بتوانند با آن درس بخوانند . روزی یک سروان ارتش با این مدرسه آمد . او و همکارانش طریقه‌ای برای فرستادن علامات در تاریکی اختراع کرده بودند و آن بدین طریق بود که روی مقوا ، نقطه‌ها و خطهای کوچکی می کشیدند ، و این روش «سونو - گرافی» نامیده شد .

این افسر تشخیص داده بود که این طریقه ممکن است برای نابینایان سودمند واقع شود .

یک معلم مهربان ، لوئی را بهوی معرفی کرد زیرا میدانست لوئی تنها بقیه در صفحه ۷۶



زبان و ادبیات

اساس قومیت و انگیزنده روح زندگی يك ملت است

از : ایرج صمدی

- نویسنده، حافظ زبان است و پاسدار آن، چرا که تجلی و شکوه زبان یعنی تجلی و شکوه ادبیات.
- امروز که اینهمه سنک ادبیات و زبان مادری بسینه زده میشود، مدارس و دانشگاه‌های ما را تب فراگیری زبانهای فرنگی گرفته و گویی یادگیری زبانی بیگانه حتی از آب و مواد تغذیه نیز حیاتی تر شده است.
- نویسنده باید سعی کند نبض زمان و اجتماع را در دست بگیرد، تپش‌ها را شماره کند و حتی کوچکترین زرمه را بصورت فریاد در برهوت زمان رها سازد.

امیدوار بود که سردمدارانی بوجود می‌آمدند و پیشروان و پرچمدارانی ظهور میکردند؟ ذکر این مطلب کاملاً صحیح است که ما زبان خداوندان سخن راه از رودکی گرفته که قدیم‌ترین و مسلط‌ترین شاعر «دری» گوی است تا فردوسی و سعدی و حافظ که بزبان ما نزدیک‌ترین خوب می‌خوانیم، اما باید توجه داشت که این خوب فهمان و خوب خوانان چه کسانی هستند و چند درصد از جامعه فرهنگی مارا

و رخدادی، زبان خود را در مسیر زمان، در برابر طوفانها و جریانهای تند اجتماعی، سیاسی و حتی مذهبی نگاهداشته و حافظ و حارس زبان مادری و قومی خود شده است، ولی چه خوب است بنشینیم ورك و راست وبدون پرده پوشی قضاوت کنیم که اگر درنگهبانی این خطیر مسئول بوده‌ایم، در تکامل و تحرك و وسعت آن چه اندازه موفق شده‌ایم؟ راستی اگر سعدیها و فردوسیها و حافظها نبودند آیا باز هم میتوان

گفت و گو پیرامون زبان فارسی و ارزش و اهمیت آن در تکوین قومیت و ملیت کشور ما، نه مطلب تازه‌ای است و نه هیچگاه کهنگی می‌پذیرد، بلکه باید در هر زمانی با توجه به رویدادهای فرهنگی و خواست‌های اجتماعی مورد تحقیق و تتبع قرار گیرد، زیرا هر زمانی شکل و طرح تازه‌ای بخود میگیرد و یا به تکامل و تعالی قدم میگذارد. ویژگی اجتماعی و انسانی قوم ایرانی در این است که در هر موقعیت



کباده‌کشی با حافظ داشته‌اند و رجز دلیرانه و حماسی با فردوسی خوانده‌اند؟

جز اینکه باید گفت عده‌ای در این میانه فقط نقش ناشر و شارح را بازی کرده‌اند.

غمگنانه باید اظهار کرد که دبیرستانها و دانشگاه‌های ما در حفظ و رعایت زبان فارسی چنان ره به ترکستان دارند که حتی شرحش خالی از تاسف و تاثر نیست.

لطفا ورق بزنید

عبور دانش پژوهان از دروازه‌های فرهنگ به اجتماع شده‌اند و سالها است متون نظم و نثر کهن فارسی در مدارس و دانشکده‌های ما نقش لاپراتوار زبان را بازی می‌کند، ولی باید دید از این تحقیق و تتبع و از این استمرار یک نواخت و تقریبا بی حاصل چه طرفی بسته شده‌است... کدامیک از خوانندگان، مطالب آنها و حتی نویسندگان، تا کنون اصالت و رسالتی چون سعدی یافته‌اند، قدرت مقابله و

تشکیل می‌دهند. در این جا است که حقیقت و واقعیت با هم منافات پیدا می‌کنند، زیرا حقیقت میشود تحول زمان و صیقل نوشته‌ها در طول زمان بدون از دست دادن طرح و سیلان و حرارت و یک پارچگی خود، و واقعیت، درک مفاهیم و معانی کلی میشود برای اقلیتی محدود.

سالها است که کتب درسی ما را سعدیها و حافظها بخود اختصاص داده‌اند. سالها است این کتب جواز

ما خیال می‌کنیم اگر توانستیم خوب صحبت کنیم و بزبان مادری سرو شاخ هم را در میدان نبرد زندگی ادبی بشکنیم، آنوقت می‌شویم نگهبان زبان، می‌شویم محقق زبان و می‌شویم تکوین کننده و تکمیل کننده زبان.

زبان مجاوره‌ای يك طرف سکه است، آنزوی سکه سندی میشود تضمین شده با مهر فضیلت و رسالت و حقا کسی می‌تواند فریاد این رسالت و سردمداری را بکشد

فراگیری زبان فرنگی گرفته، گویی یادگیری هر زبان بیگانه‌ای حتی از آب و هوا و تغذیه نیز ضروری تر شده است. درچنین شرایط حساسی انجمن‌های قلم، صاحب‌نظران ذیصلاح و حتی راه‌گشایان فرهنگ و معنویت را است که احساس مسئولیت کنند و درکاریکه دارند، ذوق و علاقه و ایمان و دلسوزی خود را صادقانه دخالت دهند. وقتی زبانی آمادگی پذیرش و قبول هر اصطلاح و هر لغت زبان بیگانه‌ای را دارد و وقتی

چرخش و نرمش داشته باشد، روان، سیل، نواز شکر و کوبنده باشد و خلاصه سرشار از همه هیجان‌های زندگی باشد و اینکه چرا نویسندگان ما تا این اندازه درگذشته و حال موفق بوده‌اند، مسلماً بلحاظ انعطاف و بازتاب بی‌تعصبشان، بلحاظ عشق و ورزی آنان به زبان خود، پذیرش‌های استحاله پذیرشان در مقابل زبانهای دیگر و بخصوص غرق شدن در ماهیت زبان مادری خودشان بوده است.

متأسفانه کتاب نویسی و انتشار هر گونه نشریه و رنگین نامه‌ای در وضع فعلی، تابع هیچ سنت و قاعده‌ای نیست و تحرك معنوی و اخلاقی و اجتماعی کمتری را فرا راه دارد. ناشر و مؤلف از این سیاق و روال بدنبال سود جویی و جنبه انتفاعی است. در صورتیکه هر اثر ادبی گذشته از آنکه پاسدار زبان باید باشد، خود نمایشگر و روشنگر منطق انسانی و وسیله ارتباط بین عموم است و نشان دهنده دردها، غم‌ها، کمبودها، بی‌سامانیا و رکودها و بدیگر سخن وسیله شفا و مداوا و تجلی شادیا و شورها. نویسنده باید سعی کند نبض اجتماع را در دست بگیرد، تپش‌ها را شماره کند و حتی کوچکترین زمزمه‌ها را بصورت فریاد در برهوت زمان رها سازد. نه آنکه بانوشته‌ها و خزعبلاتش فاصله زمان را طولانی‌تر کند. نویسنده حافظ زبان است و پاسدار آن، چرا که تجلی و شکوه زبان در تجلی و



ساختمان یکی از مدارس یاد بود جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران در روستای معصوم آباد گرگان

زبانی در مقابل زبانهای دیگر استحاله پذیر است، حال چرا باید در مقام پذیرفتن دانش پژوهان ما بی اهمیت و بی احساس جلوه کند؟ از خصوصیات زبان ما همین ترمش و انعطاف است و اصولاً زبان باید

که مهر این فضیلت بر پیشانی‌ش نقش بندد و سند این رسالت بر گردنش آویخته شود. وقتی ادعا می‌کنیم که هیچ ملتی همچون ملت ایران زبان مادری خود را نمی‌فهمد و درک نمی‌کند، کاملاً مورد قبول است، زیرا زبان ما، در برابر زمان، جریان و حرکت متناسب داشته، بخود متکی بوده و همیشه درحوزه و طیف معنوی خود چرخیده است، در حالیکه همین زبان امروز در مدارس ما آنچنان جریان کند و در هم و آشفته‌ای دارد که تابع هیچ سنت و قاعده و ضابطه‌ای نیست. خواندن چند متن از قابوس نامه، کلیه و دمنه، گلستان، مرزبان نامه، و یا احیاناً حفظ چند قطعه و قصیده و غزل و مثنوی که دردی را دوا نمی‌کند، که مایه خلاقیت نمیشود. امروز که اینهمه سنگ ادبیات و زبان مادری بسینه زده میشود، مدارس و دانشکده‌های ما را تب



کلاس رضای آزاد، در روستای بیگانه‌ای و جرد

های شاد بنشینند. واقعیت رانشان دهد و ادبیات و زبان و واژه‌ها را در مبارزه اجتماعی وسیله و ابزار بدانند.

در گذشته اکثر شعرای ما بزبان عام سخن نمیگفتند. آنها نماینده ذات خود، درون خود، نیاز خود، واکنش خود و حتی سرکشی و عصیان و فریاد خود بودند، بجز عده معدودی که از قالب دستوری پافرا گذاشتند و درهاله‌ای از عرفان و تصوف، زمزمه‌های آرام درون را در خلق و ابداع سمبل‌های ذهنی بصورت فریاد جلوه دادند. باید صمیمانه حرف زد، باید بزبان همه سخن گفت. «سولژتسین» گفته‌ای دارد که بی‌مناسبت نیست ذکر کنم. او میگوید:

«ادبیاتی که بازتاب جامعه معاصر خود نباشد و جرات نکند دردها و افکار اجتماعی را بیان کند، حتی شایسته نام ادبیات نیست». شاعر و یا نویسنده باید رسالت خود را در کوجه‌ها و بازارها و دکه‌ها و میخانه‌ها و نبش آفتاب - گیر کوجه‌ها و خیابانها جستجو کند تا برگردان ادبیات جامعه هم عصر خود باشد. نویسنده باید دنبال خلاقیت باشد، خلاقیت از لحاظ محتوی، شکل، زمان، مکان و حتی ظرفیت‌های قالبی، زیرا که ادبیات هر ملت، زبان آن ملت است و جامعه ادب هر ملت باید راه گشایانی باشند در طریق سوق انسان بسوی جامعه، طبیعت و تاریخ. ■

شناسائی دیگری باقی نبود. در مدارس ما و در میان جامعه فرهنگی ماکتب درسی صورت درهم ریخته - ایرا بخودگرفته، یا بهتر، به آش شله‌قلمکاری میماند که برای دانش آموز فقط نقش دریافت نمره را بازی میکند. درمدارس ما مسئولیت ادبی و مسئولیت زبان فقط شده است قرائت دست و پاشکسته‌چند متن و غزل از نویسندگان و شعرا آنهم ناقص و گسیخته. با شرحی که گذشت، حال مسئولیت و حفظ زبان مادری در چنین موقعیتی به چه کسانی محول میشود و چه کسانی باید شارح ویا واضع و یا تجلی دهنده و تکمیل کننده زبان باشند؟ متاسفانه چند دهه‌ای است که خصومت و بر خوردی بین ادبیات ما در قالب کهنه و نو در گرفته و هرلحظه این تنافر و تضاد، دامنه و عمق پیدا می کند. ولی اگر تعصب کلاسیکی را بخواهیم در مورد زبان کنار بگذاریم و زبان را زمان سنجی کنیم باید قبول کنیم که ادبیات، افکار، عقاید، احساسات و نیت و امیدهای اجتماعی است با توجه به زمان موجود و هر چقدر این بیان و ابراز در جهت عمق و دریافت و اندیشه درواز قید و بند و وزن و قافیه - نه قالب - و خصوصاً دخالت زمان باشد، بدل بیشتر می‌نشینند، بیشتر گویا میشود و بیشتر روشنتر میشود. شاعر ویا نویسنده حتی باید بعمق اشیاء حلول کند و دردها را لمس کند. درباغ خاطرها به تماشای پرنده‌های غمگین و پرند -

شکوه ادبیات است و ادبیات یعنی روح زندگی، یعنی صراحت و تبلور و شفافیت هر ذوق هنری و در سایه این تلاش است که نیروهای عظیم فکری بوجود می‌آید و جوامع بشری در حل بسیاری از مشکلات و معضلات موفق و کامیاب میشوند.

حال اگر نویسنده‌ای در بکار بردن این سلاح ادبی مهارت و آگاهی نداشت، بروز هرگونه خطری قبل از هر چیز متوجه خود اوست، زیرا که این تولد، تولدی ناقص میشود و جنینی نارس در رحمی بیمار، زیرا که اگر جز این بود «القاء» ادبیات از زمانی بزمانی دیگر، از سینه‌ای بسینه دیگر و از نسلی به نسلی دیگر مفهوم و معنی نداشت. اگر سعدی هنوز هم سعدی است بجهت درک مفاهیم کلی زبان و زمان خود اوست باضافه دریافت زبانهای دیگر در حد نیاز.

سعدی که هنر سخنوری را با ابداع و اختصار مراعات کرده، از گسترش زبان، از نرمش زبان و از پذیرندگی لغات و خصوصاً از هنر جناس بهره گرفته است. فکر می‌کنم که اگر در برنامه‌های درسی ما نوعی تقسیم بندی بعمل آید و با توجه به ضروری بودن بصورت «الاهم و فالاهم» شاهکارهای ادب فارسی را در دوره‌های تحصیلی، در کلاس‌ها بطور کامل و دقیق مورد بررسی و نقد قرار میدادند، امروز مسلماً از سعدی و حافظ و مولانا در اذهان دانش آموزان ما جز اسم و جز ضبط چند غزل و بیت، شخصیت و



کلاس درس در شهرستان شمیران که وسیله دوشیزه سپاهی دانش اداره می‌شود

آیا می دانید که تغذیه چه نقشی در تأمین سلامت شما و ایجاد انرژی در بدنتان بازی می کند؟ آیا می دانید که غذا چگونه در خون جذب می شود و چطور به تمام سلولهای بدن می رسد؟ و بالاخره آیا می دانید چگونه بجای سلولهای از بین رفته بدن، بکمک غذا سلولهای جدید ساخته می شود؟ شاید بسیاری از خوانندگان کم-

می شوند از چهار گروه :
 ۱ - پروتئین - چربی - قند -
 ویتامینها ۳ - مواد معدنی ۴ - آب
 بدن بهر چهار دسته نیاز کامل دارد . یعنی تنها خوردن ویتامین و غذاهای ویتامین دار زندگی و سلامت را تأمین نمی کند . یا فقط نوشیدن آب برای ادامه حیات کافی نیست بلکه بدن به نسبت های معین بهر

حال که نقش عوامل مؤثر در سلامت شخص روشن شد و دانسته شد که تمام اینها به هم مربوط هستند و بر روی یکدیگر تأثیر متقابل دارند، باید در حفظ تعادل همه ای آنها کوشید و نقشه صحیحی برای استفاده متناسب از تمامشان طرح کرد . یعنی باید اولاً بدانید بدن شما به چه موادی احتیاج دارد . ثانیاً بدانند که چه مقدار از

نقش غذا در سلامت انسان

بیش در اینمورد اطلاعاتی داشته باشند) ما در اینجا قصد بحث عمیق بهداشتی نداریم ، بلکه تا آنجا که ممکن است به سادگی و روانی مطالب توجه می-کنیم تا مورد استفاده همگان قرار گیرد . قبلاً باید گفت پروتئین، چربی ها و مواد قندی ، عناصری هستند که تولید حرارت و انرژی می کنند. منبع اصلی پروتئین، گوشت ، پنیر ، تخم مرغ و شیر است . این مواد که در غذاهای نامبرده هستند برای ترمیم و ساختن سلولهای بدن لازم و ضروری اند .

مواد معدنی مثل کلسیم ، فسفر ، آهن و غیره سازنده ی استخوانها و حافظ استحکام آنها است و از این گذشته در تنظیم عمل سلولها نیز نقش بسزایی را عهده دار است .

ویتامین ها برای حفظ سلامت عمومی بدن و اعصاب و تنظیم کار غدد ضروریند . به تقسیم بندی بالا آب پاک و خالص را نیز اضافه می-کنیم ، زیرا آب ، نه تنها پایه و اساس تغذیه است بلکه خود از ضروریات زندگی است . بنابراین مواد غذایی مهم تشکیل

چهار دسته نیاز دارد ، چون بعضی از این گروه های چهارگانه وسایل جذب بعضی دیگر را فراهم می کنند . بزرگترین فایده تغذیه کمک به برقراری سلامت و ایجاد رشد درحال آینده است و دانشمندان علم تغذیه بارها این مسئله را در مورد حیوانات تجربه کرده اند . بدین معنی که اگر به حیوانی یکی از مواد چهارگانه مذکور را نرسانیم ، آن حیوان با وجود اینکه به اندازه ی کافی غذا خورده است ، مریض و نیروی فعالیت از او سلب می شود و این مسئله عیناً در مورد انسان نیز صادق است .

تا اینجا صحبت بر سر غذا بود ولی یک نکته دیگر را نیز در مورد تأمین سلامت باید یادآور شد و آن هوای سالم ، ورزش و آسایش خیال است . چون تغذیه و مسائلی که اینک نامبرده شدند در یکدیگر اثر متقابل دارند . بدین معنی که در اثر بدی تغذیه ، شخص عصبانی ، بدبین و ناراحت می شود . یابہ علت کمبود هوای سالم و یا داشتن ناراحتی های روزمره ، انسان احساس کمی اشتها می کند .

هر مواد لازم دارید و بالاخره بدانید که چگونه و چه وقت از آنها استفاده کنید . یعنی برای شب خویش چه غذایی باید داشته باشید ، برای صبحانه چه غذا و برای نهار چه غذایی و وقت ورزش ، استراحت و کارتان نیز معین و مشخص باشد .

باخواندن مطالب بالا ممکن است این توهم و تصور برای خوانندگان پیش آید که اجرای چنین دستورهایی بسیار مشکل است ، در حالیکه مطلقاً چنین نیست . زیرا شما که معمولاً از این چهار گروه سود می برید ، باید بدانید که ورزش و تنفس در هوای آزاد ، استراحت و کار نیز از ضروریات اولیه هر انسانی است . آنچه که می ماند تنظیم آنها و تقسیم وقت روزانه خود برای به کار بردن آنها است و این هم فقط باحداکثر یکماه ممارست جزء عادت می شود و هیچگونه ناراحتی و مشقتی هم به همراه ندارد .

در آینده بیشتر راجع به این موضوع صحبت خواهیم کرد .

ضد عفونی کردن بذر پنبه

از : مهندس رحیمی

بطوریکه پارها ملاحظه شده است تعداد زیادی از بذرهای پنبه شاپس از کاشت سبز نشده و از بین میروند و یا اینکه پس از جوانه زدن و سر از خاک در آوردن بواسطه حمله لاروشبپره زمستانی (اگروتیس) و یا بعلت حمله بعضی از بیماریها مانند ریزوکتونیا سولانسی مرده و خسارت زیادی ببار میآورند که برای چبران این بوتههای مرده اغلب ناچار میشوید مزارع خود راواکاری نمائید که خود مستلزم صرف وقت زیاد و هزینه اضافی میباشد .

طبق آزمایشهای چند ساله اخیر که توسط موسسه بررسی افات و بیماریهای گیاهی و موسسه اصلاح و تهیه نهال و بذر وزارت کشاورزی در مزارع آزمایشی شمال بعمل آمده معلوم شده است که در نواحی پنبه خیز شمال ایران (بخصوص گرگان و مازندران) بطور متوسط حدود ۱۵-۲۰ درصد بوتهها فقط در اثر حمله بیماری «ریز وکتونیا» از بین میروند که خوشبختانه راه جلوگیری و مبارزه با آن نیز با انجام آزمایشات متعدد روشن شده است .

بطور کلی عامل بیماری مرگ گیاهچه پنبه ، هم میتواند در خاک مزرعه باقی مانده و تولید بیماری نماید و هم میتواند همراه بذرهای پنبه موجب انتشار بیماری در مزارع سالم و یا تشدید آن در زمینهای آلوده گردد . بنابراین اگر دانههای پنبه را قبل از کاشت با یکی از سمومی که در زیر شرح داده خواهد شد ضد عفونی و آلوده به سم نموده و سپس اقدام به کاشت آنها نمایند اولاً عامل بیماری که در روی بذر پنبه است از بین می رود ، ثانیاً میزان سمی که بر روی بذر می چسبد قادر است در زیر خاک در اطراف بذر را محیط نامساعد و مسمومی برای جلوگیری از حمله قارچهای عامل بیماری خاک بوجود آورده و مانع آلودگی و مرگ و میر بوتههای جوان گردد. حال با اطلاع از چگونگی تاثیر عمل سم و منافع حاصله از آن، در زیر به شرح عمل ضد عفونی بذر بطریق خشک می پردازیم .

سمومیکه بمنظور فوق در مطالعات شمال مورد آزمایش قرار گرفته و تا بحال بهترین نتیجه را در مبارزه با بیماری مرگ گیاهچه پنبه (ریزو-کتونیا) داده اند عبارتند از :

آغشته شده و آماده برای کاشتمی باشد .

اگر در محل ، تهیه بشکه مخصوص ضد عفونی مقدور نمیباشد ، میتوان بجای آن از بشکه و یا قوطی های پلاستیک دار استفاده کرده و پس از ریختن بذر پنبه و سم لازم بداخل آن در را بسته و آنقدر آنرا روی زمین بغلطانیم تا کلیه بذرهای آلوده به سم گردند . یا بطور خیلی ساده تر بذر را تا میزان حدود ۵۰ کیلو در روی زمین صاف یا چاله مستطیل شکلی (با ابعاد ۱×۲ × ۲×۵ متر) در محل محفوظی از باد و باران پهن کرد . سموم مورد نیاز را قبلاً با ۵ تا ۱۰ برابر حجم خودش با خاک نرم جاده کاملاً مخلوط نمود (خاکستر و خاک آهکی و گچی مناسب نیستند) سپس مخلوط سم و خاک را روی بذر پاشیده آنقدر با پا زیر و رو می کنند تا کاملاً مخلوط گردند و بعد بلافاصله بذر بقیه در صفحه ۵۱

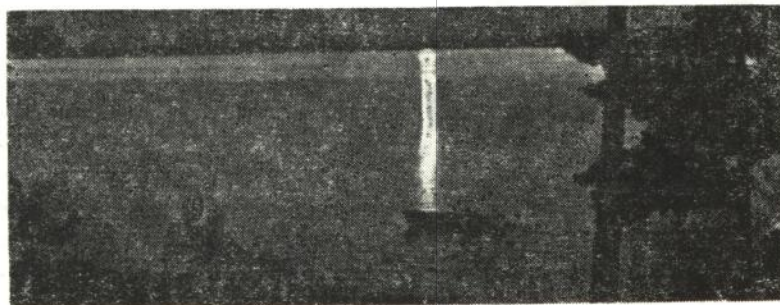
- ریزوکتول کمی
- گرانوزان
- وریزان
- سرزان (خشک)

که بمقدار ۶۰۰ گرم از یکی از سموم فوق برای ضد عفونی ۱۰۰ کیلوگرم تخم پنبه مصرف میشود و طرز عمل بدینقرار است که مانند عمل ضد عفونی بذر گندم علیه سیاهک آشکار ، بذر پنبه را در داخل بشکه مخصوص ضد عفونی میریزیم تا $\frac{2}{3}$ ارتفاع آنرا تخم پنبه پر نماید و سپس مقدار لازم سم را برای مقدار تخم پنبه فوق حساب کرده و داخل بشکه ریخته و در آنرا می بندیم و با استفاده از دسته ای که دارد ، به مدت ۵ دقیقه آنرا دور محور خود میچرخانیم (دو طرف بشکه باید میله دار بوده و روی دو پایه قرار داشته باشد تا بتواند بدور محور خود بچرخد) بدینطریق کلیه تخم های پنبه داخل بشکه به سم



در فرماند ری
لی ایلام ،
سپاهی دانش
طرز سمپاشی
مزارع را
به روستاؤان
یاد میدهند

شعروادب



تک بیت‌های ناب از :

شعرای امروز

چون آه من براه‌کدورت مرو که اشک
بیک شفاعتی است که از پی دوانمت

شهریار

زمانه عرصه جولان مرد باید و نیست
طیب هست، دوا هست، درد باید و نیست

مشفق کاشانی

ز خون رنگین بود چون برگ گل و اوراق این دفتر
مصیبت نامه دلهاست دیوانی که من دارم

رهمی معیری

چو شمع کشته از آن دودخیز داز سرمن
که سر گذشت مرا گریه نا تمام گذاشت

امیری فیروزکوهی

بیاد تیره روزیهای خود با اشک دمسازم
به پیش روی زنگی میکنم آئینه گردانی

آذر تبریزی

ز نکهت تونه راحت بود مرانه قراری
تو از کدام چمن هستی، از کدام بهاری

شکیبا

ز راه مانده نه پوینده و نه جوینده
هنوز بر سر تردید مانده چون اگریم

گلبن

اگر روزی بیای تیغ بنشیننی مباد ایدل
که گیری آستینی را، که بوسی آستانی را

هاتف تبریزی

شعرای دیروز

هر گل که پریشان شود از ناله بلبل
در دامنش آویز که با وی خبری هست
عرفی شیرازی

وضع زمانه قابل دیدن دو باره نیست
روپس نکرد هر که از این خاکدان گذشت
کلمیم کاشانی

بر روی غافلان جهان خنده سپهر
از رود نیل کوچه بفرعون دادنست
صائب تبریزی

چون زخم تازه دوخته از خون لبالبم
ایوای اگر به شکوه شود آشنا لبم
طالب آملی

چنان با نیک‌وبد سرکن که بعد از مردنت عرفی
مسلمانان بزمزم شوید و هندو بسوزاند
عرفی شیرازی

صدای زر شمردن کرده کر گوش ترا منعم
چنین گرنیست بسم‌الله فریادگدا بشنو
واعظ قزوینی

صائب ز شیردایه بی مهر فارغست
طفلی که با مکیدن انگشت خو گرفت
صائب تبریزی

توهم درآینه حیران حسن خویشتنی
زمینه‌ایست که هر کس بخود گرفتار است
اصفی هروی

شراب دوش

لب از گفتار بر بندم سراپا گوش بنشینم
چرا سوسن صفت با ده زبان خاموش بنشینم
در آن محفل که آید بانگ نوشا نوش بنشینم
اگر بینی که بی می سرخوش و مدهوش بنشینم
ز بس بارم گرانی میکند بر دوش بنشینم
بروی دردهای خویش چون سروش بنشینم
صبح آرزو مست از شراب دوش بنشینم

مرا گفتند یاران زین سپس خاموش بنشینم
درین گلشن که بلبل صد نوا بایک زبان دارد
دل من با بریشان جمع خاموشان نمی جوشد
بیاد گردش چشمت برفت از کف قرار دل
مکن عییم که تا بم نیست در زانو که بر خیزم
بدین فرزانی دیوانه ام خوانند اگر زین پس
شی با یاد چشم مست او متانه بر خیزم

مرا زین مایه گوهر تاهنر کرده است ارزانی
زرد گر چون صدف «مشفق» سراپا گوش بنشینم

رباعی

با من سخن از تومردوزن میگفتند
وز عهد شکستنت سخن میگفتند
باور ز توام نبود این قصه، دریغ
دیدم تو همانی که بمن میگفتند
مهرداد - اوستا

قطعه

بود جهان لب پر خنده ای اگر مردم
کنند دست یکی در گره گشایی هم
فغان که نیست بجز عیب یکدیگر جستن
نصیب مردم عالم ز آشنایی هم
صائب تبریزی

لطیفه ها

چیحون یزدی روزی از بازار کرمان می گذشت، چشمش به زنی
به غایت زیبا افتاد که نعلین سرخی به پا داشت. ارتجالا گفت:
سرخی کشت ای ماه از خون عاشقان است

اما چه می توان کرد پای تو در میان است.
«مجله یغما»

روزی سقراط حکیم با یکی از اعیان زادگان روبرو
گشت. اعیان زاده نام پدران خود را بر سقراط شمرد و به آنان
افتخار کرد و سقراط را تحقیر نمود و به او گفت تو از خاندان
پست و بی قدری هستی و همه میدانند که مادر تو «مانا»
بوده است.

سقراط گفت ای فلان، پدران تو همه اشخاص بزرگ
و عالیقدر و صاحب مقامات و درجات بسیار بوده اند ولی تو
خود نتوانستی پایه و مقامی برای خود احراز کنی و اما من،
نسب من از خودم شروع می شود و من در راس خانواده ای
هستم که از من آغاز شده است ولی خانواده ای تو به تو ختم
می شود. پس تو ننگ خاندان خویش هستی و من شرف و افتخار
خاندان خود می باشم.

«جنگ احمدی»

روزی در انجمن ادبا مسابقه ای برای تعریف استقامت
ترتیب داده شده بود. از میان شاعران حاضر بلافاصله محملم
تقی بهار «ملك الشعراء» این دو بیتی را ساخت:

پایداری و استقامت میخ سزد از عبرت بشر گردد
بر سرش هر چه بیشتر کوبند پا فشاریش، بیشتر گردد
چندی بعد شاهزاده افسر در جواب بهار چنین گفت:
بس شگفت است از بهار مرا

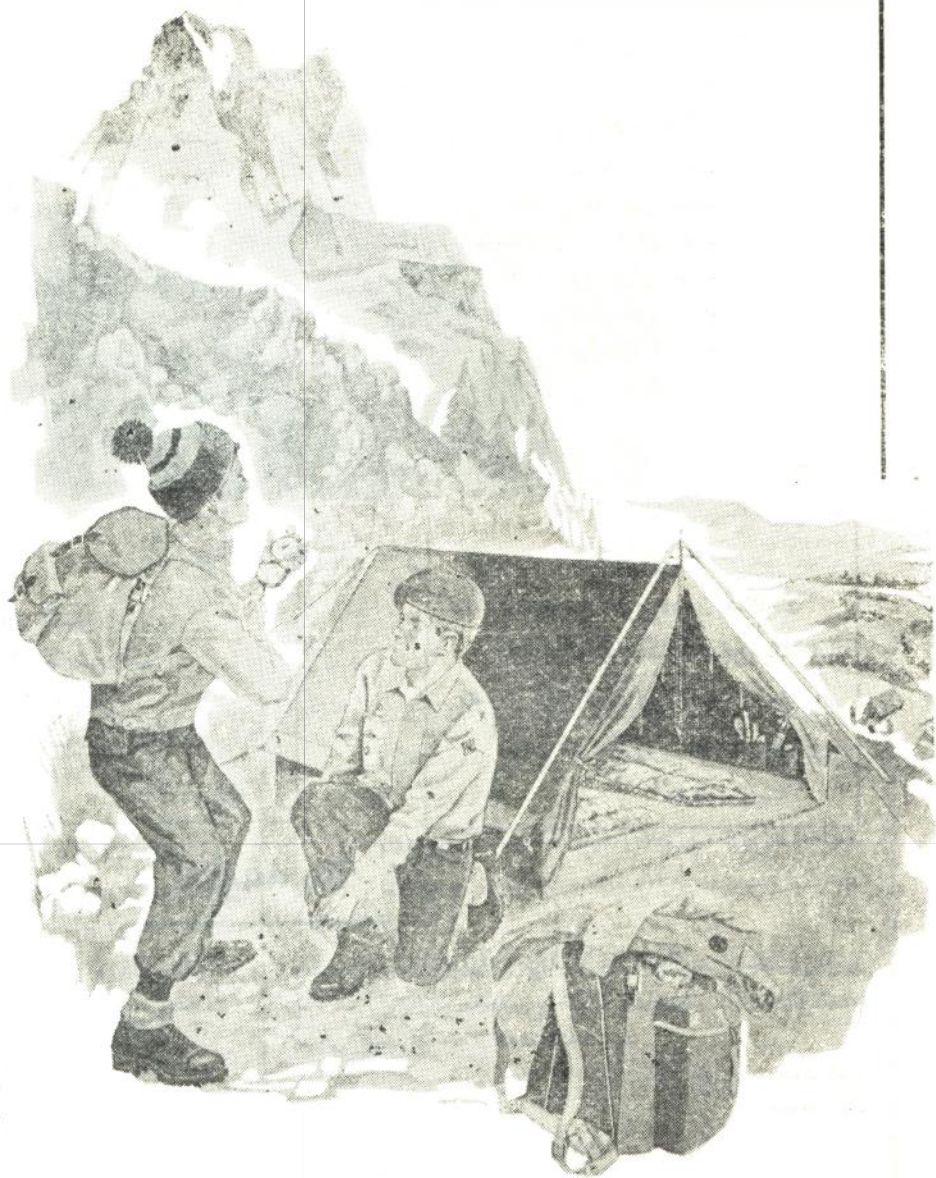
که ستوده است پا فشاری میخ
چون زدندش به سر، فرو بنشست
پس کجا بود استواری میخ
پست گردد، ستم پذیر شود

ناستوده است پایداری میخ

امیر نظام الدین احمد سیهلی که از اعظم ترکان و از شعرای قرن
نهم هجری بود، روزی در مجلسی این شعر را برای حاضران خواند:
ش غم، دیو باد آهم از جا کند گردون را
فرو برد ازدهای سیل اشکم ربیع مسکون را
یکی از حضار گفت: جناب امیر، شعر می خوانی یا آدم را می-
ترسانی؟!!

«بابرنامه»

هر چیز ز کار کردن افسرده شود
گر آهن و پولاد بود صودده شود
جز پیکر آدمی که از ورزش و کار
بر زور و توانایش افزوده شود



اثر ورزش و حرکت

در بدن

بدن آدمی از مقداری گوشت ، استخوان ، عصب ، رگ و خون ساخته شده است . البته مقصود عناصر اصلی و مهم بدن انسان است و گر نه مواد و عناصر گوناگون دیگری نیز در ترکیب پیکر آدمی به کار رفته است .

وظیفه استخوان ها و اسکلت عبارت از سرپا نگهداشتن بدن و کمک به حرکت آن است . اینکه گفته شد « کمک به حرکت بدن » ، برای این است که استخوان به تنهایی نمی تواند ایجاد حرکت کند بنابراین به گوشت توجه می کنیم . لغت « گوشت » اصطلاح عامیانه « عضله » است . عضلات عبارتند از تعدادی ماهیچه که با جمع و باز شدنشان ، استخوان ها و بالتیجه بدن را به حرکت وامی دارند ولی خود این عضلات نیز به تنهایی قادر به حرکت نیستند بلکه آنها را عصب یا « پی » متحرک می کند .

در بدن انسان دو نوع عصب

از : ن . اف . پیروز

مجددا این احتیاج بیشتر احساس می شود و بالطبع همان عمل ارسال ماده غذایی و اکسیژن تکرار می گردد و البته برای تامین اکسیژن مصرف شده ، ریه ها هم به فعالیت می افتند. بهمین دلیل است که وقتی کار سنگین بدنی انجام می دهیم ، هم تنفس سریع تر می شود و هم تپش قلب . (بحث در این باره را که تنفس سریع و تپش بیشتر قلب چه فوایدی دارند ، به بعد موکول می کنیم زیرا فعلا منظور ما چیز دیگری است) .

بقیه در صفحه ۵۰



مکانیسم ایجاد حرکت تا آنجا که ممکن بود مختصر آبیان شد ، حال به نتیجه ی حاصل از حرکت ورزش در ماهیچه های برداریم . هر ماهیچه از تعداد بسی شماری یاخته ساخته شده است که این یاخته ها دارای پوسته ، هسته و پروتوپلاسم هستند و در حقیقت عنصر اصلی ماهیچه را تشکیل می دهند .

هنگامی که وزنه ای را در دست می گیریم و می خواهیم آنرا بلند کنیم ، فرماندهی بدن (مغز) به عصب حرکتی عضله ی مسئول ، فرمان انقباض می دهد و عضله شروع به جمع شدن کرده و استخوانی که سر ماهیچه به آن چسبیده است به حرکت در می آید . اگر سنگینی وزنه بیشتر از نیروی عضله باشد ، بدن از تکان دادن آن عاجز می شود . اما اگر نیروی ماهیچه بیشتر بود ، اهرم استخوانی حرکت می کند و وزنه را تکان می دهد .

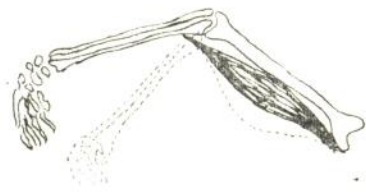
در این حرکت مقداری انرژی از یاخته های عضله مصرف می شود و مقداری هم اکسیژن - بیشتر از میزان مورد لزوم یاخته در حال عادی - به کار می رود. بالطبع یاخته ، احتیاج به اکسیژن و غذای بیشتری پیدا می کند . در اینجاست که قلب ، با تپش بیشتر ، کار ارسال غذا و اکسیژن را بوسیله ی خون و گلبول های قرمز شناور در آن شروع می کند و ماده غذایی و سوختی را به یاخته ها می رساند . حال اگر این حرکت - یعنی بلند کردن وزنه - تکرار شود ،

وجود دارد که با حرکت ماریچی حرکتی . ولی چون صحبت ما در باره ی حرکت ورزش است ، دیگر وارد جزئیات اعمال اعصاب (چه حسی و چه حرکتی) نمی شویم . تنها می گوئیم که در مرکز هر ماهیچه یک رشته ی عصبی به نام «زردپی» وجود دارد که با حرکت ماریچی خود سبب انقباض و انبساط عضله می شود . باین ترتیب عنصر مهم یعنی استخوان ، ماهیچه و عصب حرکتی باید پایکدیگر همکاری کنند تا پیکر آدمی به حرکت در آید .

ضمنا بد نیست بدانیم که عضلات گوناگونی در بدن وجود دارد که آنها را از نظر شکل ظاهری در دو طبقه ی مهم : عضلات گرد و عضلات پهن ، گروه بندی می کنیم . مثلا عضلات ، گردن ، بازو ، ساق و ران جزء گروه عضلات گرد و ماهیچه های پشت ، شکم ، سینه و اطراف باسن در رده ی ماهیچه های پهن به شمار می روند .

بهر صورت ، دانستیم که جمع و باز شدن این عضلات بوسیله عصب حرکتی انجام می گیرد . بعضی از عضلات گرد دارای دو سر هستند مثل عضله ی جلوی بازو Biceps و برخی دیگر دارای چند سر ، مثل عضله ی پشت بازو که دارای سه سر Triceps است و یا عضله ی سینه و پشت که دارای چندین سر می باشند .

انتهای هر ماهیچه (سر عضله) به استخوان چسبیده است . بطوریکه ماهیچه و استخوان جمعا تشکیل اهرمی را می دهند که سبب حرکت و انتقال وزن می شوند ، یعنی مطابق شکل پائینی ، با جمع و باز شدن ماهیچه ، اهرم استخوانی حرکت کرده و وزنه را (خواه این وزنه خود بدن باشد یا وزنه ای دیگر) حرکت می دهند .



تدریس لوحه‌ها



تهیه و تنظیم از : فریدون پارس پور

دنباله مطالب شماره‌های پیش

هدف از تدریس لوحه ششم

دوچرخه می‌نویسد - سارا عروسک دارد - توران عروسک ندارد - سارا عروسک می‌دهد - توران عروسک می‌گیرد - سارا بکلاس می‌آید - توران از کلاس می‌رود - دارا با پا توپ می‌زند - توران با دست چپ توپ را می‌زند - سارا و دارا بخانه می‌روند - ماما برای سارا عروسک می‌خرد - ماما برای دارا ماشین می‌خرد.
۷ - بکار انداختن دست برای نوشتن (رسم خطوط زیر لوحه بنویشتن علامتهای : ب پ ت ث ف کمک میکند).

۱ - هدایت چشم از راست به چپ ۲ - عادت دادن شاگردان به شنیدن، دیدن، فکر کردن و گفتن ۳ - شناختن و فهمیدن هر یک از صحنه‌ها ۴ - بیان مفهوم هر یک از تصاویر و دنبال کردن موضوع داستان ۵ - تشویق شاگردان بحرف زدن و رفع اشکالات تلفظی آنها ۶ - بیان جمله‌های کوتاه و ساده زیر از روی تصاویر :
(دارا و سارا بازی میکنند - معلم زنگ می‌زند - شاگردان صف می‌بندند - دارا شکل دوچرخه می‌کشد - اکبر

طرز تدریس

لوحه را در دیدرس شاگردان نصب کنید و تصویر سمت راست ردیف اول را با شاگردان نشان دهید و از آنان بخواهید با دقت نگاه کنند و هر چه فهمیدند بازگو کنند و بهمین ترتیب تصاویر بعدی را نیز عمل کنید. بعد جمله‌های مورد نظر که در قسمت هدف این لوحه با آنها اشاره شد بترتیب با اشاره و بترتیب از زبان شما جمله‌ها گرفته و بازگو کنند. این کار باید چندین بار تکرار شود تا جمله‌های مورد نظر را بچه‌ها یاد بگیرند.

برای بکار انداختن دست بچه‌ها بمنظور نوشتن، بهتر است آموزگار مربوطه شکل علائم زیر لوحه را روی خط زمینه تخته سیاه بنویسد و حرکت دست را از آنجا که شروع میشود و آنجا که خاتمه می‌یابد بدانش آموزان نشان دهد. آموزگار باید بچه‌ها را یکی یکی پای تخته سیاه بیاورد تا آنها چندتا از علائم مذکور را بنویسند و بالاخره باید از بچه‌ها بخواهد که از همین علائم در روی خط دفترشان نیز بنویسند و در این موقع خود آموزگار ناظر نوشتن بچه‌ها خواهد بود تا چنانچه اشکالی در کار باشد راهنمایی کند.

هدیه از تدریس لوحه هفتم:

۱ - هدایت چشم از راست به چپ ۲ - عادت شاگردان به شنیدن، دیدن، فکر کردن و گفتن ۳ - تلفظ صحیح کلمات و معنی کلمات فارسی ۴ - صوت آموزی (پیدا کردن کلمه‌ای که صدای آخرش با سه تا دیگر جور نیست) ۵ - آشنا کردن گوش شاگردان با صداهای س - ش - خ - ر - ۶ - بکار انداختن دست شاگردان برای نوشتن. (رسم خطوط زیر لوحه به نوشتن علائم د ز ژ س و) کمک میکند.

روش تدریس:

مقدمه: دانش آموز کلاس اول که هنوز سواد ندارد هر کلمه را فقط يك صدا می‌شنود، مثلا اگر از او پرسید کلمه داس چند صدا است؟ می‌گوید يك صدا، در صورتیکه کلمه داس از سه صدای (د، ا، س) تشکیل شده است.

صدا شناسی مهمترین مرحله آموزش خواندن و نوشتن زبان فارسی است. زیرا خواندن و نوشتن به وسیله الفبا انجام می‌گیرد و الفبا نشانه‌های قرار دادی صداها هستند صداهایی که در زبان فارسی بکار میرود ۲۸ تا است که عبارتند از:

ا ا آ او ای ب پ ت ج چ خ د ر ز ژ س ش ف

ق ک گ ل م ن و ه ی

این صداها دو گونه‌اند:

الف - يك دسته را می‌توان کشیده و ممتد ادا کرد و آنها عبارتند از:

ا ا آ او ای خ ر ز ژ س ش ف ل م ن و ه ی

به این دسته، صداهای امتداد پذیر می‌گوئیم.

ب - دسته دیگر، صداهائی هستند که امتداد دادن آنها ممکن نیست و چنانچه بخواهیم یکی از آنها را ممتد ادا کنیم تبدیل به دو صدا میگردد و آنها عبارتند از:

ب پ ت ج چ د ق ک گ

به این دسته از صداها، صداهای امتداد ناپذیر می‌گوئیم. شناساندن صداهای دسته اول به مراتب آسانتر است و بهمین دلیل در ابتدای صوت آموزی از کلمه‌های استفاده شده است که آخر هر يك از آنها یکی از صداهای دسته اول باشد. برای اینکه شاگرد، هر يك از این صداها را بطور طبیعی بشناسد باید صدای مورد نظر در آخر چندین کلمه بطور کشیده و ممتد ادا شود. تنها برای شناساندن سه صدای ا آ او بهتر -

است از کلمه‌های استفاده شود که این صداها در اول آنها آمده باشد.

نحوه تدریس خود لوحه:

با طرح سؤالی مناسب، کلمه‌های مربوط به هر تصویر را از شاگردان بشنوید. با استفاده از تصاویر ردیف اول، کلمه‌های داس - خروس - لباس - انار را به ترتیب طوری ادا کنید که صدای آخر هر کلمه کشیده و ممتد شنیده شود. سپس از شاگردان پرسید صدای آخر کداميك از این چهار کلمه، با صدای آخر سه کلمه دیگر تفاوت دارد؟ وقتی که اطمینان حاصل گردید که همه شاگردان تفاوت صدای آخر انار را با سه کلمه دیگر دریافته‌اند، به شاگردان بگوئید پس صدای آخر سه کلمه داس - خروس - لباس یکی است، حالا من صدای آخر آنها را کشیده می‌گویم، توجه کنید که در آخر هر سه کلمه چه صدائی می‌شنوید؟ و به این منظور هر کلمه را چند بار به ترتیب، طوری ادا کنید که صدای آخر هر کلمه بیش از معمول کشیده شود. بعد از شاگردان پرسید چه صدائی را در آخر هر سه کلمه شنیدید؟ خواهند گفت «س» یعنی در واقع صدای طبیعی «س» را کشیده و ممتد ادا خواهند کرد.

بهمین ترتیب با استفاده از تصاویر ردیف دوم، شاگردان تفاوت صدای آخر کلمه مار را با صدای آخر کلمه‌های گوش - آتش - موش خواهند شناخت و سپس با کشیده و ممتد ادا کردن صدای «ش» در آخر کلمه‌های گوش - آتش - موش، شاگردان صدای «ش» را خواهند شناخت.

در ردیف سوم تفاوت صدای آخر کلمه «بار» را با صدای آخر کلمه‌های میخ - نخ - چرخ به شاگردان بیاموزید تا صدای طبیعی «خ» را بشناسند.

هنگامیکه اطمینان حاصل کردید که شاگردان صداهای س ش خ را در هر سه ردیف کاملا شناخته‌اند، به ترتیب با اشاره به تصاویر انار - مار - بار با تکرار و ممتد و کشیده گفتن صدای آخر این کلمه‌ها، صدای «ر» را هم به شاگردان یاد بدهید.

از علائم زیر لوحه چند تا را بطور آهسته در خط - زمینه تخته سیاه بنویسید تا شاگردان به بینند و یاد بگیرند و بعد از خود شاگردان يك يك دعوت کنید که بیایند و روی تخته سیاه بنویسند و سپس همگی در دفتر خود بنویسند تا علائم مورد نظر را یاد بگیرند.

گوشه‌ای از تاریخ

و داستانی

از...

در يك روز بهاری هنگامی که هفت گله از گوسفندان مردم لائین و خاکستر در تپه های نزدیک مرز ایران و ترکستان کنار رودخانه گرد آمده و زنان به دوشیدن آنان پرداخته بودند ناگهان ۲۵۰ تن از سواران ترکمن آنان را محاصره کردند و زنان را دستگیر و با گوسفندان به سوی دشت ترکستان راندند. در میان راه گله ها را به شش تن از سواران خود سپرده به عشق آباد فرستادند و خود برای دستبرد دیگری از راه سنگدیوار پیش آمدند .

محمود مرگان نامی که یکی از بهترین شکارچیان کرد و تیراندازی ماهر بود با چند تن از مرگانها (شکارچیان) در تپه ها میگشت. چون از دستبرد ترکمنها آگاه شد با فریاد همه یاران خود را گرد آورد و در میان راه نیز به هر کسی بر میخورد او را با خود برداشته بسوی دشمن میرفتند. در این میان آقا گلی بیک فرزند میرزابیک نیز که به سرکشی گله ها آمده بود با پنج تن از همراهانش در رسیدو به- آنان پیوست .

پس از اینکه شماره هم- راهان محمود مرگان و آقا گلی بیک به ۲۲ تن رسید بدون هیچگونه پروایی به- دشمن که از تنگه سنگدیوار در حال پیشروی بسوی لائین و خاکستر بود حمله کردند، ولی پس از یک سلسله تیر- اندازی نتوانستند نتیجه بگیرند زیرا شماره سپاهیان دشمن چندین برابر آنان بود.

آقا گلی بیک چون می- دانست به این زودی از لائین نمیتوان امید کمکی داشت، چاره دیگری اندیشید و تصمیم گرفت تا گله ها از دست نرفته، کسی را به- درگز فرستاده از بخشدار آنجا کمکی بخواهد .

همه این رای را پسندیدند و قرار شد آقا گلی بیک که اسب بسیار خوبی از نژاد چناران داشت ، این ماموریت را انجام دهد. پس آقا گلی بیک سوار شده و فریاد زنان خود را به قلب سواران ترکمن زد و در یک چشم بر- همزدن مانند بلا، به دررفت. سواران ترکمن از رشادت او سخت در شگفت ماندند

و چون هرگز تصور نمی- کردند در میان کردها کسی به این رشادت پیدا شود، چند تنی را برای تعقیب و دستگیری او فرستادند. ولی اسب سواری آقا گلی بیک چنان میتاخت که گویی پرواز می کند. ترکمن ها تاسه فرسنگی او را دنبال کردند و چون نتوانستند به گرداو برسند نا امید باز گشتند و بدینگونه آقا گلی بیک توانست خود را به درگز برساند .

شب در رسیده بود و ترکمنها راه تنگه را بند آورده بودند. محمود با یارانش همچنان تفنگ بدست در تپه های کنار جاده به کمین نشسته بودند . و بدینگونه

بواسطه تاریکی شب نه ترکمنها جرات حمله داشتند و نه محمود مرگان میتوانست گامی از جای خود پیش تر آید .

از آنسو، آقا گلی بیک یکسره به درگز رفت و از اللهیار خان بخشدار آنجا کمک خواست . اللهیار خان نیز رجب بهادر نامی از افسران خوب را با ۲۰۰ سواره همراه او کرد و این دسته از راه دشت شبانه بسوی سنگدیوار تاختند .

روز دیگر هنگام سپیده دم آقا گلی بیک و سوارانش گرد و غباری را در میان دشت دیدند. چون نزدیک رفتند دیدند گوسفندان خودشان است که به همراهی زنهای کرد بسوی عشق آباد میگردند. سواران رجب بهادر شش تن ترکمنهایی را که همراه گله بودند دستگیر کرده و سرهایشان را بریده اسلحه آنها را بزنانسی که اسیر شده بودند دادند و آنان را سوار بر اسبانشان کرده با گوسفندان و پنج تن از سواران از راه کرناوه بسوی لائین فرستادند و خود پیش آمدند. در این هنگام کاربرد محمود مرگان و همراهانش چنان

از کتاب : نادر پسر شمشیر

نوشته : نوراله لارودی



سخت شده بوده که نزدیک بود همگی به دست دشمن گرفتار و کشته شوند. سر انجام ترکمنها محمودمرگان و یارانش را از هر سو محاصره کرده و با يك يورش سخت محمود مرگان را با ۱۲ تن از یارانش بکشتند و دیگران پایه گریز نهادند. هواین میان آقاگلی بيك در رسید و از پایداری و ایستادگی محمودمرگان که با همه سواران ترکمن توانسته بود یکروزونیم دشمن را معطل کند، سخت در شگفت ماند و فرمان حمله داد. مرگانهایی که در حال گریز بودند از آمدن آقاگلی بيك آگاه شدند و چون در آن میان ۲۰۰ سوار و ۴۰ پیاده نیز از لاین به کمک آمده بودند با آنان بسوی سنگدیار پیش آمدند.

ترکمنها ازدوسو در فشار و تنگنا افتادند. از پشت سر سواران رجب بهادرواز روبرو لاینها آنان را در میان گرفتند. پس از جنگ و ستیز خونین، کار به جنگ تن به تن کشید و رجب بهادر به سپاهیان خود دستور داد شمشیر کش بر دشمن حمله ور شدند و برای اینکه با همین حمله کار دشمن را يك سره کند به سواران گردنیز با فریاد فرمان یورش داد. در پایان این نبرد از دشمن ۱۷۰ تن کشته، ۲۱ تن زخمی برجای ماند و چندتنی نیز توانستند بسوی دشت گریخته جان به در برند.

از سواران رجب بهادر ۶۵ نفر کشته، ۱۸ تن زخمی و از کردها ۳۴ تن کشته و ۱۶ تن زخمی در میدان جنگ ماند. ■

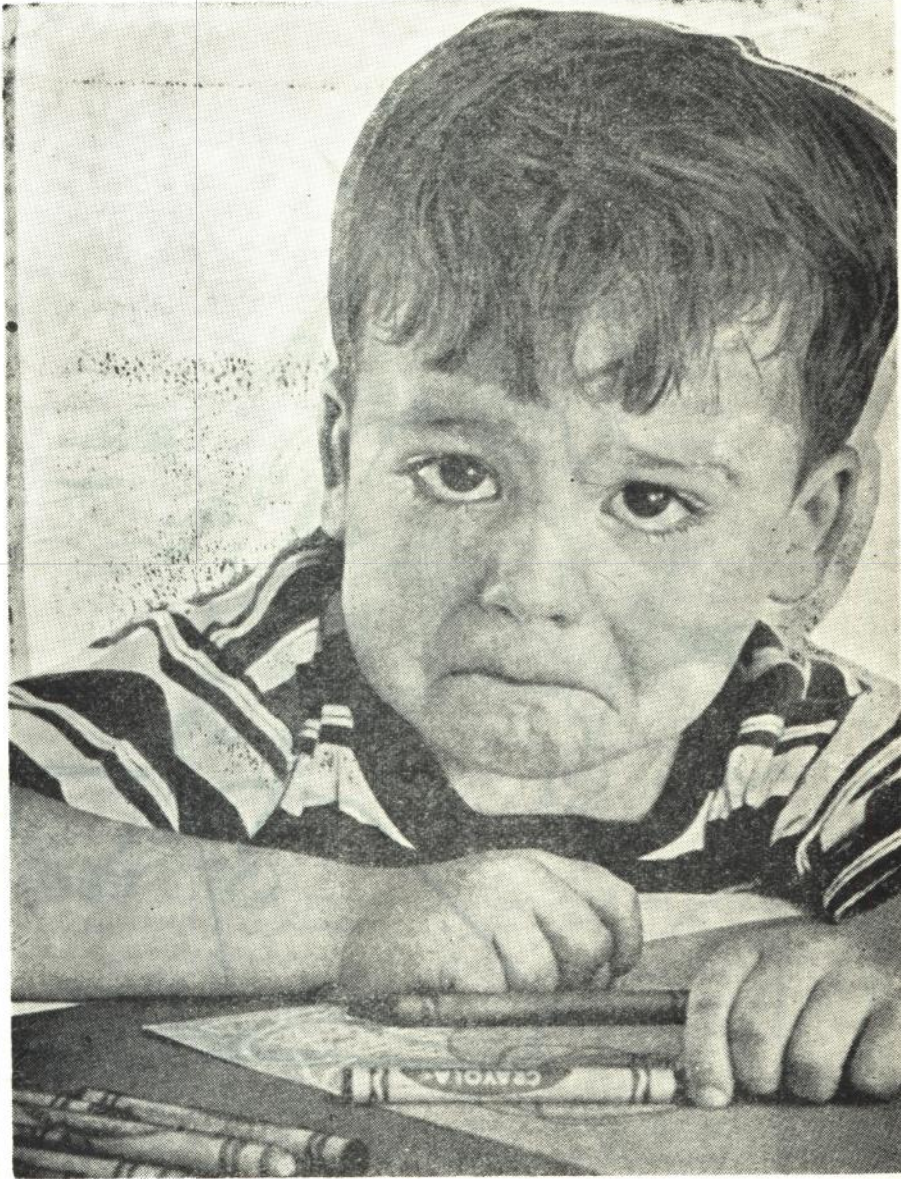
... دلاوریهای ایرانیان

مشکلی به نام:

کودکان

فراری

از درس



از : ناصر انقطاع

شاید نظیر مشکل این خانم که، برای
معالجه تنبلی و عقب افتادگی فرزندش
به روان پزشک مراجعه کرده است، در
بیشتر خانواده های ایرانی وجود داشته
باشد و مسئله ی عدم توجه بچه ها به
درس، فکر اغلب پدران و مادران

شود دست به قلم ببرد ، پس از چند
دقیقه سرش روی کتاب خم میشود
و قلم در دست ، خوابش می برد .
شما را بخدا از نظر روانی او را
معالجه و علت ناراحتیش را پیدا
کنید .

آقای دکتر، این بچه خواب
و خوراک را بر ما حرام کرده. تمام
نمره هایش از «ده» پائین تر است
و شبها حتی با تهدید و کتک نیز
درس نمی خواند و هرگاه در آنسر
تنبیه بدنی و داد و فریاد پدرش مجبور

را به خود مشغول کرده باشد .
 مسلم است که هر پدیده‌ی اجتماعی -
 خواه عینی و خواه ذهنی - تابع
 علت و انگیزه‌ای است. به عبارت
 دیگر، هر پدیده‌ی اجتماعی معلول
 علتی است که برای شکافتن موضوع
 و تحقیق در باره آن باید دنبال علت
 رفت. قبل از ورود به بحث، توضیح
 این نکته لازم است که آنچه مورد
 تحقیق ماست، کودکان سالم و
 تندرست هستند، نه کودکان ناقص -
 العضو و یا اطفالی که از نظر فکری
 عقب افتاده هستند، زیرا دیده شده
 است که اکثر کودکانی که از درس
 فراری هستند، بچه‌هایی هستند که
 در بازی و نشاط و هیجان آنان فوق -
 العاده است .
 بهر صورت، علمای روانشناس و

کانون‌های خانوادگی مشاهده شده
 است که اطفال ممتاز آموزشگاهها
 از میان خانواده‌هایی برخاسته‌اند
 که توانایی مالی چندانی نداشته‌اند.
 علت دیگری که عنوان می‌شود ،
 عامل فصل و آب و هواست .
 طرفداران این نظریه می‌گویند که
 تغییر آب و هوا سبب بی‌علاقگی
 اطفال و نوجوانان به درس و مطالعه
 و مدرسه می‌شود و مشاهده شده است
 که به محض تغییر هوا و شروع فصل
 بهار، دیگر کودکان و دانش‌آموزان
 توجهی به کتاب و مدرسه ندارند و
 باصطلاح به «تب بهاری»
 Spring fever
 مبتلا می‌شوند . و اتفاقاً
 درست‌درهمین فصل (بهار) امتحانات
 آنان نیز شروع می‌شود و همین مسئله
 نیز مزید بر علت و سبب وحشت آنان

و ذوق آنها آغاز نشده است. ما در
 اینجا در باره‌ی کودکانی گفت‌وگو
 داریم که حتی از خواندن و نوشتن
 ساده‌ی زبان مادری خود نیز گریزان
 هستند.
 چهارمین گروه از محققان، متار که
 بین پدر و مادر یا فوت یکی از آن دو
 وجود ناپدیری یا نامادری را عامل
 اصلی گریز اطفال از تحصیل می‌دانند
 و معتقدند که خاطره پدر یا مادر
 گمشده و مشاهده‌ی جای خالی او
 سبب اشتغال دایمی فکر کودک بوده
 و بالطبع عامل اصلی عقب افتادگی
 او در کسب دانش است. با وجود
 اینکه این نظریه طرفداران زیادی
 دارد و اتفاقاً با مطالعه و مشاهده
 مصداق‌های فراوان در اجتماع،
 تقریباً این اصل مسلم شده است ،
 اما اگر نظری به زندگی نوایغ و

● علت فرار کودک کان از درس چیست :

- کمبود ویتامین و انرژی

- ضعف بنیه مالی

- تأثیر آب و هوا

- جدائی از پدر یا مادر

- بی‌اعتنائی و یا سخت‌گیری والدین ... ؟

● شخصیت کودک در خانواده قوام می‌یابد.

جامعه‌شناسان با تجربه موارد متعددی
 را برای توجیه علل این مشکل
 اجتماعی بیان داشته‌اند و راه‌حل‌هایی
 ارائه می‌دهند.
 عده‌ای از دانشمندان معتقدند نخستین
 انگیزه‌ای که سبب احتراز کودکان
 از کتابت و مطالعه می‌شود، فقر و
 تهیدستی است که زاینده‌ی علل مختلف
 از قبیل کمبود مواد ویتامینی و
 انرژی‌زا ، کمک اطفال به پدران و
 مادران در گردانیدن چرخ هزینه
 زندگی ، کافی نبودن وسائل گرم
 کردن اطفال در زمستان، عدم
 توانایی پدران و مادران در برآوردن
 احتیاجات پوشاکی کودکان و
 احساس حقارت طفل است که سبب
 گریز کودک از درس و تحصیل
 می‌شود.
 با توجه به اینکه علت‌های ذکر
 شده مطلقاً مردود نیستند اما با
 مطالعه بر روی تعداد زیادی از اینگونه

از دانش و تحصیل می‌شود. پاسخ
 این عده نیز این است : صحیح است
 که روحیه انسان و علاقه او به
 فعالیت‌های فکری و جسمی در
 فصل‌ها و آب و هوای مختلف نوسان
 دارد، لیکن آن دسته از کودکانی که
 از درس‌گریزان هستند، این حالت
 در آنان در فصول پاییز و زمستان
 و بهار پدید می‌آید، به عکس آن
 گروه اطفال درس خوان، به نسبت،
 در هر سه فصل با زهم اهل مطالعه‌اند.
 دسته‌ی سوم از روانشناسان اعتقاد
 دارند که باید ذوق بچه را دریافت
 و دانست که آیا کودک، از میان
 علوم و دانشهای گوناگون از قبیل
 علوم تجربی، علوم نظری، فنون‌ظریفه،
 ریاضی و دیگر رشته‌ها به کدام رشته
 علاقه‌مند و متمایل است و آنگاه در
 گسترش و پرورش همان استعداد
 کوشید. اما بحث ما درباره‌ی اطفالی
 است که هنوز دوران شکفتگی استعداد

بزرگان جهان افکنیم می‌بینیم که
 اکثریت قریب به اتفاق آنان از نعمت
 داشتن پدر یا مادر محروم بوده‌اند
 و با وجود این در اجتماع خود منشاء
 اثر شده‌اند .
 دسته دیگری از دانشمندان نظریه
 دیگری ابراز می‌کنند. آنان می -
 گویند: عدم توجه والدین به درس
 و تحصیل کودکان، سبب بی‌اعتنائی
 اطفال به کسب دانش می‌شود. باید
 دید مقصود از توجه به درس و تحصیل
 کودک یا عدم توجه به آن چیست؟
 اگر مقصود از توجه ، نهیب و فریاد
 زدن مادران یا کتک و سیلی زدن
 پدران برای مجبور کردن کودکان
 به نشستن سر «مشق و درس» باشد
 که نه تنها مفید هیچ فایده‌ای نیست،
 بلکه نتیجه‌ی حاصله کاملاً خلاف
 نیت والدین سخت‌گیر است و بارها
 بقیه در صفحه ۴۴

افسانہ سیمین



و با معشوقم گل، سخن میگویم. چون زمستان شد و گل از میان رفت، دهانم را می بندم، خاموش می شوم، دیگر نمی خوانم تا باز گل بیاید. با این همه عشق که در دل من است چگونه می توانم برای جستجوی سیمرغ به این سفر دور و دراز بروم؟»

طوطی که زبان آور و خوش گفتار است گفت: «مردم قفسی از آهن درست می کنند و مرا در آن می اندازند. من بیچاره در این زندان بسیار ناراحتم و آرزوی آب زندگی دارم تا نمیرم. مگر نمی دانید هر کس آب زندگی بخورد، دیگر هرگز نمی میرد؟ من ناتوانم و نمیتوانم این همه راه را بیایم.»
طاوس که پره‌های رنگارنگی داشت و چون پرش باز می شد مانند چترزیبایی در پشتش قرار می گرفت گفت: «می دانید که من با این پره‌های قشنگ در بهشت بودم؟ ماریا من دوست شد و آشنائی با اوسبب شد که مرا از بهشت بیرون کنند. حالا يك آرزو بیشتر ندارم و آن این است که به بهشت بر گردم و در آن باغ باصفا بیاسایم. نه می خواهم جای دیگر بروم و نه کس دیگر را ببینم. من با سیمرغ چه کار دارم؟»

قو با قبای سفید پاك، سرش را از آب بیرون آورد و گفت: «مرا که می بینید؟ هیچ کس از من پاك تر و سفید تر نیست. شب و روز تن و جامه‌ام را در آب می شویم. يك لکه سیاه در همه اندام من نیست. آن قدر به آب عادت کرده‌ام که بی آن نمی توانم زندگی کنم. پس چطور از بیابانهای خشک و بی آب بگذرم؟ این کار از من بر نمی آید.»
پرنده دیگری به اسم هما که می گویند سایه‌اش بر سر هر کس بیفتد شاه می شود، پیش آمد و گفت: «من مثل مرغهای دیگر نیستم. از همه کناره گرفته‌ام. خوراکم فقط استخوان است. حرفی نمی زنم، اما سایه‌ام بر سر هر کس بیفتد شاه می شود.

بقیه در صفحه ۴۶

یکی بود، یکی نبود. يك روز همه پرنندگان پیش هم آمدند و گفتند: «این همه ستم که به ما می شود برای آن است که پیشوا و فرماندهی نداریم. هر کشوری سرپرستی دارد. چرا کشور ما بی سرپرست است؟ بیایید دست به دست هم بدهیم و جستجو کنیم تا سرپرست خوبی برای خودمان پیدا کنیم، زیرا هر کشوری که فرمانروا نداشته باشد پر آشوب می شود.» همه این گفته را پذیرفتند.

همده که پرنده دانائی بود و تاجی بر سر داشت گفت: «ای دوستان، من از همه شما دنیا را بیشتر دیده‌ام. خدمتکار سلیمان پیغمبر بوده‌ام و نامه‌های او را می برده‌ام. در همه سفرها با او همراه بوده‌ام. من پیشوای پرنندگان را می شناسم، اسمش سیمرغ است و بر سر کوه قاف روی درخت بلندی خانه دارد. به قدری با عقل و زیباست که هیچ کس مانند او را ندیده است. راستی می دانید که سالها پیش سیمرغ، نیمشب از کشور چین گذشت و یکی از پر-هایش آنجا افتاد؟ آن پر چنان پر نقش و رنگارنگ بود که هر کس آن را دید یکی از نقشهایش را به یاد سپرد. این همه نقش و رنگ که در دنیا هست هر يك پرتوی از آن پر سیمرغ است.

اما گمان نکنید که رفتن به کوه قاف آسان است. این راه آن قدر خشکی دارد، آن قدر دریا دارد، آن قدر دور و دراز است که بسیار خسته کننده است. هر که خواهد با من بیاید، باید زورمند باشد و از هیچ چیز نترسد.»

پرنندگان خوشحال شدند. همه می خواستند زودتر فرمانروای خود را پیدا کنند. همه فریاد زدند: «ما آماده‌ایم، نمی ترسیم، ما سیمرغ را می خواهیم.» اما بعضی از پرنندگان چون دیدند راه دور است، از رفتن عذر خواستند. بلبل گفت: «مرا که می شناسید. در فصل بهار، شب تا صبح آوازی می خوانم،

مشکلی

به نام :

می‌دهند نه تنها الگوی تمام عیاری است برای اعمال و افعال کودک، بلکه سازنده‌ی شخصیت کودک است. بنابراین اگر اعمال و رفتار اطرافیان طفل منفی باشد، اعمال و افعال وی منفی می‌شود و هرگاه این اعمال مثبت باشد شخصیت کودک مثبت می‌شود و این کنش‌ها و واکنش‌ها در کودک وضعی ایجاد می‌کند که به آن «شخصیت فرم یافته کودک» گویند.

پس اطرافیان کودک آینه‌ای هستند که شخصیت کودک را برای او منعکس می‌کنند.

اطرافیان کودک، دو دسته هستند. دسته‌ای که مستقیماً با طفل در تماس هستند و دسته‌ای دیگر که ندرتاً و غیر مستقیم با کودک تماس می‌گیرند و بحث ما نیز درباره‌ی اعمال و رفتار اطرافیان مستقیم طفل است.

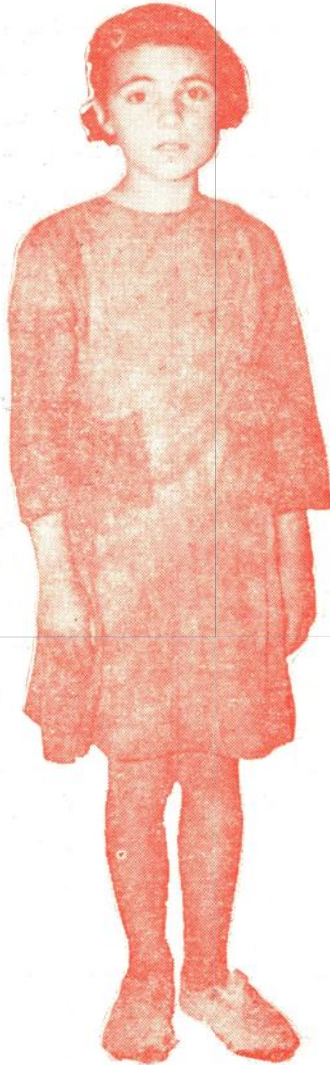
عکس‌العمل‌های اطرافیان در مورد کودک، قبل از همه عکس‌العمل عاطفی است. یعنی به او خشم می‌گیریم، مهربانی می‌کنیم، می‌خندیم، می‌گرییم و اعمال شبیه این‌ها ... و همین عکس‌العمل‌ها قدم‌های آهسته آهسته‌ای هستند که برداشته می‌شوند تا کودک دارای شخصیتی شود و این خود آگاهی سبب می‌شود که طفل رفته رفته پی به وجود خودش ببرد.

از داوریهایی که دیگران در کنار کودک نسبت به او اعمال می‌کنند، کودک پی به وجود شخصیت خود می‌برد، و همین داوریه‌ها، اورانسیست به مثبت یا منفی بودن شخصیتش آگاه می‌کند.

جرج مید George mead در مورد ساختمان شخصیت کودک و قوام گرفتن آن، سه مرحله را بیان کرده است:

اول = مرحله‌ی تقلید کورکورانه و آن از روز تولد است تا سه سالگی در این دوران است که کودک مطلقاً و بدون تفکر از اطرافیان خود تقلید می‌کند.

دوم = مرحله‌ی بازی فردی است و «جرج مید» معتقد است که این



هست تصاویری در مغزش نقش می‌بندد. ولی این نقوش فقط شکل ظاهری آنهاست و ارزش وضع اشیاء برای کودک مفهومی ندارد. یعنی کودک با یک مار ممکن است همانطور بازی کند که با پستانکش بازی می‌کند.

کودک هنگامی به صدور داوریه در پاره‌ی اطرافیان خود می‌پردازد که آنچه را در اطرافش می‌گذرد درک کند و در نتیجه اعمال و افعال اطرافیان اش الگو و مدل داوریه‌اوست. یعنی هر کار که اطرافیان وی انجام

دیده شده که کودک، ظاهراً به نوشتن مشغول است ولی با استفاده از کوچکترین فرصت، یاروی کاغذ نقاشی می‌کند یا بتماشای تلویزیون مشغول می‌شود و یا بر روی کیف و کتاب خوابش می‌برد.

پس علت چیست؟

چه عاملی باعث می‌شود که کودکی که از نظر جسمی کاملاً سالم است، کودکی که از طرز پیمایش هر کسی می‌تواند درک کند که سرشار از هوش و استعداد است و یا کودکی که اگر وحشت از نهیب پدر و مادر و شنیدن جمله‌ی «پیمان، باز که سر مشق و درس ننشسته‌ای!» بدن او را لرزاند، صدای قهقهه‌اش در فضا طنین افکند است، از درس و کتاب وحشت داشته باشد؟

پاسخ به این پرسش‌ها به کمی توضیح احتیاج دارد. باید روحیه طفل را شناخت. باید شخصیت معلول را که همان کودک است از نظر اجتماعی و روانی مورد تحقیق و مطالعه قرار داد و پس از شناختن «ارگانسیم روحی طفل»، آنگاه می‌توان علت‌ها را پیدا کرد.

شخصیت اجتماعی چیست؟

آزمایش‌های متعدد روانشناسی ثابت کرده است که کودک به هنگام تولد کاملاً فاقد شخصیت است و به اصطلاح علمی «Non ego» است.

و این انسانهای اطراف او هستند که آرام آرام به وی شخصیت می‌دهند و این شخصیت به مرور زمان قوام می‌یابد. با توجه به اینکه اطرافیان کودک جز پدر و مادر و خواهر بزرگتر، طبیعتاً کسان دیگری نمی‌توانند باشند، پس باید گفت که:

«شخصیت کودک در خانواده قوام می‌یابد». بنابراین کودک در هنگام تولد از «شخصیت من» کاملاً بی‌خبر است یعنی حتی خود را هم نمی‌شناسد.

قبل از همه، از اشیایی که در اطرافش

مرحله از سال سوم زندگی آغاز شده و تا پنج سالگی ادامه می‌یابد. در این مرحله است که کودک «خود» را می‌شناسد و نسبت به هر کاری که اطرافیان در باره وی انجام دهند عکس العمل نشان می‌دهد. ضمناً در این دوران است که در بازهای کور-کوره خود، به تقلید تمام حالت‌های بزرگترها می‌پردازد و نقش دکاندار، مادر، پدر، دوست، زن و شوهر را بازی می‌کند و اگر مثلاً پدر و مادر کودک کتاب یا روزنامه بخوانند، کودک نیز در حین بازی فردی خود کتاب و روزنامه‌ای را بر داشته تظاهر به خواندن می‌کند.

مرحله سوم = از پنج سالگی به بعد است. در این مرحله بازیهای گروهی شروع می‌شود و در اینجاست که طفل نقش مورد علاقه خود را بازی می‌کند و در حقیقت شخصیت واقعی خود را نشان میدهد.

باید دانست که شخصیت امری «ارگانیک» نیست بلکه موضوعی است اجتماعی. یعنی شخص مطابق تعلیمات جامعه و ویژگیهای فرهنگی خود دارای شخصیتی خواهد شد که منحصر به همان فرهنگ و مخصوص همان اجتماعی است که وی در آن زندگی می‌کند و چون اجتماع برای کودک چیزی جز خانواده نیست، بنابراین پایه اصلی شخصیت طفل را تعلیمات خانوادگی و تصاویری که از خانواده در مغز او نقش می‌بندد تشکیل می‌دهد. کولی Cooley دانشمند

روانشناس امریکائی، معتقد است که «خود» هر کس انعکاس «خود» اطرافیان اوست و کودک را می‌توان «آینهی خودنما» نامید.

پس هرگاه کودکی از درس و کسب دانش فراری باشد باید علت را در خانواده‌اش جستجو کرد، زیرا این خانواده است که تاثیر مستقیم بر روی روحیهی کودک می‌گذارد. عده‌ای از محققان معتقدند که کودک تا حدود سن شش سالگی از فرهنگ معنوی بی‌خبر است یعنی تشخیص خوبی و بدی را مطلقاً نمی‌دهد. به عبارت دیگر کودک معنی

شرافت، امانت، مسلمان یا یهودی بودن را درک نمی‌کند و فقط ممکن است فرهنگ مادی را بشناسد. مثلاً در امریکاه که اختلاف عظیمی بین اجتماع سپید و سیاه وجود دارد، همیشه کودکان سیاه و سپید با یکدیگر آمیزش صمیمانه دارند و بازی‌های جمعی مشغولند. از این روی باید گفت که این والدین هستند که نخستین سنگ بنای شخصیت مثبت یا منفی کودک را بنامی نهند.

اینک به بحث اصلی بر می‌گردیم. با توجه به مطالب بالا، مسلم شده که خانواده کودک را می‌سازد و همانطور که «جرج مید» می‌گوید، کودک از دو سالگی تا پنجسالگی به تقلید از حرکات پدر و مادر می‌پردازد. در اینجاست که ریشه اصلی «منش» کودک و عکس العمل او در مقابل تحصیل و مطالعه نضح می‌گیرد، و با این محاسبه به پدران و مادران توصیه می‌شود که در جهت اصلاح فرزندان خویش، خود را اصلاح کنند. کودک را باید در «کانال تحصیلی» گذارد و از حس تقلیدی در این مورد نهایت استفاده کرد.

روش «کانال تحصیلی» چیست؟

مقصود از این روش این است که پدران و مادران حتماً باید جلو کودک مطالعه کنند و کتاب یا روزنامه بخوانند و در این مورد، کتاب مسلماً بهتر است. حتی اگر علاقه‌ای هم به مطالب مندرج در کتاب یا روزنامه نداشته باشند، باید مانند هنرپیشه‌ای ماهر، هنگامی که کودک از مدرسه به خانه می‌آید، تظاهر به خواندن و مطالعه کتاب یا روزنامه کنند.

کودک هنگامی که مشاهده می‌کند پدرش کتاب می‌خواند، مادرش مطالعه می‌کند و برادر و خواهر بزرگش (که آنان نیز خود قبلاً کودکی بوده و به تقلید از پدر و مادر کتاب خوان خود، اهل مطالعه و تحصیل شده‌اند) درس می‌خوانند، ناخودآگاه به کتاب می‌پردازد. شاید ابتدا به پیروی از حس تقلید خود، اما رفته رفته رفتار این کار عادت او می‌

شود، شخصیتش اینطور ساخته می‌شود، خواندن و نوشتن را امری روزمره و واجب می‌شناسد، چون خانواده‌اش اینطور است. هنگامی که کودک شما به پیروی از نیروی باطنی تقلید خویش به کتاب و مطالعه علاقمند شد، با تهیهی کتاب‌هایی درخور سن و ذوق وی، این حس را در او تقویت کنید. مسلماً پرسشهای زیادی در حین مطالعه برای او پیش می‌آید که برای دانستن آنها شما روی می‌آورد. پاسخ او را در نهایت حوصله و درخورفهم‌وی بیان کنید و در هنگام این گفت و شنودها که بسیار شیرین و دلچسب است - گریزهایی هم به کتاب‌های درسی او بزنید. مثلاً بگویید «این موضوع در فلان صفحه کتاب علوم تو، توضیح داده شده است. به آن مراجعه کن و جواب خود را پیدا کن». با این روش رفته رفته وحشت مطالعه و یادگیری از ضمیر کودک زایل و ذوق و شوق روز افزونی در او پیدا می‌شود.

اگر در مقابل کودک به بحث‌های علمی و اجتماعی بپردازید، ملاحظه می‌کنید که کودک بی‌اختیار به بحث‌های شما توجه می‌کند. شما اهل مطالعه بشوید، مسلماً کودکانان درس خوان می‌شوند.

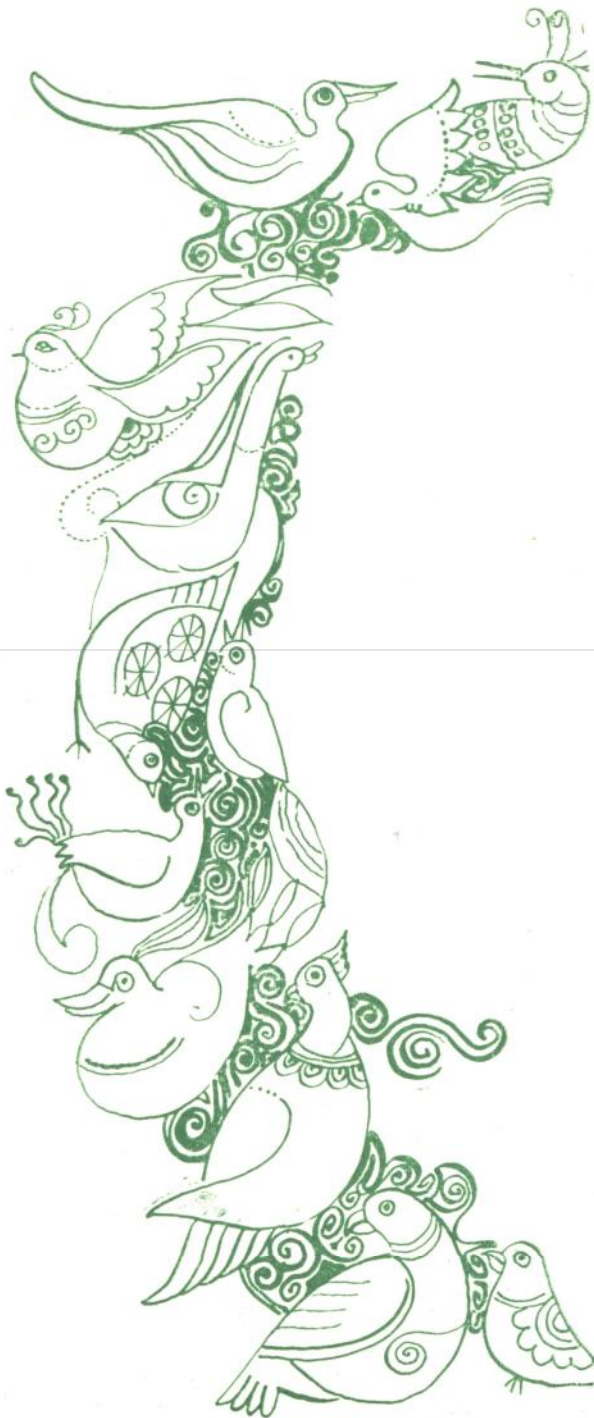
پدر و مادری که ته‌دانشان، گردش و تفریح شبانه، قمار و باده‌گساری را بر مطالعه و تحقیق علمی ترجیح میدهند و شرکت در مجالس عیش و سرور را بر توجه به وضع تحصیلی و روحی کودک خویش مقدم می‌شمارند، نباید متوقع باشند که کودکان ساعی و درس‌خوان پرورش یابد. بارها دیده شده است که فرزندان والدین قمارباز، خالهای ورق را خیلی بهتر از حروف کتاب می‌شناسند! اگر طفلی کم استعداد بود، باید در همه‌ی مورد از خود بی‌استعدادی بروز می‌داد، نه اینکه بریزه‌گاریهای «رامی» و «تخته‌نرد» را بخوبی بشناسد ولی از تشخیص حروف کتاب درسی خویش عاجز باشد. پس باید با ایجاد و

من که شاهان از زیر پروبالم بیرون می آیند چگونه می توانم زیر دست و فرمانبردار دیگری باشم، اگر چه آن دیگری سیمرغ باشد؟»

سپس باز شکاری که شاهان او را روی شست خود می نشانند و به شکار می بردند پیش آمد. او گفت: «من بسیار کوشیده ام تا روی دست شاهان جا گرفته ام. همیشه با آنها بوده ام و برای ایشان شکار کرده ام. آیا جای افسوس نیست که دست شاهان را بگذارم و در بیابانهای خشک و بی آب و علف سرگردان شوم؟»

آنگاه جغد که جایش در ویرانه هاست، لب به سخن گشود و گفت: «من روزگار را به زحمت می گذرانم، چون شنیده ام در خرابه ها گنج پیدا می شود، به عشق این گنج است که از همه دوری گرفته ام و در خرابه ها منزل کرده ام به امید آنکه روزی پایم به گنج فرورود. آیا بهتر نیست به دنبال گنج خود باشم تا به جستجوی سیمرغ بروم که نمی دانم کیست و کجاست؟»

بیشتر پرندگان عذر خواستند و بهانه آوردند. اما همد که از همه داناتر بود به یکی یکی آنها جواب داد و عذرشان را رد کرد. پرندگان وقتی خوب به حرفهای همد گوش دادند، دست از بهانه برداشتند و خواستند به جستجوی سیمرغ بروند. پس گفتند: «اما این راه دراز را بی راهنما نمی توانیم برویم، قرعه بکشید تا راهنمایی تعیین شود.» قرعه به همد افتاد. بیشتر از صد هزار مرغ به دنبال همد به راه افتادند. راه خیلی دور و دراز بود. هیچ آوازی شنیده نمی شد. همه جا ساکت و آرام بود. هر چه می رفتند راه به پایان نمی رسید. پرندگان به همد گفتند: «ما می ترسیم. چیزی بگو، حرفی بزن که ما جرات پیدا کنیم.» همد با مهربانی به همه جرات می داد اما می گفت: «راه، راه دشواری است. هفت بیابان در پیش داریم کسی هم نمی داند که هر یک از بیابانها چند فرسنگ است، زیرا که تاکنون هر کس رفته برنگشته تا خبری بیاورد. در این بیابانها بلا بسیار است، آتش است، باد است، توفان است، بلندی است، پستی است، خشکی است، گرسنگی است، بیخبری است، درد و رنج است، خون دل و غم و



لطیفه‌ها

«حکیم روحانی» شاعر بذله‌گو، از زنان دل‌پری داشت و همچنین از وام گرفتن نیز می‌ترسید. این رباعی از اوست:
مرد آزاده به گیتی نکند میل دو کار
تا وجودش همه روزه به سلامت باشد
زن نخواهد اگرش دختر قیصر بدهند
وام نستاند اگر وعده قیامت باشد
اما سیدشفاپی شاعر خوش ذوق در پاسخ او این چنین می‌گوید:
مرد آزاده به گیتی برود سوی دو کار
تا که پیوسته وجودش خوش و راحت باشد
زن بگیرد اگرش دختر تون تاب دهند
وام بستاند اگر وعده دو ساعت باشد!
«تذکره دولتشاه»

شاعری مدح کسی را گفت، چیزی ندادش. هجوش کرد، باز هم اعتیابی به او نکرد. پس به در خانه مدوح نشست. آن مرد گفت: مدح کردی چیزی ندادم، هجو کردی اعتنا نکردم، دیگر به چه امید اینجا نشسته‌ای؟
گفت به امید آنکه بگیری و برایت مرثیه بگویم (تذکره حسینی)

عماد فقیه کرمانی از زاهد نمایان عصر حافظ بود و مریدان پیشماری داشت که شاه شجاع نیز در شمار آنان بود. گویند گربه‌ای را تربیت کرده بود که هنگام نماز، سر به مهر می‌نهاد و شاه شجاع و دیگر مریدان، این کار را حمل بر کرامات نامبرده می‌کردند.
حافظ در غزلی به این مضمون، پرده از کار عماد فقیه کرمانی برمی‌دارد:
صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد
بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد
ایدل بیاکه ما به پناه خدا رویم
زانج آستین کوتاه و دست دراز کرد
ای کبک خوش خرام که خوش میروی بناز
غره مشوکه گربه زاهد نماز کرد
حافظ مکن ملامت رندان که در ازل
ما را خدا ز زهد و ریا بی نیاز کرد
«مجالس المومنین»

در آغاز طنطنی شاعری صائب، شخصی این مصرع را می‌سازد و برای او می‌خواند و درخواست می‌کند که این مصرع را به صورت بیتی در آورد: «شمع گر خاموش باشد، آتش از مینا گرفت»
صائب بالبدیهه چنین می‌گوید:
امشب از ساقی زبس گرم است مخفل می‌توان
شمع گر خاموش باشد، آتش از مینا گرفت

سرگردانی است، کم شدن و فراموشی و بیهوشی است.»

مرغان از این همه سختی راه وحشت کردند و دیدند که بسیار ناتوانند. بعضی از ترس در همان منزل اول به زاری زار مردند، و مرغان دیگر با حیرت به راه افتادند.

سالها رفتند، رفتند، آن قدر سختی کشیدند که باز گو نمیتوان کرد. از میان آن همه، عده بسیار کمی توانستند به سوی سیمرخ پیش بروند. از هزارتا، یکی هم نرسید. بعضی‌ها در دریا غرق شدند. عده‌ای بکلی ناپدید شدند. عده‌ای بر سر کوه بلند از تشنگی جان دادند. بعضی از گرمی آفتاب سوختند و کباب شدند. بعضی‌ها در آرزوی دانه جان سپردند. بعضی‌ها از خستگی رنجور شدند و عقب ماندند. عده‌ای در برابر پیش آمده‌های عجیب سر جایشان ماندند و پیش نرفتند. عده‌ای هم تنبلی کردند و میان راه به خوش گذرانی سرگرم شدند.

عاقبت از یک دنیا پرنده، سی تا از مرغان بیشتر به جایگاه سیمرخ نرسیدند، سی تن بی بال و پر، رنجور و سست و دلشکسته به کوه قاف رسیدند. چون بالای کوه آمدند، روشنائی خیره کننده‌ای دیدند. اما از سیمرخ خبری نبود. بسیار نا امید شدند. فریاد زدند: «ای سیمرخ، ما این راه دراز را به آرزوی تو آمده‌ایم، سر گشته و بیقرار تو شدیم، ولی از تو خبری نیست!».

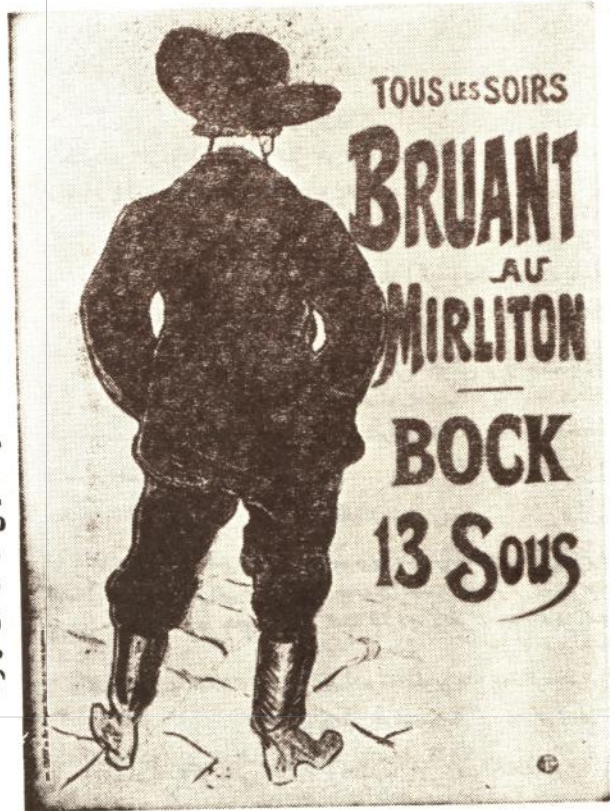
مرغها از شدت خستگی و نا امیدی بیحال و بیجان به خواب رفتند و خواب دیدند کسی به آنها می‌گوید: «به خودتان نگاه کنید، سیمرخ حقیقی شما هستید!».

ناگهان از خواب پریدند. سختی‌ها را از یاد بردند و با خوشحالی به یکدیگر نگاه کردند. در عجب ماندند، چون در خواب درست شنیده بودند، خودشان سی مرغ تمام بودند. دانستند که سیمرخ حقیقی خودشان هستند و هر مرغی که رنج و سختی فراوانی را تحمل کند و در آرزوی رسیدن به هدف عالی، از سرگرمی‌ها و خوشی‌های کوچک و عادی بگذرد، می‌تواند به مقام والا و افسانه‌ای سیمرخ برسد.

پایان

آفیش

بک آفیش از کارهای لوترک



چندی پیش نمایشگاهی از آفیش‌های خارجی در تالار قندریز تشکیل شد. در بروشور این نمایشگاه از قول « پیروز افتخاری » مطالبی میخوانیم که برای آشناسدن با هنر تهیه آفیش، کمک خوبی است:

سریع شهرها و نیاز به ایجاد ارتباط هر چه بیشتر بین مردم، بویژه ارتباط اقتصادی و تجاری مستقیم آفیش و آفیش‌سازی رواج گرفت. نقاشان پیرو مکتب امپرسیونیسم - که خود نقطه عطفی در تاریخ هنر بحساب می‌آید - گاهی در نقش آفیش‌ساز ظاهر شدند. این پدیده جدید در آغاز پیدایش خود، با طراوت عاطفی، سادگی بیان، بار انسانی و منطبق بی تکلف هنرمندی مانند تولوز لوترک، که با استدلال

بویژه آفیش، رابطه دقیقی با علم مذکور دارد: چه از این نظر که در اشاعه افکار و اخبار، وسیله‌ای مستقیم و در عین حال دقیق است، چه از این لحاظ که نقش ایدئولوژیک آن در نضج و تحول محیط اجتماعی و «فضای فرهنگی» تاثیر دارد. نگاهی به تاریخچه آفیش، شناسائی و ارزیابی کمی و کیفی آنرا آسانتر میسازد:

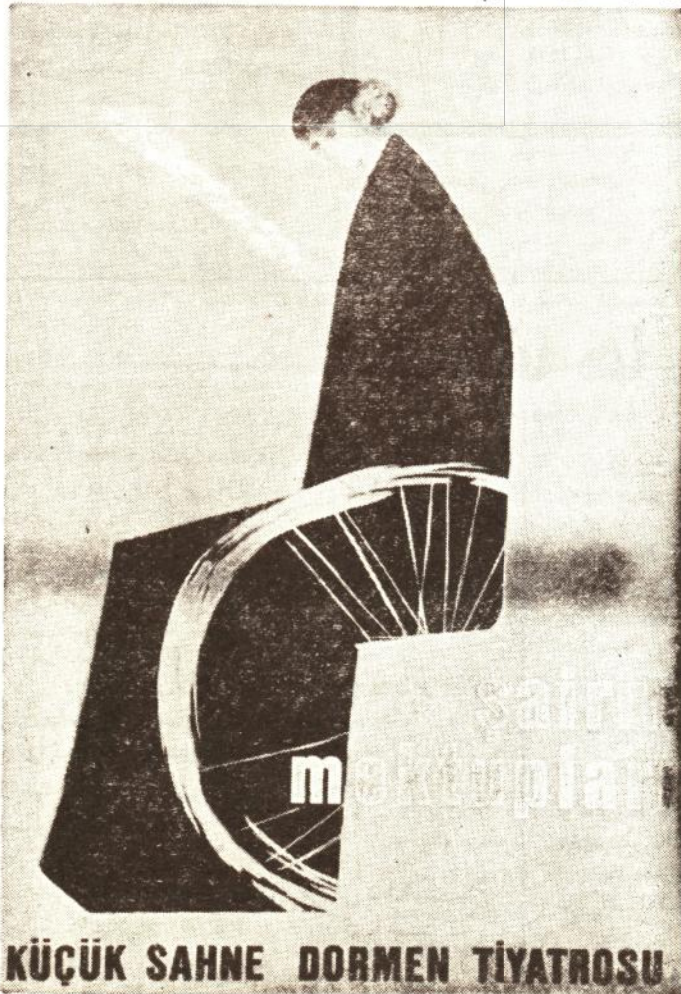
پس از انقلابهای بورژوازی و هم- زمان با انقلاب صنعتی و پدید آمدن رقابت آزاد در تجارت و گسترش

چند سالی است که برخی از هنرمندان و هنرشناسان و منتقدان توجه خویش را به علمی بنام علامت شناسی (سمیولوژی) معطوف داشته و بمطالعه علمی علایم کنایی و «عمکرد آن در تمدن بصری معاصر» پرداخته‌اند. از این دیدگاه میتوان بشناخت روند تاریخی ایجاد ارتباط در فرهنگ‌ها دست یافت، و با تخیلات، اساطیر، اعتقادات و قضاوت‌ها و عادات و رفتارهای مردم آشنا شد. هنر گرافیک و

اداری، يك هنرمند است وبخلاقیت و ابتکار نظر دارد و برای شالوده های فرهنگی و انسانی اهمیت بیشتری قایل است، بررسی آفیش و آفیش ساز در رابطه علمی آنها با جامعه مستلزم نگرش دیگری است: خط، رنگ، حروف، فرم، فضا، تناسبها و بطور کلی آنچه که بعنوان «علامت» ارتباطی می شناسیم افزار کار آفیش ساز هستند. او هرچه بر این افزار کار تسلط بیشتری داشته باشد، بهتر خواهد توانست «موضوع» را پروراند و بکمک واسطه ای بنام آفیش به بیننده منتقل سازد. این اصل بقیه در صفحه ۸۲

و بطور کلی با تلفیق نگاره وعکس و کلام، ذهن بیننده تاثیر پذیر و نیمه تاثیر پذیر را بخود جلب میکند. بعلاوه آفیش ساز با تکیه بر مسایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با بر انگیختن احساس و احیانا تعقل بیننده، سعی میکند «پیام» خود را باو برساند. امروزه در جوامع غربی نوع تجاری آفیش گسترش بیشتری دارد و به جلب مصرف کننده ویا کسب طرفدار مومن تر برای يك کالای خاص و بطور کلی تاثیر گذاری انفعالی در او، مپردازد. ولی از آنجا که آفیش ساز علاوه بر وابستگی مستقیم اقتصادی و

نظری و «نظریه پردازی درهنر» رسماً مخالفت میورزید، آمیخته بود، ولی آفیش و بطور کلی گرافیک نمیتوانست همچنان در مرحله ی شهودی باقی بماند. گسترش دامنه تولید کلان صنعتی، ایجاد قطب های مشخص «تولید کننده» و «مصرف کننده»، پایان رسیدن قرن نوزدهم و آغاز عصر تکنولوژی و پیدایش نهادهای اجتماعی خاص آن، ریشه دوانیدن عمیق سرمایه داری در زیر ساختها و روساختهای اجتماعی و توجه به تبلیغات و دستگاههای تبلیغاتی، موجب شد که هنر گرافیک نیز قوانین ویژه و اصول جدیدی را بپذیرد، تا اندازه ای تغییر ماهیت دهد و متقابلاً به فنون و تکنولوژی متوسل شود. در این میان، تجهیز دستگاههای تبلیغات و بهره گیری از نیروی فکری روانشناسان، اقتصادپون و جامعه شناسان، در تعیین مسیر آفیش بی تاثیر نبوده است. بطور کلی آفیش - مانند نقاشی - با تحولات اجتماعی پیوند خورده است. بعلاوه چون خاستگاه آفیش، نقاشی است، بین آفیش و آثار نقاشی نیز ارتباطی مستقیم هست. چندان که میتوانیم تاثیرات آشکار امپریسم، سبونیسم، کوبیسم، سوررآلیسم، هنر آبستره، پوپ آرت، آپ آرت را در آفیش مشاهده کنیم. اما از آنجا که آفیش وسیله یی برای خبر دادن، شناساندن و یا انگیزاندن . . . است، باین جهت فقط عناصری را از نقاشی اخذ کرده که با ماهیت آن سازگار باشد: تاثیر کوبنده ای که بیاری رنگهای تند و خالص و هماهنگی و تداخل رنگ و خط و فرم حاصل می آید، عامل پرسپکتیو، کشیدگی نا-متعارف خطوط و فرم هایی که با قرینه سازی یا نظمی ویژه توازنی نسبت بخود ایجاد میکنند، پژوهش در شکل خط الفبایی و تزئین آن، انگیزش تخیل بیننده بوسیله نگاره های «ساده شده» و کاریکال-توری، ایجاد فضاهای تخیلی، استفاده از تکنیکهای مختلف نقاشی



نیاز دارد، ولی بهر صورت این کار انجام می شود.

تکثیر و ایجاد سلولهای جوان همراه با تقویت سلولهای قبلی، دو نوع دگرگونی بوجود می آورد.

نخست از دیاد نیروی ماهیچه و سپس افزوده شدن به حجم آن. به همراه

این دو تحول، مقداری مواد زاید غذایی که در بدن به صورت غشایی

از چربی اطراف عضلات ذخیره شده بودند نیز به مصرف تغذیه یاخته های

فعال میرسند و باصطلاح «چربیها آب می شوند». این است که فرم

زیبای عضلات و ماهیچه ها نمودار می گردند و اندام شخص ورزشکار،

متناسب، زیبا، موزون و نیرومند به نظر می آید. بنابراین نفس ورزش

در سلامتی، نیرومندی، زیبایی و طول عمر مؤثر است. اما نوع ورزش

بستگی به ویژگیهای ساختمان بدن و قدرت جسمانی، و ذوق، سلیقه و

پسند شخصی دارد، که یکی کوهنوردی راهی پسند، دیگری وزنه برداری،

سومی کشتی و ... خلاصه هر کس رشته ای را برای نیرومند شدن انتخاب

می کند، اما همه ورزش هستند و ورزش هم برای بدن نه تنها مفید

است بلکه لازم و ضروری است.



ایوای، ببخشید... یادم رفته فیلم تودورین بنارم!

بهر صورت، با رسیدن مواد غذایی و اکسیژن به یاخته ها، آنها جان تازه می گیرند و فعالیت بیشتری را پذیرا می شوند. ضمناً مواد سوخته شده و زاید و سموم حاصله از احتراق اکسیژن را به خون می ریزند و خون نیز آنها را به کلیه و کبد و ریه می رساند و دستگاههای نامبرده سموم مذکور را از خون گرفته آنرا تصفیه می کنند.

این تحرك و تغذیه سبب می شود که: اولاً، یاخته ها رفته رفته نیرومندتر شوند، زیرا همانطور که گفته شد، در بار نخست، اگر وزنه سنگین تر از نیروی یاخته ها باشد و آنها از حرکت دادن آن عاجز باشند یا در حد نهایی قدرتشان باشد، این فشاری که بر سلولها وارد می شود، آنها را مقاوم تر می سازد.

ثانیاً، تغذیه مداوم و تنفس اکسیژن بیشتر، کار تولید و تقسیم یاخته ها را تسریع می کند و سلولها تندتر شروع به ازدیاد می کنند. این است که بر تعداد آنها و حجم عضله افزوده می شود. البته این توالد و تکثیر در عرض یکروز و دو روز محسوس نیست. بلکه احساس ازدیاد آن ها به زمان بیشتری مثلاً ششماه و یکسال

لطیفه ها

این رباعی لطیف از صوفی وارسته «ابوسعید ابوالخیر» است که به عبادت دوست بسیارش رفته بود و چون دید که تب او قطع شده است برایش سرود:

صد شکر که گلشن صفا گشت تنت

صحت گل عیش ریخت اندر بدنت

تب را به غلط در تنت افتاد گذار

منت، که عرق شد و چکید از بدنت

«اسرار التوحید»

خواجهای بیمار شد و بر بستر مرض سخت افتاد. مدتی بگذشت و شاعری که با وی دوست بود به عبادتش نیامد. چون خواجه صحت یافت، ضمن ملاقات با شاعر از روی گله به او گفت:

اینهمه بیماری کشیدم تو یکمرتبه به عبادتم نیامدی.

شاعر گفت: معذورم دارم که به مرثیه گفتن تو مشغول بودم!

«لطایف الطوائف»

روزی میرزا خاضع چند مصدر فعل را با یکدیگر ترکیب کرده این مصرع را می سازد و اتمام آن را از صائب در خواست می کند: «دوبدن، رفتن، ایستادن، نشستن، خوردن و خفتن»

صائب پس از کمی فکر مصرعی گفته و بیٹی به اینصورت در می آورد:

به قدر هر سکون، راحت بود، بنگر تفاوت را

دوبدن، رفتن، ایستادن، نشستن، خوردن و خفتن

میرزا خاضع مجدداً مصرع دیگری می سازد و برای صائب می خواند و اتمامش را از او می خواهد:

«از شیشه ی بی می، می بی شیشه طلب کن»

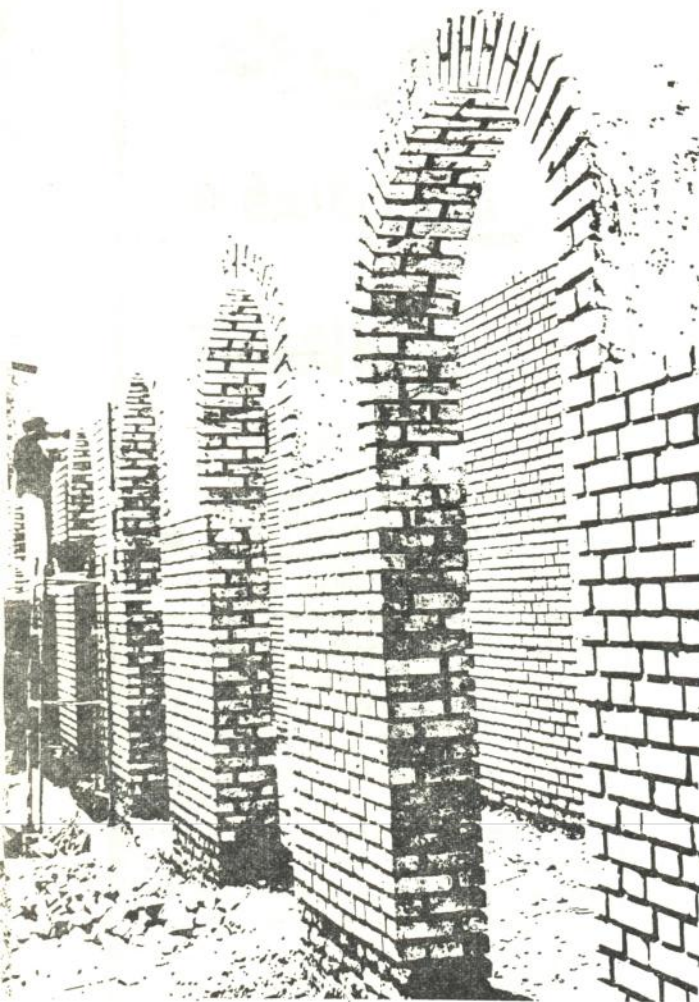
صائب بر بدیهه میگوید:

حق را زدل خالی از اندیشه طلب کن

از شیشه بی می، می بی شیشه طلب کن

«تذکره حسینی»

دبستان یادبود پیش آهنگان انقلاب



نوشهر - خلخال - ری - شاهی - سردشت - مهاباد و کاشمر تا تاریخ ۲۵۷۰۵۰۰ مجموعاً مبلغ ۵۵۶۵۰ ریال برای خرید اوراق مدارس یاد بود به حساب جاری ۲۰۵۰۱۸ در اختیار سازمان مرکزی سیاه - دانش گذاردند که از این وجوه (قبل از انقضای مدت مقرر) مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال از طریق بانک ملی شعبه کاخ پهلوی بوسیله آقای حسین بنائی مدیرکل سازمان سیاه دانش بخريد اوراق يك باب دبستان یاد بود بنام «پیش آهنگان انقلاب» اختصاص داده شد. مابقی وجه که پس از سپری شدن مدت مقرر برای خرید اوراق متدرجا واصل شده بود برای اتمام ساختمانهای نیم تمام بعضی از دبستانهای روستاهای شهرستانها اختصاص داده شد. از اینرو سازمان مرکزی سیاه دانش از فرد فرد سبایان دانش و آموزگاران مدارس روستایی و عوامل اجرایی برنامه سیاه دانش در شهرستانهای مذکور در بالا صمیمانه سپاسگزار است .

بر اساس تصمیم متخذه در سمینار روسای ادارات سیاه دانش استانها و فرماندارهای کل که در خرداد ماه ۱۳۵۰ در تهران تشکیل یافته بود اغلب از استانها و فرماندارهای کل و شهرستانهای تابعه به ندای سازمان خود پاسخ مثبت دادند و شهرستانهای: طیس - بم - مرند - رشت - کرمانشاه - تفرش - سراب - رضائیه - نیشابور - دامغان - یزد - لاهیجان - شهرکرد - آستارا - تبریز - سمنان - لنگرود - مشهد - صومعه سرا - سازمان مرکزی - بافت - میانف - اراک - جیرفت - رودبار - همدان - مشکین شهر - مراغه - بجنورد - تربت حیدریه - تربت جام - رفسنجان - چهارمحال - بختیاری - درگز - سیرجان - رودسر - فردوس - آمل - بابل - گناباد - کرمان - بیرجند - خوی - سنقر - اسفراین - کنگاور - شیراز - پشه شهر - ارسباران - زنجان - محلات - گنبد کاوس - سقز - بیجار - شاهرور - ماکو - است .

کودکان فراری از درس

بقیه از صفحه ۴۵

ضد عفونی کردن بذرنپنه

بقیه از صفحه ۳۱

ضد عفونی شده را بمصرف کشت میرسانیم .
در تمام موارد فوق جهت سرعت عمل بیشتر و برای بهتر پخش شدن سم در روی بذرها لازم است سم توزین شده را يك دفعه بروی تخم پنبه نریخت ، بلکه آنرا اول به ۲ یا ۳ قسمت تقسیم کرده ، اول يك قسمت از دانه پنبه را توی بشکه ریخته و يك قسمت از سم را روی آن اضافه نموده و سپس يك قسمت دیگر آنرا ریخته و مقدار سم را با آن اضافه کرد تا بدین ترتیب بذره های پنبه و سم بصورت طبقه طبقه در توی بشکه رویهم قرار گرفته و آماده برای ضد عفونی باشد.

با روشهای آسان و قابل فهم به ذکر مطالب و موضوعهای درسی می - پردازند. به همین دلیل مشاهده می - می شود که دیگر کودکان ، مدرسه را به چشم زندان و شکنجه گاه نمی - نگرند و صبحگاه هنگام رفتن به مدرسه عزاً و ماتم نمی گیرند .
باتوجه به این دو اصل مهم ، مسلم می شود که تلقین این روش که رعایت هر يك از این دو برعهده اولیاء و مربیان اطفال گذارده شده است ، کوچکترین اشکال حل شده باقی نمی ماند و چنانچه کودکی باتوجه و رعایت اصول فوق ، بازم توجهی به درس و یادگیری از خود نشان ندهد ، آنوقت است که باید به سراغ «روان - پزشک» رفت .

ترتیب دادن محیط مساعد، او را به - طرف درس و مطالعه کشانید و محیط اطراف او را طوری آماده ساخت که جز توجه به مطالعه ، چاره دیگری نداشته باشد .
مسئله دیگری که باید در حاشیه اصل بالا بآن توجه کرد ، مسئله طرز تدریس در آموزشگاه است. در حدود هفتصد سال پیش ، سعدی بزرگ گفته است :

«درس معلم از بود زمزمه ای محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را» .
زمانی بود که با چوب و فلک و صدها نوع تنبیه های ابتکاری و قرون وسطایی ، کودک را مجبور به مطالعه و یاد گیری می کردند ، ولی اینک با تغییر روش تدریس که متأسفانه هنوز عمومیت کامل نیافته است ، آموزشگاهها

تعاونی‌ها و فعالیتهای تابستانی...

در بررسیها و بازدیدهای متعددی که از طرف ماموران اعزامی و هیئت‌های مختلف سپاه دانش بعمل آمد، آراء و نظرات اکثریت در این بوده که مشکلات قابل توجهی برای سپاهیان دانش در ایام تابستان وجود دارد. این مشکلات که بعضی از آنها خیلی اساسی بنظر میرسید بقدری در خور توجه بود که ایجاب میشود مسئولان امر در این مورد تصمیم قاطعی بگیرند تا از این رهگذر سپاهی بتواند در محیط آموزشی، ضمن احساس آرامش و تامین بهداشت و تغذیه، بایفای وظیفه خود مشغول گردد. از مواردی که قبل از هر چیز اهمیت بیشتر دارد موضوع تغذیه و تامین مواد غذایی است که اینک سازمان سپاه دانش دست‌اندر کار ایجاد «تعاونیهای سپاهیان دانش» است تا بتواند از هر نظر مسئله تغذیه و تامین مواد غذایی را برای سپاهیان بر طرف سازد.

در چنین موقعیتی که جوانان سپاهی از ایثار هر گونه تلاش و کوششی برای برچیدن بی-فرهنگی و جهل و تعمیم عدالت و آزادی و ایجاد یک رفورم خاص اجتماعی در سطح روستاهای ایران دیغ ندارند مسلماً باید از امکانات اولیه زندگی، از بهداشت و سلامت و از نوعی آرامش خانه و کاشانه برخوردار شوند که با تصمیمات و اقدامات سازمن سپه دانش، این مسئله کاملاً مورد توجه قرار گرفته و در آینده نزدیکی عملی خواهد شد.

اصولاً آموزش و تلاش در پی ریزی آرمانهای اجتماعی باید مرادف باشد با آرامش نسبی زندگی، و باید که نوعی معامله انسانی در این سودای فرهنگی حکم فرما باشد. باین معنا که اگر سپاهی، پیشقدم و مصمم در موجودیت بخشیدن اهداف انقلاب شده است لازم می‌آید که از جانب مسئولان مربوط نیز در رفع نیازمندیهای زندگی آنان دقت و امان نظر بعیل آید. یعنی اگر فرضاً از بهداشت محیط برخوردار

بقیه در صفحه روبرو

کشاورزی و ..

نمیدانم بخاطر دارید که چندسال قبل پیاز هم حکم طلا را پیدا کرد و چنان کمیاب و نایاب شد که شخصاً در يك سالن چلوکبابی شاهد بودم که شخصی بابت يك پیاز حتی حاضر شد مبلغ پنجاه ریال بپردازد، که بمناسبت نایابی این کالای کم بها و پر ارزش، تعیین و تشخیص آن شخص که مسلم صرفاً بخاطر وجود پیاز نبود بدون اثر ماند. باز امیدوارم یادتان باشد که سال بعد آنقدر پیاز به بازار عرضه شد و آنقدر پیاز فراوان شد که ارزش ذاتی و تقاضای قبلی خود را هم از دست داد و چنان بود که در حکم کرد درآمد، ولی نه ارزش آنرا داشت و نه اثرش را. امسال هم حالت اول این ماجرا برای سیب زمینی بیش آمده است و البته نه آن شدت و میزان. تقاضای آن بنحوی بوده که خریداران عمده‌اش با درج آگهی در جراید و پرداخت حق الدرج نسبتاً زیادی اعلام خرید کردند و قیمت سیب زمینی هم در بازار به ۱۵۰ برابر قیمت واقعی رسید و اکنون این ترس وجود دارد که این جریان مقدمه ارزانی و فراوانی و بالتیجه



...سپاهیان دانش

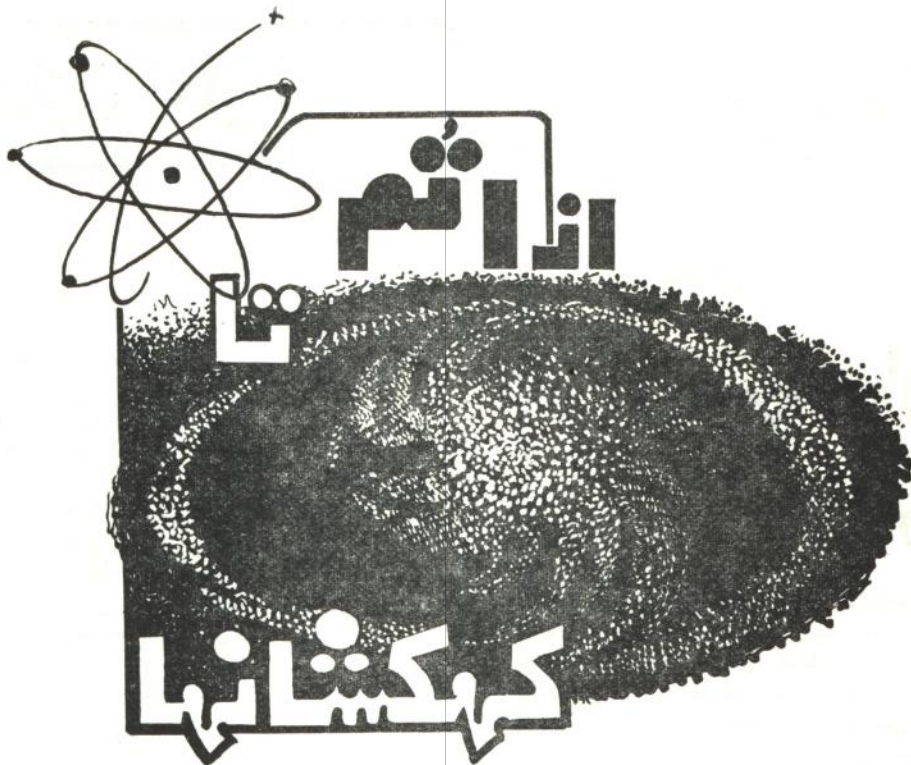
نیست، رفع مشکل برایش بشود و اگر تغذیه خوب ندارد، مواد اولیه بوسیله همین تعاونیهای مصرف در اختیارش گذاشته شود. خوشبختانه از طرف سازمان سپاه دانش در این خصوص مطالعات مفید و ثمربخشی بعمل آمده است. موضوع دیگری که ممکن است در ایام تابستان برای سپاهیان ایجاد مشکل کند، کارهای کشاورزی دانش آموزان روستائی است که اگر حس ابتکار و ذوق ایجاد سازندگیهای مفید اجتماعی برای سپاهی وجود داشته باشد، این قضیه خودبخود حل میشود زیرا سپاهی میتواند با پی ریزی برنامه های خاص فصلی از قبیل همکاری در ساختن و تعمیر پل، حمام، مسجد، راه، مدرسه، حفر قنات و لارویی آنها و یا راهنمای روستائیان در کارهای کشاورزی و فصلی نه تنها مقداری از اوقات بیکاری خود را پر کند بلکه از ایجاد طریق، نیازهای مورد لزوم روستای محل خدمت خود را برآورده سازد. یک سپاهی روشن بین و سازنده با صرف وقت و مطالعه کافی میتواند نبض جامعه کوچک روستائی خود را بدست گیرد و همچون طبیبی دریابد که از چه راه می تواند کمبودها را رفع کند و درصدد شفا و مداوا برآید و وقت خود را مصرف سازندگیهای مفید سازد. این خود مطلبی است که مستقیماً از ذوق و استعداد و قوه مدرکه و محرکه سپاهی سرچشمه میگردد. از این نظر سازمان سپاه دانش با همکاری وزارت خانه ها و سازمانهای دولتی ترتیبی داده اند تا در ایام تابستان سپاهیان دانش را در کارهای عمرانی، اجتماعی، بهداشتی و کشاورزی راهنمایی و ارشاد کنند تا از این راه وروال ضمن برداشتهای مفید و ثمربخشی، از وجود سپاهیان با روستاها و روستائیان بیش از پیش از برکت انقلاب برخوردار شوند.... که در این کامیابی، همت سپاهیان و ذوق و ابتکار، آنان را مدد خواهد کرد...

ضرر قطعی و حتمی کشاورزان و سیب زمینی کاران متکی به تقاضای امسال در سال آینده باشد.

یکی از مسائل بسیار مهم در امر کشاورزی بر رسی وضع بازار است و آشنائی به تقاضای کالا. بدین معنی که کشاورز باید بداند چه محصولی و به چه مقدار مورد تقاضا است. البته مشکل اساسی فعلاً اینست که به واسطه ایجاد راههای ارتباطی بین مراکز تولید و مصرف، کشاورزان نمی توانند از میزان واقعی مصرف آگاه شوند. لیکن حل موضوع نیز از طریق فعالیت بیشتر شرکتهای تعاونی که بتوانند درست کار کنند ساده است.

بدین ترتیب که شرکتهای تعاونی با تشکیل گروههای مطالعه و تحقیق که یکی از ارکان اصلی تعاونیها است، می توانند بازار مورد عرضه کالا را شناخته و میزان و نوع کالای کشاورزی را که مورد نیاز است بررسی و تعیین کنند و حتی با شناسائی بازار و روحیات و سلیقه خریداران در مرغوبیت و نوع کالا بسیار مؤثر واقع شوند، تا وضع ناگواری که برای پیاز پیش آمد بقیه در صفحه ۵۷





از : ناصر انتطاع

تا ناچیزی بی اندازه، از مسافات بید تا همبستگی کامل... همه و همه در این میدان وسیع یافته می شود و تازه هیچکدام از موارد گفته شده «مطلق» نیستند. یعنی روزی نمی گذرد که دانشمندان، کره ای بزرگتر از کره کشف شده ی قبلی پیدا نکنند و خورشیدی درخشان تر از خورشید کشف شده ی پیشین نیابند. بهر صورت اینک سیری کوتاه در این ملک بی انتها می کنیم و بهتر است قبل از همه، از زمین ناچیز! خود شروع کنیم.

سیاره ای که ما در آن زندگی می کنیم و در این غوغای عظیم فلکی «خانه محقر» ما محسوب می شود، در حدود ۴۵ میلیارد سال عمر دارد. قطر این کره ۱۲۷۵۴ کیلو متر است و سرعت حرکت آن در فضا معادل ۲۹٫۸ کیلومتر در ثانیه است. ضمناً وزن این کره نیز در حدود ۶ کاتریلیون تن است (یعنی یک عدد شش با ۱۸ عدد صفر در جلو آن!) موضوعی که مورد درخواست من از خوانندگان گرامی است این است که ارقام ذکر شده را به خاطر بسپارند زیرا در مقایسه هایی که بعداً در این مقاله پیش می آید تعمق و دقت در ارقام مذکور ضروری است.

پس از انتشار قسمت اول مقاله ی «از اتم تا کهکشانیها» پرسشهای زیادی همراه با لطف مخصوص خوانندگان به دفتر نشریه سپاه دانش رسید که ضمن سیاستگزاری فراوان از فرستندگان آنها، بدینوسیله با گاهی این علاقه مندان میرسد که در این شماره مطلب «از اتم تا کهکشانیها» پایان می پذیرد و نویسنده گرامی آن بما امیدواری داده اند که باز هم در زمینه علوم و پرسشهایی که در این باره از ایشان شده است مطالبی برای شما خوانندگان وفادار مرقوم بدارند.

بخش دوم : کهکشانیها

آنقدر بزرگ و عظیم و غول آسا هستند که عقل آدمی در مقابل عظمت آنها میوهوت و فلج می شود؟ آیا میدانید ستارگانی در فضای بی انتهای فلکی یافته می شوند که درجه حرارت سطح آنها تا بیش از بیست هزار درجه سانتیگراد می رسد؟ و بهعکس دسته ای دیگر آنقدر سرد هستند که آتسفر آنها نیز یخ زده است؟

بهطور خلاصه می توان گفت که آسمان بی کرانه جولانگاه رکوردها و حدنصابهاست یعنی از برودت کامل تا حرارت مطلق، از عظمت و حشمتناک

شبهای قشنگ تابستان، آنگاه که هوا صاف است و عاشقان و شاعران به آسمان می نگرند و در دریای خیال غوطه می خورند، اگر ما هم به سپهر قیرگون بنگریم، فضایی سراسر پوشیده از ستاره می بینیم. از افق شرق تا منتهی الیه غرب، از شمال تا جنوب، سراسر پهنه آسمان راستاره فرا گرفته است و همین ستارگان هستند که جهان هستی را ساخته اند. ولی آنها واقعا چه هستند، و آیا میدانید که بعضی از این ستارگانی که از زمانهای باستان تاکنون همواره الهام بخش شاعران و محرم راز عاشقان شیدا بوده اند،

بهر صورت این گوی مدور را قشری از هوا، آتسفر یا جواحاطه کرده است که پسان روکشی نسبتا ضخیم کره‌ی ما را در بر گرفته است. ارتفاع این قشر در حدود ۲۰۰ کیلو متر تخمین زده شده است که به دو طبقه تروپوسفر (منطقه ایجاد ابر، برف و باران) به کلفتی ۱۰ کیلومتر و استراتوسفر (منطقه سرد و بدون ابر و تغییرات جوی) به ضخامت ۱۶۰ کیلو متر تقسیم می شود. لازم به تذکر نیست که طبقه تروپوسفر مجاور سطح زمین و طبقه استراتوسفر بالای آن قرار گرفته است.

این کره را عاشقی هست به نام «ماه» که میلیاردها سال است بر گرد سرش می گردد. وزن ماه $\frac{1}{49}$ کره زمین است و در حدود ۳۸۴۴۱۵ کیلومتر از زمین فاصله دارد. بنا بر این اگر فرض کنیم یک موشک با سرعتی معادل ۲۸ هزار کیلو متر در ساعت از کره زمین حرکت کند و به خط مستقیم بطرف ماه برود در حدود ۱۴ ساعت طول می کشد تا به ماه برسد و یا اگر هواپیمایی با سرعت ساعتی ۱۰۰۰ کیلومتر اعازم این کره شود، ۳۸۵ ساعت (۱۶ روز و یکساعت) طول می کشد تا به ماه برسد و بالاخره اگر انسانی ساده راه بفتد (با فرض اینکه بتوان در آسمان ساده، کرد !!) و ساعت این انسان ۸ کیلومتر در ساعت باشد، مدت ۴ سال و یکصد و پنجاه روز و هفت ساعت طول می کشد تا آن مسافر با استقامت و در حاصله به کره ماه قدم گذارد.

حال کمی افق دید خود را وسیع تر می کنیم. کره زمین تابع و عضو چه خانواده‌ای است؟
— کره ما عضو خانواده ایست که منظومه شمسی نامیده می شود.

منظومه شمسی چیست؟

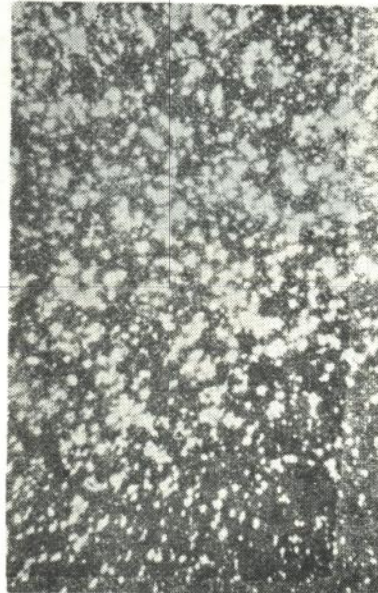
منظومه شمسی تشکیل شده است از تعدادی سیاره که هر یک در مدارهای معین و مشخصی بر گرد کره‌ای درخشان و بزرگ به نام «خورشید» می گردند.

تعداد این کرات تا آنجا که علم و اکتشاف نجومی تا به امروز بیان داشته است ۹ تاست و هر کدام از این ها فاصله‌ی معینی نسبت به — خورشید دارند که نزدیک تر از همه،

بسیار بسیار نیرومندی است که پس از طی فاصله‌ای در حدود ۱۵۰۰۰۰۰۰ کیلومتر و پس از گذشتن از جو زمین که پسان سهری محکم مقدار زیادی از شدت و نیروی آن را می گیرد، با قدرتی برابر ۱۸۱۰۰۰۰ اسب بخار در هر کیلو متر مربع به سطح زمین میرسد.

سن کره خورشید را ۵ میلیارد سال تخمین زده اند (متجاوز از ۵۰۰ میلیون سال پیش از سن کره زمین). قطر این کره ۱۴۰۰۰۰۰ کیلومتر است (۱۰۹ برابر قطر کره زمین) بنا بر این حجم آن ۳۲۴۳۳۲۳۱۰۰ برابر کره زمین است (یعنی بیش از یک میلیون و سیصد هزار کره زمین در شکم خورشید جای می گیرد) که البته از این حجم روز به روز کاسته می شود.

سرعت حرکت خورشید در فضای بی کره ۱۹۵ کیلومتر در ثانیه است (کره زمین ۱۰ کیلو متر در ثانیه سریعتر از خورشید حرکت می کند زیرا باید هم به دور خورشید بچرخد و هم او را در این مسیر همراهی کند). فاصله کره زمین از خورشید ۱۴۹۵۰۰۰۰ کیلو متر است. با توجه به این موضوع که زمین سومین کره نزدیک به خورشید در منظومه‌ی شمسی است که دارای این فاصله است و پلوتون درمداری به شعاع میلیاردها کیلومتر به دور خورشید می گردد، عظمت منظومه‌ی شمسی را درمی یابیم. انسان هنگامی که به طرز کار، ساختمان و گردش سیارات منظومه شمسی به دور خورشید می نگرد، شباهت تامی بین یک اتم و یک منظومه شمسی پیدا می کند منتها با مقیاسی بی نهایت بزرگتر، و همانطور که در مبحث اتم‌ها گفته شد، در منظومه شمسی نیز فضای بین کره خورشید و سیاراتی که آن را طواف می کنند خیلی زیاد است. برای اینکه عظمت این فضای خالی را درک کنیم، اصل منظومه شمسی را کوچک می کنیم و فرض می کنیم خورشید به اندازه توی با قطر ۷۵ سانتیمتر بشود. در چنین وضعی سایر سیارات منظومه شمسی نیز به همین نسبت کوچک خواهند شد و کره مریخ به اندازه یک نخود و کره زمین به اندازه‌ی یک فندق و عطارد و پلوتون به اندازه یک دانه‌ی ماش می شوند. با چنین مقیاسی فاصله‌ی زمین از خورشید ۷۹ متر و ←



عطارد (تیر) است و پس از آن، زهره (ونوس) و بعد به ترتیب زمین (ارض)، مریخ (مارس)، مشتری (بهرام)، زحل (کیوان)، اورانوس، نپتون و بالاخره پلوتون است که پلوتون دورترین آنهاست و کره‌های ذکر شده همراه با خورشید جمعا «منظومه شمسی» را ساخته اند.

خورشید را بهتر بشناسیم

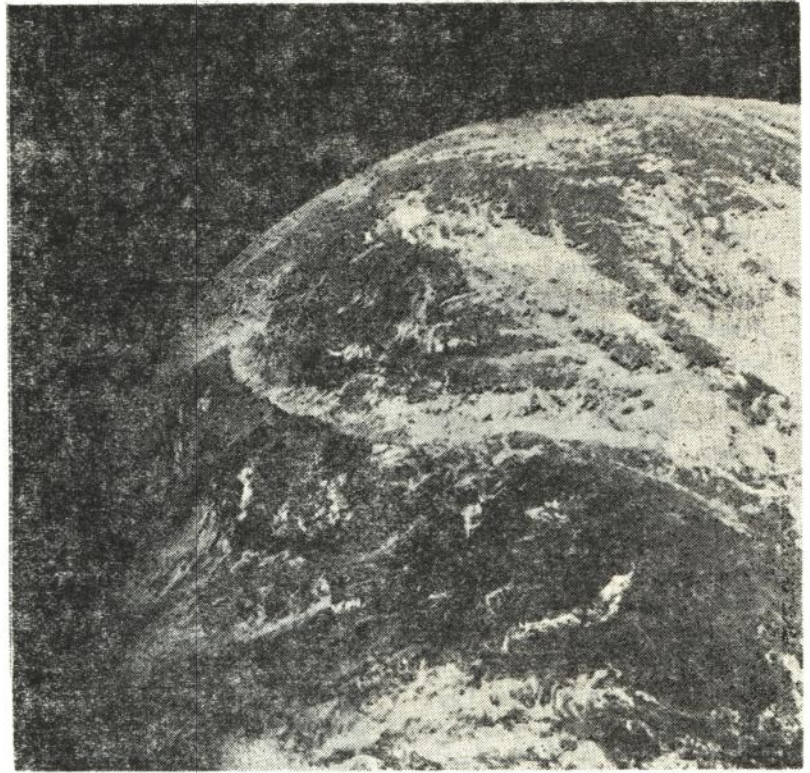
خورشید کوره‌ی اتمی بزرگ و عظیمی است که در آن پیوسته اتمهای هلیوم تبدیل به اتمهای هیدروژن می شوند (در مورد تجزیه اتمها در مبحث اتم صحبت شد) و نتیجه این تغییر و تبدیل، نور و روشنایی و انرژی

منتها جو زمین مثل صافی و سپری ضخیم و عظیم به مقدار وسیعی از شدت و خطر آن می‌کاهد و آنرا تصفیه می‌کند. ضمناً گرد و خاک و دود و بخار آب و ذرات موجود در هوا، خود سبب بی‌خطر شدن بیشتر این تشعشعات می‌شود. ولی در فضا هیچکدام اینها نیستند. این است که این تشعشعات با تمام خطراتش وجود دارند و هرمانی را که در سراهشان هست می‌سوزانند و از بین می‌برند. اگر فراموش نکرده باشید، هنگامی که سرنشینان آپولو ۱۲ در کره‌ماه پیاده شدند و دوربین تلویزیونی خود را نصب کردند، هنوز چند لحظه‌ای از پخش تصویر نگذشته بود که ارسال تصویر متوقف شد. علتش آن بود که نور خورشید، ذره بین فیلم و دستگاه دوربین تلویزیونی را سوزانده و ذوب کرده بود.

آخرین مسئله‌ای که در مورد منظومه شمسی باید گفته شود موضوع «سیارک‌ها» است و آنها عبارت از دو هزار سیاره بسیار کوچک هستند که در بین مدارهای کره مریخ و مشتری بامدار منظم و معین به دور خورشید می‌گردند. قطر بزرگترین آنها که «سرس» نام دارد ۶۹۰ کیلومتر و کوچکترینشان ۴ پاه کیلو متر است و شاید بعضی دیگر از یک پاره سنگ معمولی بزرگتر نباشند و دانشمندان عقیده دارند که این «سیارک‌ها» هنگام تکوین منظومه شمسی یعنی در زمانهای نخستین تجزیه خورشید و تشکیل سیارات ۹ گانه به گرد آن، به وجود آمده‌اند.

کهکشانشا

پس از منظومه شمسی، افق دید خود را وسیع‌تر می‌کنیم و به کهکشانشا می‌پردازیم. هر کهکشان از یکصد و پنجاه میلیون منظومه شمسی تشکیل شده است که شاید در بعضی از آنها موجوداتی متمدن تراز انسان زندگی کنند، چون نمی‌توان گفت در عالم بی‌کران هستی فقط یک سیاره (کره زمین) استثناء باشد. بهر صورت با توجه به این موضوع که فاصله‌ی هر منظومه شمسی از منظومه شمسی مجاور خود حدود پنج سال نوری است (یعنی با سرعت سیر نور که ۱۵۰۰۰۰ کیلو متر در ثانیه است،



عالم وجود را فرا گرفته، در فضا فشار هوا ابداً موجود نیست، جاذبه بهیچوجه احساس نمی‌شود و بالطبع بی‌وزنی کامل حکمفرماست. همچنین در فضا صدا مطلقاً وجود ندارد زیرا صدا در نتیجه ارتعاش و لرزش اتم‌های هوا تولید می‌شود ولی در فضا هوایی نیست تا با ارتعاش آن صدایی درک شود. یعنی اگر به فرض کسی در فاصله یک متری شما با نهایت قدرت فریاد بکشد، شما کوچکترین صدایی نمی‌شنوید. همچنین اگر در فضا بدون لباس فضایی بسر برید، آنا منفجر می‌شوید. زیرا همانطور که گفتیم فشار هوایی که در سطح زمین بدن ما را احاطه کرده است در فضا نیست و عدم این فشار موجب انفجار آبی جسم بشر می‌شود.

در فضا، نور خورشید کور کننده و سوزاننده است زیرا دانستیم که حرارت، نور و انرژی خورشید در اثر تجزیه اتم‌های هلیوم و هیدروژن به وجود می‌آید و در بحث اتم دانستیم که تجزیه اتم‌ها سبب رها شدن الکترونی‌های آن‌ها می‌شود و همین الکترونی‌های آزاد شده‌ی اتم‌های خورشید هستند که به شکل نور و حرارت به ما می‌رسند.

فاصله نپتون ۲۴۵۰ متر و بالاخره فاصله پلوتون در حدود ۳ کیلومتر می‌شود و این چنین فضای عظیمی بین منظومه شمسی خالی می‌ماند.

فضا چیست؟

دانستیم که بین کره خورشید و سیاراتش فضایی وسیع موجود است. این فضا نه تنها در منظومه شمسی وجود دارد بلکه در تمام پهنه آسمان دیده می‌شود. در حقیقت فضا مانند اقیانوسی عظیم است که ستارگان بی‌شماری در داخل آن غوطه می‌خورند.

مثلاً نزدیک‌ترین منظومه به منظومه شمسی ما در حدود پنج سال نوری فاصله دارد یعنی در فاصله‌ای به اوج عظمت (که تازه نزدیکترین مسافت فضایی محسوب می‌شود!) یک فضای خالی موجود است و همینطور هر یون کهکشانشا.

این فضا چیست و چه خصوصیتی دارد؟

فضا، خلا سیاهی است که سراسر



به

بهداشت روحی

توجه کنید

زنی باتلقین بخود، تمام حالات يك ناخوشی را در خویش مشاهده و پیدا کرده است و به محض این که پزشك وی را مطمئن ساخته که سالم و تندرست است تمام آن حالات و احساس از میان رفته است .

چندی قبل در جایی خواندم که در آلمان، دختری خیال کرده بود که حامله است . رفته رفته این احساس در وی شدید و شدیدتر شد تا جائیکه تمام حالات و عوارض حاملگی از جمله سفت شدن پستانها ، بند آمدن عادت ماهانه و حتی بزرگ شدن شکم را در خود

زهی بود زن فال ، کان سودتست که یه بود تو ، اصل یه بودتست مرنج از نزاری که فربه شوی چو گویی گزین به شوم ، به شوی اصل مسئله ، تلقین به روح و روان است . بدین معنی که اگر خود را علیل ، بیمار و ضعیف بدانید ، بدون شك بیمار می شوید و اصولا چه بیماری بدتر از این که جوهر روح و فکر ، بیمار باشد !

بسیار دیده شده است که تلقین منفی سبب ایجاد حالات بیمارگونه ای کاملاً جدی شده است . در عام طب شواهد زیادی وجود دارد که مرد یا

روحشان است. اینگونه اشخاص باید روح خود را معالجه کنند، اما نه با کمک دارو. زیرا در این صورت باز هم به آستان داروخانه و پیشگاه پزشکان روی آورده اند و همان راهی را رفته اند که نباید . برای اینکه آب زندگی و «اکسیر حیات» در بطن خود روح نهفته است ، نه در قرص و شربت و آمپول و غیره و بهبود و سلامت روح چیزی نیست که از خارج وارد بدن شود بلکه خود روح است که پزشك روح است . به قول نظامی ، شاعر نکته سنج ایران :

در معاشرتهای روزانه خود بسیار دیده اید کسانی را که پیوسته در حال نالیدن هستند . يك روز از سر درد، روز دیگر از دل درد، روز بعد از کمر درد و خلاصه هر روز از درد يك عضو خود می نالند. اینگونه اشخاص، نشانی و مشخصات تمام پزشكها ، بیمارستانها، نامهای اختصاصی و ترکیبهای مختلف انواع داروها و جای همهی داروخانه ها را می شناسند.

در حقیقت اینان که مشتری پروپا قرص پزشکان هستند، هیچگونه ناراحتی جسمی ندارند و آنچه که در آنها بیمار است

آنچه در اغلب ما
بیمار است ، فکر
و روح ما است ؛
نه تن ما ...



ازایمانی است که شما به پزشک تجویز کننده آن دارو دارید یا از اثربست که آن داروها در تحریک و تقویت روحی شما دارند و گرنه صحت و سلامتی واقعا در بطن آمپول و کپسول یافته نمی شود . ازاینرو درمان هر بیماری را از روح خود شروع کنید ، چون ایمان و عقیده از هر دارویی قویتر و در درمان هر ناراحتی مؤثر است .

اگر معده ناخوش و ناتوانی دارید ، هیچگاه راضی نشوید که فکر و خیال این بیماری شما را بکشد . بلکه با روحیه واراده‌ای توانا و نیرومند به خود تلقین کنید که این بیماری اصلا مهم نیست و صدها هزار نفر تاکنون همین ناراحتی را داشته‌اند و بهبود یافته‌اند و سال‌های متمادی با سلامت کامل از زیباییها ، شادبها و موفقیتهای زندگی بهره‌برده‌اند . مطمئن باشید که نیروی آن را دارید تا بهبود یابید و سلامت کامل را بدست آورید . این هافاسانه نیست ؛ نمونه های بسیاری در علم پزشکی دیده شده است که بیمارانی لاعلاج ، با تلقین روانی به سلامت کامل رسیده‌اند . در این باره در آینده بیشتر صحبت می‌کنیم .

چه مقدار از عمر عزیزخویش را در وحشت و اضطراب بیهوده گذرانیده‌اند ، چه قدر از انواع داروهای شیمیایی که مسلما نود درصد آنها دارای سمیت است و خطرات جدی برای دستگام های رئیس بدن در بر دارد ، مصرف کرده‌اند و صرفنظر از زیانهای قابل توجه مادی و تحمل ناراحتیها و التهابهای روانی، چگونه با دست خویش مقدار معتناهی مواد شیمیایی زیان‌آور وارد بدن خود کرده‌اند ؟

پروفسور «مولفورد» روان‌شناس معروف جهانی می‌گوید: «آب زندگی و داروی حیات بخش را از داروخانه‌ی روح خود بخواهید نه از قرص و شربت که انتظار دارید پزشکان برای شما درست کنند و آنها را در ردیف سایر داروهای داروخانه‌ی خود جای دهید . زیرا بهبود و سلامتی چیزی نیست که از خارج وارد بدن شما شود ، بلکه بهبود و سلامتی در نفس شماست و روح شما نیز حافظ و مدافع آن است.» حتی اگر واقعا بیماری جسمی نیز دارید ، می‌توانید آن را از راه تلقین روحی بهتر و سریعتر درمان کنید . چون اگر دارو های شیمیایی واقعا اثری باید داشته باشند

علم پزشکی هست ، خواستم اثر تلقین را بیان کرده باشم . کسانی که دچار تلقین های روحی هستند و هر روز خود را به نوعی بیماری صعب‌العلاج مبتلا به مرضی می‌دانند ، بهتر - صحت تقویت و سلامت «روح» خود باشند و کمی هم فکر کنند که آیا تاکنون چند نوع بیماری در خود سراغ کرده‌اند و آیا کدامش صحیح بوده است . یا آنها بیکه هر روز در عالم خیال یک عضو خود را مبتلا به مرضی می‌دانند ، بهتر است بنشینند و فکر کنند که تاکنون چند بار اشتباه کرده‌اند،

مشاهده کرد . ناچار به دکتر مراجعه و دکتر نیز با معاینه جسمی ، نظر او را تأیید می‌کند و چون دختر با مطرح کردن مسایلی ، سبب ایجاد شك و تردید در پزشك می‌شود ، دکتر او را برای معاینه های آزمایشگاهی می - فرستد . هنگامی که پاسخ آزمایش منفی اعلام می‌شود و به دختر ابلاغ می‌گردد ، بلافاصله تمام حالتها و عارضه هائی را که حس می‌کرد از بین می‌رود و به وضع طبیعی بازمی‌گردد ؛ با ذکر این مثال که دارای نظایر بسیار زیادی در

دکان نانوائی میس مارتا میچام در کنج خیابان واقع شده بود (دکانش سه پله داشت . وقتیکه آدم از پله ها بالا میرفت و در دکان را باز میکرد ، زنگی که روی درنصب کرده بودند بصدا درسی آمد) .
چهل سال از عمر شریف میس مارتا میگذشت . دو هزار دلار اندوخته در بانک داشت . از مال دنیا بغیر از اینها ، صاحب دو دندان عاریه و یک قلب رثوف هم بود .

یکی از مشتری هائی که بدکان نانوائی می آمد بالاخره توجه میس مارتا را بخود جلب کرد . مردی بود جا افتاده . عینک میزد و ریش خرمائی رنگ داشت . معلوم بود بریشش زیاد و ریورود . خیلی پالک بود . انگلیسی را با لهجه آلمانی صحبت میکرد ، لباس او مستعمل و بعضی جاهای آن هم در شرف پاره



آر: ۱- هنری

شدن بود ، وصله هم داشت . با وجود این ظاهر او مرتب و تمیز بود . خیلی هم با ادب بنظر می آمد .

همیشه دو گرده نان بیات میخرید . نان تازه ، دانهای پنج سنت ارزش داشت ولی نان بیات ، دو تا پنج سنت جزنان بیات چیز دیگر نمیخرید .

میس مارتا بدقت بسرو صورت این مشتری نگاه میکرد تا اینکه یکبار ، لکهای قرمز و قهوه‌ای روی انگشتان او مشاهده کرد . گمان کرد او نقاش بسیار فقیری است که بدون شک در دخمه‌ای زندگی و در آنجا نقاشی میکند ، نان بیات میخورد و بارها شیرینهای لذیذ میس مارتا را در نظر مجسم ساخته است .

اغلب اوقات ، هنگامیکه میس مارتا تنها نشسته ، چای مینوشید و از آن نانهای برشته لذیذ با مربا میخورد ، آهسی میکشید و آرزو میکرد کاش این نقاش مؤدب می آمد و بجای نان بیات ، از این غذای لذیذ میخورد . چنانچه قبلا هم اشاره شد ، قلب میس مارتا رثوف بود . برای اینکه در حدس خود راجع بشغل آن مرد اطمینان حاصل کند ، تابلوئی را که چندی پیش خریده بود آورد و در گوشه دکان نصب کرد .

تابلو ، منظره شهر ونیز را نشان میداد . در آن ، قصری مجلل از مرمر دیده میشد . در یکطرف تابلو ، چند زن در قایق نشسته و دستشان را توی آب دریا فرو برده ، با آن بازی میکردند . چند لکه لبر هم در آسمان جلب توجه میکرد . دو روز بعد مشتری آمد و دو عدد نان بیات خواست .

هنگامیکه میس مارتا مشغول پیچیدن نان در کاغذ بود ، مشتری گفت : «چه تابلوی زیبایی دارید» . میس مارتا در درون ، بعقل و هوش خود آفرین گفته اظهار داشت : «من نقاشی را خیلی دوست دارم» (نه ، حالا زود است . نباید بگویم نقاشی ها را دوست دارم) «آیا بعقیده شما تابلو چطور است؟» .
- «قصر را خوب نکشیده‌اند . دورنمای آن درست نیست . مرحمت زیاد»

مرد ، نان را برداشته ، سر را بعلامت خداحافظی تکان داد و رفت .
میس مارتا با خود گفت : «آری او نقاشی است» . آنوقت تابلو را برداشته دوباره در اطاق خود نصب کرد .
میس مارتا می اندیشید که راستی چه چشمان مهربانی دارد و چه ابروان پهنی . با اینکه نان بیات میخورد با یک

نگاه نقص تابلو را فهمید . آری اشخاص فوق العاده باید مرارت بکشند تا مردم روزی پی به استعداد و شخصیت آنها ببرند .
دو هزار دلار در بانک ، یک دکان نانوائی و یک قلب رثوف... برای پیشرفت نقاش و نقاشی نباید بد باشد . نه ، بسیار مفید است ...

اما چرا فقط نان بیات میخورد و از آن نانهای مختلف و شیرینی ها هیچکدام را نمیخواهد ؟
بنظرش آمد که او لاغرتر و نا امیدتر شده است . میل داشت تکه لذیذی به نان بیات او اضافه کند ، ولی جرأت نمیکرد . نمیخواست او را برنجاند . از غرور نقاشان با خبر بود .

بلوز ابریشمی خال خال آبی را در دکان مپوشید و برای حفظ زیبایی ، بهداشت و بوره را دم میکرد و مینوشید . یک روز همان مشتری بعادت معمول داخل دکان شد ، سکه پنج سنتی را جلو میس مارتا گذارد و نان بیات خواست . میس مارتا دست دراز کرد تا نان را برداشته باو بدهد . ناگهان صدای ماشین آتش نشانی شنیده شد . مشتری برای تماشا بطرف در رفت .
فکری بسر میس مارتا آمد ، در انجام آن تأمل نکرد .

ده دقیقه پیش ، شیر فروش نیم کیلو کره تازه برای او آورده بود . میس مارتا با کارد شکم نانها را پاره کرد و توی هر کدام مقداری زیادی کره گذاشته و آنها را فشرده .
موقعی که مشتری برگشت ، میس مارتا نانها را در کاغذ می پیچید .
بقیه در صفحه ۸۰



سرگرمی

و

مسابقه

بازی : بردن آب با لیوان

نام بازی : بردن آب با لیوان .

هدف : ایجاد سرعت ، دقت ، رقابت سالم .

وسایل : چهار عدد لیوان یا استکان و امثال آن که بیک اندازه باشند .

تعداد نفرات : کلیه افراد حاضر .

محل بازی : میدان و فضای آزاد .

شرح بازی : کلیه افراد را بدو قسمت مساوی تقسیم کرده و هر دسته پشت سر هم بستون می‌ایستند. جلونفرات اولخط میکشیم

تا پا را فراتر نگذارند و فاصله ۵ یا ۱۰ متر جلوتر هم محلی تعیین میکنیم و یا خطی میکشیم تا افراد بدانجا رفته و مراجعت کنند . سپس بدست هریک از نفرات اول هرستون يك لیوان پراز آب میدهم و بنفرات دوم هر دسته يك لیوان یا ظرف خالی . بافرمان سوت ، نفرات اول موظفند که لیوان پراز آب را تا فاصله معین شده برده و مراجعت کنند و آب لیوان را توی لیوان نفر دوم ریخته و لیوان خالی را بدست نفر بعدی بدهند و خود در آخرصف قرار گیرند . نفرات دوم هم بترتیب لیوان آب را تا فاصله تعیین شده برده و باز میگرددند و مانند نفرات قبلی عمل میکنند . بهمین ترتیب تا آخرین نفر . پس از تمام بازی ، هر دسته که زودتر و مرتبتر کار خودش را تمام کرده باشد و آب بیشتری در لیوان داشته باشد ، برنده بازی است و بقیه بافتخار آنها دست میزنند .

در این بازی باید بموارد زیر امتیاز داده شود :

۱- سرعت .

۲- صحت (آب بیشتر)

۳- نظم و ترتیب

تذکر : افرادرا میتوان به دسته‌های بیشتری نیز تقسیم کرد .

معما

سپاهیان و خوانندگان گرامی ، چیستان این شماره ما به شرح زیر است :

چیست آن لعبت پسندیده

جامه‌ی سرخ و سبز پوشیده

در میان دو قاشق چوبین

بانودند ناز و غمزه خوابیده

اگر معنی آن را یافتید پاسخ را به آدرس : « تهران ، خیابان سپه ، خیابان استخر ، سازمان سپاه دانش ، اداره روابط عمومی » تا چهل روز پس از تاریخ انتشار این شماره بفرستید .

به سه نفر از کسانی که پاسخ صحیح داده باشند به هریک يك جلد کتاب جایزه داده خواهد شد .



جدول - طرح از : محمدحسین نصرتی

آیا میتوانید ؟

آیا میتوانید این مصراع را بخوانید :
رحب رحب رحب رحب ورف ورف
اگر نتوانستید ، پاسخ درست را در صفحه ۸۷ پیدا کنید .

نقاشی دوسر

اینهم يك طرح و نقاشی دیگر برای سرگرمی و ذوق آزمائی ...

افقی :

- ۱ - وطن - رشیدتر ۲ - استانی زر خیزا در ایران
- ۳ - اشاره بدور - کمک و مساعدت - عضوی از اعضای رئیس بدن ۴ - زود نیست - در بیابان زیاد است - از هر دو طرف حشره‌ایست مودی ۵ - از آن سوی نوعی بازی با ورق است - مارکی برپارچه ۶ - در قدیم چشم یار را زیباتر میکرد - پنجمین ۷ - بی‌همتا - نویسنده ۸ - صدویازده - سگ انگلیسی - عشوه ۹ - اگر بیاید همه را شامل میشود - هنوز بر سر سلطان زائیش در جهان مشاجره ادامه دارد - ماده نیست ۱۰ - نام دخترخانم خارجی ۱۱ - همدرامی خندانند سنگین .

عمودی :

- ۱ - از جان عزیزتر است - کلام همیشگی درویش
- ۲ - کاری جز نیکی نمیکند ۳ - حتماً در بیخچال هست - ده - هم کجکل است و هم جزئیست ۴ - جواب‌های است - اگر آخرش حرفی می‌آمد مرهم زخم میشد - هم دست دارد هم پا ۵ - در مانده - نگهدارنده چادر ۶ - بهشتی در اروپا - نوعی غذاست ۷ - رودخانه‌ای در ایران - مارکی بر ساعت ۸ - همدم برهنه است - کیف دستی - خیلی کوچک ۹ - سنگریزه - غلام ایرانی حضرت علی - از آلات موسیقی ۱۰ - یکی از کشورهای همسایه ۱۱ - قانون جنگیزی - کوچک نیست .

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	●					●					●
۲		●								●	
۳			●						●		
۴				●				●			
۵					●		●				
۶	●					●					●
۷				●			●				
۸					●					●	
۹			●								●
۱۰					●						●
۱۱	●					●					●

سپاهیان دانش در خدمت روستاها

لطفا ورق بزنید



هنکاري اهالي روستاي تازه بازار
پسيخان (رشت) براي شن ريزي
جانه



سپاهي دانش روستاي اسمعيل آباد
(جام) سبزيكاري را عملا به پيش-
آهنگان ياد ميدهد



كلاس درس در فضاي آزاد در
روستاي آقباش آذربايجان شرقي



كلاس خياطي در روستاي بخش
چابكسر (شهرستان رودسر)

سپاهیان دانش ...



سپاهیان دانش در یکی از سمینارها

همدان

واکسیناسیون دامها با همکاری سپاهی ترویج و آبادانی و مسکن - تشکیل جلسه سخنرانی جهت حفظ بهداشت محیط و منازل روستائیان - تشکیل کمیته جشن فرخنده ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی . اقدام به حفز قنات ولارویی جوی آب آشامیدنی - تعمیر ساختمان دبستان و شن‌ریزی محوطه آموزشگاه . تعمیر لوله آب آشامیدنی . شن‌ریزی معابر عمومی و قسمتی از جاده فرعی روستا . درختکاری در محوطه آموزشگاه .

● سپاهی دانش الیاس جهانخالی سپاهی دوره ۱۶ مامور خدمت در روستای قلی لاله سفلی :

● لوله‌کشی آب آشامیدنی که هم‌اکنون مورد بهره‌برداری میباشد. تشکیل کمیته جشن فرخنده ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و تعیین اعضای کمیته جشن . مرمت جاده فرعی روستا بطول ۴ کیلومتر - نصب شیشه جهت درب و پنجره‌های دبستان - تشکیل جلسه سخنرانی در مورد بهداشت سطح روستا و منازل روستائیان .

● سپاهی دانش ابوالفضل یزدی نژاد مأمور خدمت در روستای خیرآباد. تشکیل کمیته جشن فرخنده ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و تعیین اعضای کمیته - بازدید از منازل روستائیان از نظر بهداشت و نظیف محل سکونت - بام اندود پشت بام آموزشگاه.

● گروهیان سوم ایرج امیر خسروی مأمور خدمت در روستای موری. تشویق روستائیان به همکاری در امور اجتماعی و رفع اختلافات محلی - مرمت جاده فرعی روستا با ماشین اداره آبادانی و مسکن - تقاضای مهندس جهت اقدام به لوله‌کشی آب آشامیدنی - شن‌ریزی محوطه آموزشگاه .

● گروهیان یکم توحید آرش و گروهیان سوم توحید ایمانپور مأمورین خدمت در روستای گشانی:

ت تهیه مقدمات جهت لوله‌کشی آب آشامیدنی با نظارت اعضای انجمن روستا - شن‌ریزی جاده فرعی بطول ۱۲ کیلومتر با همکاری

● سپاهیان دانش نسرین پوینده - کبری شیخ - بتول فراهانی، شاغل خدمت در روستای قاسم آباد:

تعمیر دبستان - همکاری در تشکیل انجمن ده - تشکیل کلاس بزرگسالان - شن‌ریزی سه کیلومتر جاده - تهیه وسائل کمک آموزشی - تشکیل کتابخانه دبستان - تشکیل غرفه نمایشگاه کارهای دستی روستا زادگان - احداث زمین ورزش .

ملایر

● سپاهی دانش میر حسن خسرو شاهی مامور خدمت در روستای سنگ سفید .

ت تشکیل انجمن ده - احداث ساختمان یک دبستان ۲ کلاسه - تعمیر مسجد - احداث ۱۴ کیلومتر راه فرعی - تشکیل کلاس بزرگسالان .

تویسرکان

● خلاصه فعالیت‌های سپاهیان دانش دختر و پسر آموزش و پرورش شهرستان تویسرکان :

خانم‌ها بجهت نعمتی و فاطمه قنبری مأمور خدمت در روستای گل‌آباد : بازدید از منازل روستائیان و طرز بهتر زیستن و نشان دادن اصول زندگی بهتر به خانم‌های روستائی - نظافت منازل و معابر عمومی - آشنا نمودن زنان روستا با امور خیاطی و گلدازی و سایر کارهای دیگر که مورد نیاز آنهاست . ساختن یک باب رختشوی‌خانه . مرمت و شن‌ریزی ۵ کیلومتر جاده فرعی روستا با همکاری روستائیان و اداره آبادانی و مسکن . بهداشتی نمودن آب آشامیدنی . بهداشتی نمودن چند باب تواله در روستا . بهداشتی نمودن حمام .

● سپاهیان دانش محمد صادق وفا دوست . مسعود باتمانقلیچی . محمد رضا یحیی زاده . محمد کاظم و حیدرزاده ، سپاهیان دوره ۱۵ مأمورین خدمت در روستای باباپیرعلی : تشویق دامداران جهت

در خدمت روستاها ...

تشکیل کتابخانه در روستای سرچشمه با کمک اهالی .

تشکیل غرفه هنری توسط سپاهیان دانش دختر .

ایجاد یک مزرعه نمونه در روستای امین آباد .

تشکیل کلاسهای تعلیمات پیشاهنگی فرشتگان توسط سپاهیان دانش .

تشکیل تیمهای ورزشی بزرگسالان در روستای دولت آباد و

منارویه .

احداث یک میدان ورزشی بساحت ۶۰۰۰ متر مربع .

ایجاد زمین والیبال در روستاهای موک - دهبالا - حنیفتان .

داراب

در فروردینماه ۵۰ اقدامات در مدارس روستائی شهرستان داراب صورت گرفته است .

تعمیر دبستان سیاه دانش قریه زینآباد با کمک اهالی .

تعمیر کامل دبستان سیاه دانش قریه آب شیب با کمک اهالی .

شروع ساختمان حسینیه روستای هیربدان با کمک اهالی .

تعمیر و تسطیح جادههای فراء دهنو و دره شور .

تشکیل جلسات سخنرانی بهداشتی .

واکسیناسیون اهالی علیه بیماریهای واگیر با مراقبت اداره

طب پیشگیری .

ایجاد مزارع نمونه در روستاهای آشبیب - مربوبه - خیرآباد -

برسکان - زینآباد .

طوائف

سپاهی دانش عزیزه آشوری مامور خدمت در روستای ترک محله :

تشکیل کلاسهای بزرگسالان - تشکیل کلاسهای خیاطی و بافنی -

تهیه مقدمات دبستان - راهنمایی بهداشتی روستائیان .

آستارا

سپاهیان دانش زهرا حمیدی زارع و صغری لطفی مامور خدمت

در روستای عنبران محله :

سرکشی پنازل و راهنمایی زنان در مورد بهداشت و تنظیم

خانواده - ارزشیابی پایان تحصیلی دانش آموزان - همکاری

←

روستائیان سهقریه وآبادانی ومسکن - تعمیر دبستان بطورکلی -

تهیه برنامه ساختمان حمام . تشویق روستائیان در مورد بهداشت

روستا و معابر عمومی .

شاهی

سپاهیان دانش شهناز نوری و تاروردی حسنپور مامور خدمت

در روستای ملرد .

تشکیل کلاس سالمندان - تعمیر دبستان - تهیه وسائل آموزشی -

تهیه مقدمات ساختمان حمام دوش - تشکیل جوخه پیشاهنگی .

پابل

سپاهی دانش منوچهر شریفی شاغل خدمت در روستای گاوزن و سماگوش

محله .

تدریس ۵۵ نفر نوآموز - تدریس ۴۰ نفر بزرگسال - احداث

دبستان ۶ کلاسه در دو هزار متر زمین - تبدیل حمام خزینه بدوش -

احداث حمام دوش - احداث مسجد - سنگ فرش معابر و سایر

اقدامات مفید در سطح روستا .

سپاهی دانش محمد رضا توکلی مامور خدمت در روستای سماری محله :

احداث دبستان - تهیه لوازم مدرسه - احداث پل - تهیه تلمبه

آب - شن ریزی جاده فرعی - تشکیل گروه شیروخورهید سرخ .

گنبد کاوس

سپاهی دانش زهرا پور مهدی راسخ لاهیجی شاغل خدمت در روستای

توئینی .

تشکیل کلاس بزرگسالان - تشکیل جوخه پیشاهنگی - تشکیل

کتابخانه کودک - تشکیل کلاسهای خیاطی - بافندگی و طبخ

و بهداشت - تشکیل شرکت تعاونی دانش آموزان - تکمیل

ساختمان دبستان .

فیروز آباد (فارس)

در مدارس روستائی حوزه شهرستان فیروز آباد این فعالیتها

صورت گرفته است :

تهیه وسائل کمک آموزش بوسیله دانش آموزان - تهیه کاردستی

و نقاشی توسط شاگردان - تشکیل انجمن خانه و مدرسه در

روستاهای ده بالا - علیآباد - بیان - دویه - نجف آباد .



تعلیم اصول آتش -
نشانی در اردوی
نژاد خدمتگزاران
بشر در رامسر

سپاهیان دانش...

با مأمورین بهداشت و دعوت اهالی برای دیدن فیلمهای آموزشی و بهداشتی - دعوت اهالی بمنظور واکناری زمین جهت احداث دبستان.

دامغان

سپاهیان دانش پروین مسعودی و آذر آهنچی شاغل خدمت در روستای فیروز آباد :

احداث دبستان ۵ کلاسه - تشکیل کتابخانه - شنریزی جاده - مرمت حمام و مسجد قریه - تشکیل کلاسهای خیاطی و آشپزی - تشکیل کلاس سالمندان - نصب صندوق پستی .
برازجان

سپاهیان دانش خرمائی - حسینی - حیدری شاغل خدمت در روستای فاریاب .

تعمیر دبستان - نظافت معابر - افزایش عده دانش آموزان .
سپاهی دانش محمد رضا خلیق شاغل خدمت در روستای رهرودعلیا :

تهیه مقدمات ساختمان جدید محل دبستان .

سپاهی دانش کیومرث حیات شاغل خدمت در روستای تنگ زرد :
شروع ساختمان محل جدید دبستان . بهداشتی کردن محیط منازل و کوچهها - پلاک کوبی خانهها .

فرمانداری گل کهکیلویه و بویر احمدی

سپاهی دانش صفرعلی حبوله شاغل خدمت در روستای زرگه بخش ثلاث :

مدرسه و غیره .
سپاهی دانش اصغر بهرامی شاغل خدمت در روستای تخت شیر .

تعمیر ساختمان دبستان - احداث ۳ کیلو متر جاده - راهنمائی اهالی در امور کشاورزی و بهداشتی - همکاری با مأموران دولت در سطح ده .

سپاهی دانش عبدالرحیم تری شاغل خدمت در روستای دهنوشاهقلی احداث ساختمان دبستان - تجدید بنای ساختمان حمام - ساختمان مسجد و غسلخانه - تشکیل رسد پیشاهنگی .

سپاهی دانش باقر احمدی شاغل خدمت در روستای عربان .
تعمیر ساختمان دبستان - احداث زمین ورزش - مرمت حمام و غسلخانه - تشکیل کلاس بزرگسالان - مرمت و شن ریزی چهار کیلو متر جاده .

سپاهی دانش فرخنده معزی مأمور خدمت در روستای قلعه حاتم .
تعمیر دبستان و ایجاد یک اطاق اضافی - خشکانیدن باتلاقها - مرمت ۲ کیلو متر جاده - تهیه وسائل کمک آموزشی .

سپاهی دانش حیدر کیانیور مأمور خدمت در روستای زین آباد .
تعمیر و تسطیح ۹ کیلو متر جاده احداث یک دهانه پل - تعمیر حمام - همکاری با مأموران دولت وریشه کنی مالاریا در مبارزه با مالاریا و خشکاندن باتلاقها .

شهری

فالیتهای انجام شده در روستاهای ری شرح زیر است :
شروع یکباب آموزشگاه در روستای احمدآباد مستوفی - شروع



عضای شورای دآوری و چندتن از شاگردان دبستان رضا پهلوی خجیر (شیران)

یکباب دوره راهنمائی دختران در روستای یافت آباد - احداث یکباب دبستان در روستای ده عباس - تعمیر دبستان و احداث دو اطاق در دبستان خانلق - تعمیر دبستان و احداث ۱ اطاق در دبستان قلمنو حاج موسی - تعمیر کلی دبستان سعید آباد - اسفالت جاده گلدمه - اسفالت جاده یافت آباد - شنریزی جاده ده عباس در حدود ۱ کیلومتر - تکمیل دبستان حسن آباد - تعمیر دبستان عباس آباد موقوفه - تعمیر دبستان احمدآباد مستوفی - تعمیر و تکمیل دبستان علی آباد قیصره .
اراک

سپاهی دانش همت بدخشان مأمور خدمت در روستای قنات ناصری .
تعمیر دبستان - تعمیر مسجد - احداث زمینهای ورزشی - تشکیل رسد پیشاهنگی

بنای دبستان پنج کلاسه - احداث ۹ کیلو متر جاده با کمک اهالی - ایجاد محیط صمیمیت در دبستان و بین روستائیان .
خرم آباد

سپاهی دانش بهرام فروزنده شهرکی شاغل خدمت در روستای محله جوب .
تعمیر کامل دبستان - تشکیل کلاس سالمندان - تشکیل رسد پیشاهنگی - تشکیل انجمن خانه و مدرسه - مرمت و شن ریزی دو کیلو متر جاده - نصب صندوق پست - ایجاد مزرعه نمونف - لارویی قنات - احداث پل .

سپاهی دانش رمضانعلی شاه مرادی شاغل خدمت در روستای منیسه علیا :
تعمیر کلی دبستان - تشکیل کلاس سالمندان - احداث ۱ کیلو متر جاده فرعی - تشکیل رسد پیشاهنگی - تشکیل انجمن خانه و

... در خدمت روستاها

قروین

سپاهی دانش احمد عباس زاده مامور خدمت در روستای شیخیر بخش طارم سفلی .

تعمیر و مرمت اساسی دبستان - تعریض ۶ کیلومتر جاده صعب العبور - مرمت حمام ده - بهداشتی کردن اماکن عمومی .

سپاهی دانش سید محمد جوادی یزدی مامور خدمت در روستای خرم پسته .

لارویی قنات - تعمیر اساسی دبستان - پالاک کوبی منازل و معابر - حفریک حلقه چاه آب آشامیدنی - احداث یک دهنه پل -

تشکیل کلاس بزرگسالان .

گرمسار

سپاهیان دانش علی محمد سیف و مجید سیف .

احداث یکباب دبستان - احداث و تکمیل خانه چشمه نادری بهجت آباد - مراقبت در بهداشت قره و مخصوصا بهداشت

آب مشروب اهالی .

میانه

سپاهی دانش رضا علی صفائی مامور خدمت در روستای سونج سفلی .

سپاهی دانش امیر حسن شفق مامور خدمت در روستای سونج سفلی .

تعمیر مسجد و حمام - تشکیل جلسات سخنرانی در موردنوسازی روستا - احداث آبگیر جهت جلوگیری از سیل - افتتاح حمام

روستا - تهیه صورت اسامی اهالی خسارت دیده از سیل بنا به تقاضای مامورین اصلاحات ارضی .

ارسباران

سپاهی دانش داود پور شهرانی مامور خدمت در روستای قورشاقلو .

آقای محمد قراچورلو رئیس دبستان دانش خرواق .

احداث دبستان ۶ کلاسه و تکمیل ساختمان - احداث راه فرعی بطول ۳۷ کیلومتر - احداث حمام چهار دوشه بهداشتی -

تاسیس شرکت تعاونی و ایجاد فروشگاه نفت - تأمین آب - لوله کشی روستا با خود داری اهالی .

سپاهی دانش اسماعیل اسماعیلی باغی مامور خدمت در روستای نقاره کوب

تعمیر دبستان - تهیه و نصب پرچم - دیوار کشی دبستان - لارویی چشمه آب آشامیدنی - نصب تابلو اشناب در جاده اصلی

تشکیل کلاسهای روزانه - احداث توالتهای بهداشتی .

سراب

سپاهی دانش خسرو فکری مامور خدمت در روستای ناراب مرمت جاده روستای ناراب - تفهیم فوائد رعایت بهداشت -

راهنمایی بمنظور پیشرفت امور آموزشی .

سپاهیان دانش حسن بارشروش و غلامحسین جهانگیری .

تهیه زمین بمساحت ۴۰۰ متر مربع جهت احداث ساختمان مسجد رسیدگی به نظافت معابر عمومی .

سپاهی دانش محمد عامری مامور خدمت در روستای شیخ طبق تعمیر دبستان - همکاری در مورد جمع آوری ۲٪ عمرانی -

تذکر راجع به جمع آوری زباله .

سپاهیان دانش جعفر معدنی - علی اکبر قاضی زاده مامورین

خدمت در روستای النجارق

تعمیر دیوار دبستان و ایجاد باغچه وسیع جلوی دبستان -



فعالیت پیش آهنگان روستای خجیر - لوسان بزرگ - (شمیران) باراهنمایی دوشیزه سپاهی دانش

انتشار روزنامه دیواری تحت عنوان (سپاهی در خدمت اهالی) تهیه ویرتین برای نصب روزنامه دیواری در میدان بزرگ ده .

سپاهی دانش حمید عدومی و محسن نوری مامور خدمت در روستای صومعه کبودین

بهداشتی کردن کوچهها و معابر عمومی - تنظیم برنامه بهداشتی کردن چشمه بمساحت ۵۰۰ متر .

سپاهی دانش مصطفی کساکار مامور خدمت در روستای قمقان شن ریزی قسمتی از کوچههای ده - راهنمایی روستائیان در مورد



تعمیر ساختمان دبستان - مرمت جاده فرعی بطول ۳ کیلومتر - تعمیر میز و صندلی و نیمکت دبستان - تعمیر دبستان و درب و پنجره - احداث ۱۰ باب توالت بهداشتی .

سپاهی دانش روح الله علیائی نژاد مامور خدمت در روستای پیره یوسفیان علیا .

احداث یکباب دبستان - احداث مسجد - بهداشتی نمودن چشمه آب آشامیدنی - تشکیل کلاسهای روزانه - تشکیل کلاسهای

شیانه - راهنمایی در مورد پاکیزه نگهداشتن معابر و احداث توالتهای بهداشتی .

سپاهیان دانش

جلب همکاری و معاونت بیشتر اولیاء اطفال بمنظور پیشرفت امور آموزشی و بهداشتی.

سپاهیان دانش محمد آقائی راد - علیرضا دهبخانی - رحمن - احمدی - پرویز احمدی مامورین خدمت در روستای قرآنیه تشکیل کلاسهای خردسالان دختر و پسر - تعمیر کلی ساختمان مدرسه - ایجاد مزرعه نمونه سبزیکاری - شن ریزی معابر عمومی تعمیر حمام - تهیه مقدمات احداث حمام ۴ دوش - پلاک کوبی و آمارگیری روستای قلعه مراغوش.

کشاورزی و دامداری و مرغداری - مرمت ۴ کیلومتر راه فرعی - نصب صندوق پست - تشکیل واحد پیشاهنگی و گروه شیرچکان.

سپاهی دانش پرویز کمالی قمقانی مامور خدمت در روستای داشبلاغ تشکیل واحد پیشاهنگی - ایجاد باغچه‌های نمونه در مقابل دبستان - تعمیر بام مدرسه - تور کشیدن پنجره‌های مدرسه - رسیدگی به امور بهداشتی شخصی.

سپاهی دانش علی قبادی مامور خدمت در روستای ماهی آباد تعمیر اساسی دبستان - شن ریزی محوطه دبستان - ایجاد ۳ بان



درختکاری پیش‌آهنگان در مزارع روستای افجه (لوسان بزرگ)

سپاهیان دانش - محمد یاقر باقریان فر - جشدید شکاری - صمد برنجکار ماموران خدمت در روستای مافی‌المک

تشکیل کلاسهای خردسالان - تشکیل کلاس بزرگسالان - ایجاد مزارع سبزیکاری - مرمت و تسطیح جاده فرعی روستا - پلاک کوبی منازل و تهیه تابلوی نامگذاری کوچه‌ها - اتمام ساختمان بهداری روستا .

سپاهی دانش لطیفه غیاث‌بیگی مامور خدمت در روستای کوزه‌کنان تشکیل کلاسهای کارآموزی خیاطی - طبخی - خانه‌داری و تنظیم خانواده و بهداشت - تشکیل کلاسهای بزرگسالان و خردسالان - راهنماییهای بهداشتی به روستائیان .

مسجد سلیمان

سپاهیان دانش مروارید خراجی - گوکب ورمجمودی - خدیجه نبی‌الله حمول ماموران خدمت در روستای باغ چشم‌دلی :

تعمیر آمار کلی از مردم روستا - بازدید از ۳۵ خانوار جهت آشنائی و راهنماییهای لازم - تنظیم کوچه و معابر ده - بهداشتی نبودن دو حلقه چاه - تشکیل کلاس خیاطی و آشپزی - رفع اختلافات محلی - معرفی بیماران ده به بیمارستان شیرخورشید سرخ و بستری نمودن آنها - همکاری با مامورین بهداشت شرکت نفت - راهنمایی باغ‌داران جهت استفاده از کودهای شیمیائی .

سپاهی دانش محمد سعید جوادی منقحی مامور خدمت در روستای امامزاده بابا احمد .

ساختن سیزده دستگاه توالیت بهداشتی - راهنمایی مردم و اقدام در مورد کاشتن نهال و اصله درختان میوه - تشکیل انجمن ده - تنظیم کوچه‌ها و معابر عمومی و بهداشتی نمودن حمام - تشکیل

اطاق در دبستان - بهداشتی کردن کوچه‌ها و معابر عمومی - تنظیم برنامه بهداشتی کردن چشمه.

سپاهی دانش مسعود کاشانی مامور خدمت در روستای بیگ‌بلاغی ایجاد واحد پیشاهنگی - راهنمایی در مورد بهداشت - نظافت تمام کوچه‌ها و معابر عمومی .

میانہ

سپاهی دانش حسن گلیمی مامور خدمت در روستای چرکنلو جمع آوری اهالی جهت تزریق واکسن وبا - همکاری در مورد لوله کشی آب - مرمت جاده‌ها - خخلال - راهنماییهای بهداشتی - همکاری با ماموران .

سپاهی دانش احمد حجازی مامور خدمت در روستای مهماندوست راهنماییهای بهداشتی - تشکیل کلاسهای روزانه و شبانه.

سپاهی دانش ابوالفضل راغب مامور خدمت در روستای کلوجه‌غمی تشکیل کلاسهای تقویتی - سخنرانی در مورد ثمرات انقلاب سفید و خدمات رضا شاه کبیر - تعلیم برنامه پیشاهنگی.

سپاهی دانش فریدون مشعشی مامور خدمت در روستای برفیق مددخان .

سخنرانی درباره انقلاب سفید شاه و مردم - راهنمایی روستائیان در مورد بهداشت - تعمیر دیوارهای مسجد - اتمام عملیات ساختمان مسجد - نظافت کوچه‌های ده و برداشتن زباله - راهنمایی دانش آموزان کلاسهای ۵ و ۶ جهت امتحان.

آقای جعفر زمانی وند مدیر دبستان روستای دولت‌آباد لوله‌کشی روستا - کاشتن ۵۰۰ اصله درخت در محوطه دبستان - مرمت کلی دبستان - تنظیم معابر عمومی - ایجاد زمین ورزشی -

... در خدمت روستاها

- سیاهی دانش عبدالکریم نجات مامور خدمت در روستای زاغ • تشکیل رسد پیشاهنگی و تعمیر دبستان •
- سیاهی دانش جهانبخش اقبال مامور خدمت در روستای کلاکلی • اقدام به لوله کشی آب آشامیدنی و تعمیر دبستان
- سیاهی دانش محمدباقر تقوایی مامور خدمت در روستای دوزه • تهیه زمین برای ساختمان حمام - تشکیل کلاس بزرگسالان •
- سیاهی دانش غلامرضا نیک‌روان مامور خدمت در روستای کندبجان، ساختمان یکباب دبستان ۳۰ اطاقه - تعمیر دبستان •

رسد پیشاهنگی و تعلیم کارهای لازم به پیشاهنگان .

چهرم

- سیاهی دانش محمد نقی محمودی مامور خدمت در روستای اشکوری، نصب درب ورودی - سیمانکاری اطاق درس و قسمتی از صحن دبستان - تشکیل کلاس بزرگسالان •
- سیاهی دانش جان محمد و ابوالقاسم ممبینی مامور خدمت در روستای آسمانچرد •
- حفر يك حلقه چاه آب - ساختن توالی بهداشتی - نصب تلمبه آب •



باهت سیاهی دانش روستای عباس آباد شاهرزد (اراک) و همکاری اهالی، پلی ساخته میشود

- سیاهی دانش محمد جعفر تشیبی مامور خدمت در روستای دوزه • احداث مزرعه نمونه و درختکاری •
- سیاهی دانش احمدرضا یوسفی شادامامور خدمت در روستای ارجویه، تعمیر مسجد - فعالیتهای بهداشتی • داراب

- سیاهی دانش علی منوچهریور مامور خدمت در روستای جلیل آباد، تعمیر و نصب تلمبه آب - تعمیر دبستان - تهیه صندوق پست - تشکیل کلاس بزرگسالان •
- سیاهی دانش غلامحسین معزی مامور خدمت در روستای صفاده، تعمیر مسجد •

- فعالیت سیاهیان پسر و دختر شهرستان داراب
- تسطیح وشن‌ریزی ۳ کیلومتر جاده - احداث يك دهنه پل سیمانی در قریه بختاچرد - لارویی يك حلقه‌چاه آب آشامیدنی - نظافت معابر واماکن - واکسیناسیون دانش آموزان - سخنرانی در مورد برنامه بهداشت و تنظیم خانواده - جلسات آموزشی پیشاهنگی و تشکیل کلوبهای هنری - ایجاد زمینهای ورزشی و تهیه لوازم ورزش در دبستان زین آباد و چهارده رستاق.
- سیاهیان دانش پسر و آموزگاران موفق با اقدامات زیر شده‌اند : احداث ساختمان دبستان دهنو مقیمی بوسیله سیاهی دانش احمد طیبی - نظافت منازل و معابر و مغازه‌ها - معرفی افراد بیمار به اداره بهداری و بهداشت شهرستان ممسنی - شرکت سیاهیان دانش دوره هفده در اردوی پیشاهنگی شهرستان شیراز - شرکت در سمینار آموزشی دبستانهای روستائی •

- سیاهی دانش حسن لطیفیان مامور خدمت در روستای نشان • سیمانکاری صحن دبستان - تعمیر کلاسها - راهنمایی روستائیان در امر کشاورزی - همکاری بامامورین بهداشت و تنظیم خانواده سیاهیان دانش عبدالرضا گلایی وحسن‌مندی مامور خدمت در روستای گرفت •
- تسطیح و مرمت ۲۰ کیلومترمجاهه فرعی روستا - تعمیر دبستان - راهنمایی روستائیان در امر کشاورزی و بهداشتی - تشکیل کلاسهای بزرگسالان زن •

- سیاهی دانش احمد نوین مامور خدمت در روستای تاج آباد، تعمیر دبستان - تشکیل کلاسهای بزرگسالان - رسیدگی بهتظیف‌معابر •
- سیاهیان دانش محمد حسن وردی - نعمت الله خارک‌مامور خدمت در روستای نعمت آباد •
- ساختن دویاب اطاق - ساختن ۲ کیلومتر راه فرعی روستا •
- سیاهی دانش محمد رضا مقدم‌زاده مامور خدمت در روستای اسفل، تعمیر ۲ کیلو متر راه - تعمیر کلی دبستان •
- سیاهی دانش حبیب‌الله آرنک مامور خدمت در روستای گلدرمچه : تهیه زمین و مقدمات ساختمان غسلخانه •

ممسنی

- سیاهیان دانش شهرستان ممسنی دادفر - ذاکریان

سپاهیان دانش ...

کرمان

● سپاهیان دانش دختر استان کرمان : درانی - عطاریور -

میر حسینی - صالحی :

تهیه طرح درس جهت تدریس - تشکیل کلاسهای آزاد برای تدریس - تهیه وسائل آموزشی - تشکیل کلاسهای خیاطی و گسازگی برای زنان روستائی - تعمیر دبستان دولتی سعدی - تعمیر دبستان اختیار آباد - پلاک کوبی خانهها در قریه پای کلم و تهیه درب ورودی دبستان پای کلم .

● سپاهیان دانش علیرضا باغبانی - محمدحسن ظهوری - محمدحسین

علی نژاد مامورین خدمت در روستاهای کرمان :

تسطیح و مرمت ۹ کیلو متر جاده بین روستاهای طرز و قیض آباد علیا .

● سپاهی دانش محمد مجلسی مامور خدمت در روستای ده شیب

اتمام ساختمان دبستان دو کلاسه روستای ده شیب .

● سپاهی دانش محمد محمد مامور خدمت در روستای طاشک شروع

و ادامه ساختمان حمام بهداشتی .

● سپاهی دانش فریبرز مرتضوی مامور خدمت در روستای خانمکان

شروع ساختمان دبستان دوکلاسه .

● سپاهی دانش علی حسین مریدی مامور خدمت در روستای مدبون:

کنترل بهداشت کارگاههای قالببافی .

● سپاهیان دانش حسن مرتضائیان و اکبر گرمی مامورین خدمت در

روستای داهوئیه :

بهداشتی کردن ۵ کارگاه قالببافی .

● سپاهیان دانش محمد حسین رنگیانی و حسین غفاری پور مامورین

خدمت در روستای دشتخاک :

شروع ساختمان غسالخانه .

● سپاهی دانش ملک کوی مرادی مامور خدمت در روستای استخروئیه:

تهیه مصالح ساختمان یکباب تکیه .

* سپاهیان دانش با همکاری پیش‌آهنگان ،

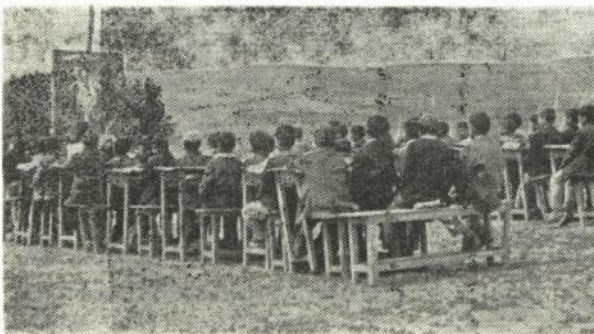
تابلویی در روستای طینجور (بروجرد)

نصب می کنند (راست) .

* تشریح ساختمان گل در دامن طبیعت

برای شاگردان مدرسه‌ای در حومه

خلخال .



مرمت ۳۶ کیلومتر جاده کردن تل - معرفی بیماران جهت معاینه و معالجه بادره بهمداری شهرستان - همکاری با اکیپ واکسیناسیون بر علیه مرض وبا

● سپاهیان دانش دختر شهرستان ممسنی

افتتاح دویاب اطاق در قریه مصیری - تشکیل کلاس بهداشت و تنظیم خانواده - نظافت کوچهها و معابر عمومی - سرکشی بمنازل و آشنا نمودن زنان روستائی بامور خانه‌داری و بیچه‌داری و خیاطی و طبخی - معرفی بیماران جهت معاینه و معالجه به شهرستان .

اصطیوانات

● فعالیت سپاهیان پسر

تهیه ۵ دست لباس پیشاهنگی در روستای ماهفرخان درب قلعه تهیه يك قطعه زمین برای ایجاد ساختمان دبستان در روستای پنوان خیر

اتمام ساختمان نیم تمام دبستان در روستای خانه کت

اقدام به حصارکشی دبستان در روستای دهوئیه

لارویی قنات در روستاهای ماهفرخان - دستجرد

اقدام به ساختمان مدرسه یادبود در روستای دستجرد

مرمت ۲۰ کیلومتر راه فرعی در روستای حوزة ایچ و خیر

اتمام ساختمان غسالخانه در روستای کت درب امامزاده

تهیه میز و زمین برای مزارع نمونه در روستای بادشاهاله آباد

● فعالیت سپاهیان دختر

تهیه میز و نیمکت و تخته سیاه برای روستای دستجرد

تهیه زمین برای ساختمان دبستان ایچ دستجرد



در خدمت روستاها

وسایل ورزشی - تعمیر و مرمت دبستان - کشت ۷۵۰ اصله نهال میوه - تهیه تعداد ۱۲ فانوس جهت روشنایی معابر .

گلیانگان

سپاهی دانش ابوالفضل هوشمند مامور خدمت در روستای فلاورجان . تاسیس کتابخانه با ۸۱ جلد کتاب و ۴۲ نشریه - دیوار کشی محوطه دبستان - تعمیر اساسی دبستان - لارویی و بهداشتی کردن چشمه آب آشامیدنی . کنترل بهداشت معابر و منازل - تشکیل شرکت تعاونی - تعمیر چاه عمومی روستا - تعمیر پل مرکزی - ایجاد باغچه نمونه - غرس ۳۰۰ اصله نهال - تشکیل جوخه پیشاهنگی .

نطنز

سپاهیان دانش محمد اسماعیل روزی طب و مرتضی ملک زاده مامور خدمت در روستای نیه .

تعمیر دبستان - لارویی قنات ده - ایجاد محیط بهداشتی برای آشامیدن آب .

سپاهی دانش محمد بسیار . مامور خدمت در روستای نسران . شنریزی حیاط دبستان - تعمیر دبستان - ایجاد زمین فوتبال - لارویی قنات - آموزش بهداشت شخصی و محیط پروستاتیان .

سپاهی دانش حسین حسینی کشاورزی مامور خدمت در روستای ورگوران .

تعمیر حمام دوش - ایجاد باغچه سبزیکاری - همکاری با اداره بهداشت شهرستان - تهیه پرچم وآرم برای دبستان - راهنماییهای بهداشتی .

سپاهیان دانش عباس رضائی زاده و اصغر رضائی ماموران خدمت

سپاهی دانش حسن وظیفه شناس مامور خدمت در روستای برقبان . تعمیر دبستان .

سپاهیان دانش : میربد و فرقانی ماموران خدمت در روستای داشخانه .

احداث باغچه بنام یکایک نوآموزان روستائی .

سپاهی دانش میرزائی مامور خدمت در روستای سنگ مفید . تعمیر دبستان .

سپاهی دانش ناویها مامور خدمت در روستای سلطان آباد . نامگذاری کوچه های ده بوسیله تابلو .

سپاهی دانش محمد تندرو - آقای دانشخواه مدیر دبستان عادی غیرستان ماموران خدمت در روستای غیرستان - تعمیر و تکمیل ساختمان دبستان .

اسفراین

سپاهیان دانش سید نقی میر سهیل وسید خلیفه موسوی مامور خدمت در روستای ست .

تشکیل کلاسهای بزرگسالان - نصب تابلوی راهنمایی - تاسیس کتابخانه در دبستان روستا - تعمیر دبستان - تشکیل رسد پیش آهنگی - غرس ۲۰۰۰ اصله درخت - تهیه تابلو جهت دبستان - تشویق اهالی جهت شرکت و کمک بمدارس یادبود دوهزار پانصدمین سال شاهنشاهی ایران .

سپاهی دانش علی ذمعه نور تاجیانی مامور خدمت در روستای کلات .

تشکیل کلاسهای بزرگسالان - لوله کشی آب آشامیدنی - لوله کشی حمام - مرمت جاده روستا بطول ۱۲ کیلومتر - تهیه زمین وراش



در جلسات مشورتی که مرتباً تشکیل میشود اشکالات سپاهیان دانش مورد شور قرار میگیرد .

کورش کبیر

مانده از صفحه ۵

کشف شد و اکنون در موزه بریتانیا نگهداری میشود .

پایتخت اصلی و اولیه کوروش پاسارگاد بوده که سنگ بنای این پایتخت تاریخی را کوروش گذرده است . پاسارگاد در نزدیکی شیراز، در دشت معروف به مرغاب واقع شده و این محل در گذشته در واقع کعبه آمال مردم جهان بوده است . آثار

کاخهای بزرگ و باشکوه و بناهای مهمی در خرابه های پاسارگاد ، امروزه بجزوی بچشم میخورد که همه آنها نمودار عظمت و جلال پایتخت کوروش هنگام آبادی آنست و وسعت آن کاخها ، داستان امپراطوری را میسراید .

کوروش در سال ۵۲۹ پیش از میلاد فوت کرده و در پاسارگاد در معبدی باسقف شیب دار بتخاک سپرده شده است . پیرامون این بنا، ستونهای آزادی ، احتمالاً به عنوان مظهری از

بیشه متنس و سردر ساده ای برای ورود به جایگاه مقنس وجود دارد . آرامگاه کوروش در شش طبقه است و هم چنانکه بطرف بالا میرویم از ارتفاع این طبقه ها کاسته میشود . گرچه آرامگاه با مقایسه با بناهای ساخته شده بعدی هخامنشیان قابل توجه نیست ، لیکن از لحاظ عظمت بسیار جالب و چشم گیر است . اندازه های واقعی آنرا می توان به این صورت مجسم کرد که پائین ترین پله آن به ارتفاع یک مرد ایستاده است .

سپاهیان دانش ...

تعمیر و مرمت مسجد و قنات و حمام و غسلخانه - احداث يك دهنديل - مرمت و شنریزی بطول ۱۰ كيلومتر - رسيدگی بوضع بهداشت و نظافت شاگردان - دستورات بهداشتی بمقالیبافان .

بندر عباس

سپاهی دانش جواد حیدری مامور خدمت در روستای باینوج . احداث بنای دبستان - بنای ساختمان مسجد - تسطیح جاده فرعی بطول ۱۴ كيلومتر - لارویی قنات - تعمیر و تسطیح خیابانهای ده و داخل کوچهها و نصب پل بروی قنات - بهداشتی نمودن چاههای آب - درخواست اکیبهای دامپزشکی جهت واکسیناسیون دامها - ایجاد مزرعه نمونه کشاورزی و پیوند درختان - فراهم نمودن صندوق پستی - اخذ شناسنامه برای اهالی - تشکیل رسد پیشاعنگی و جمعیت شیر و خورشید سرخ برای نو آموزان .

بوشهر

تشکیل کلاس بزرگسالان و کتابخانه کودک و فروشگاه

در روستای اریسمان . تشکیل جمعیت شیر و خورشید سرخ - ایجاد پیش آهنگی روستائی - بهداشتی نمودن آب آشامیدنی - رسيدگی بکارگاههای قالیبافی - لارویی قنات - تشکیل شرکت تعاونی روستائی - تعمیر و توسعه مسجد ده - ایجاد ساختمان یکباب حمام دوش - ایجاد یکباب دبستان .
ثانیین

سپاهی دانش ملکه میرسیفی نژاد مامور خدمت در روستای باقران . تشکیل کارشهای بیکار با بیسوادی و تشکیل کلاسهای خیاطی . گلدوزی و کاردستی برای دختران - تشکیل کتابخانه - تهیه لوازم دبستان - تعمیر دبستان - دعوت از اعضای انجمن ده جهت ساختن دبستان - جلوگیری از آلوده نمودن آب مشروب و بازدید از حمام - مرمت جاده روستا بطول ۱۲ كيلومتر - تهیه زمین ورزشی - تنظیم معابر .

سپاهی دانش کامران شافعی مامور خدمت در روستای آرند .



شایس دبستان سپاهی
(باران) - لایجان
توسط سپاهی دانش

میخوانند . آیا شایسته است که این عروان مقدس قرآنی را به اسکندر میکسار که همه عمرش را به لهو و لعب با زنان گذرانیده بود داد؟ اسکندری که به خواهش رقاصه مستی بنام تائیس، کاخ آپادانا را به آتش کشاند و آثار تمدن جهان و اوستا را سوزاند هرگز شایسته چنین عنوانی نبوده است . در قرآن به سد معروفي که در قفقاز نزدیک ارمنستان ساخته شده و در کنار آن رودخانه سائرس جاریست، اشاره شده است . این سد به فرمان کورش کبیر ساخته شده تا جلو تهاجم مغولان را بگیرد، ولی سعدی به غلط در بوستان میگوید :

سکندر به دیوار روئین و سنک
بگرد از جهان راه یاجوج تنک
همچنین در گلستان آمده است که از
اسکندر پرسیدند که دیار مشرق و ←

هنگامی که در رشتههای مظم است و بگرهی مستحکم ، در این حالت نظام داندها محفوظ است . رشته ملیت ما ، رشته هستی ما ، رشته عظمت ما به گره مستحکم و مقدس سلطنت محمد رضاشاه پهلوی بسته است .

یک دوره تاریخ ایران در این دو بیت متجلی است :

کشور ایران که بحق زنده است
دیسر زمانیت که پاینده است
ملت ایران به شهشه قویست
رشته ملیت ما پهلویست
شاهنشاه در شرفیابی اخیر

اعضای حزب ایران نوین فرمودند :
ولیعهد وارث جسمانی و روحانی من
است ، ولی نگهبان تاج و تخت ایران
و میراث سیاسی این مملکت ، ملت
ایران است .

جمعی به غلط اسکندر را ذوالقرنین

کوروش

پادشاهی که ...

مازده از صفحه ۵

وجود شما زیب و زینت یافت . بمن اطلاع دادند که جمعی از ادبا و نکته سنجان در این مجلس شرکت کرده اند، باین مناسبت در طلبیعه سخن چندبیتی از غزلهای خواجه را بمرضی میرسانم :

بلبل ز شاخ سرو به گلبنگ پهلوی
میخواند دوش درس مقامات معنوی
یعنی بیا که آتش موسی نمود گل
تا از درخت نکتة توحید بشنوی
ملت ایران را می توان به دانف -
های تسبیح تشبیه کرد . دانه های تسبیح

در خدمت روستاها

- سیاهی دانش نئی نقیابو مامور خدمت در روستای قلاور .
- تعمیر و تکمیل ساختمان دبستان - ساختن مسجد - ایجاد دو حلقه‌چاه بهداشتی - احداث جاده فرعی بطول دو کیلو متر - تعمیر و تکمیل ساختمان حمام - تشکیل رسدپیشاهنگی - بهداشتی کردن محیط ده و راهزائی روستائیان در امور بهداشت دامها - تعطیل وشن‌ریزی کوچدها و میدان روستا .
- سیاهی دانش ابراهیم ولی‌پور طلائیه مامور خدمت در روستای کوسفید .
- تعمیر دبستان بطور کامل - تعمیر حمام - لارویی قنات - تشکیل کارهای پیکار با بیسوادی .
- فعالیتهای سبایان دانش مامور خدمت در روستاهای شهرستان محلات .
- راهنمایی دانش آموزان بطریق‌گردشهای علمی و تدریس علمی - راهنمایی روستائیان بمنظور استفاده از بنر اصلاح شده - تعمیر ۹ باب دبستان - تعمیر ۶ باب مسجد واحداث یک باب مسجد

تعاونی دبستان - نصب صندوق پستی - نصب تابلوی راهنمای سیاه دانش‌کنار جاده اصلی - تعمیر و تکمیل ساختمان دبستان - احداث قهوه‌خانه بهداشتی برای مسافرین - احداث آب انبار بری ذخیره آب باران - ایجاد سد برای نگهداری آب باران و مشروب کردن زمینهای زراعتی - شخم زمین بوسیله تراکتور و استفاده از کودهای طبیعی و احداث چند مزرعه سبزیکاری - تعمیر مسجد و تکیه روستا و مرمت راههای فرعی و معابر عمومی وشن‌ریزی حیاطها - راهنمایی و همکاری پامامورین راهسازی - برگزاری مراسم روزهای چهارم و نهم آبان و بیست و یکم آذر و ششم بهمن و تفهیم انقلاب سفید شاه و مردم - راهنمایی مردم در مورد رعایت اصول بهداشتی و استفاده از آب آشامیدنی سالم - تشکیل رسدپیشاهنگی و تعلیم پیشاهنگی و امور دینی و عکاسی بدان دانش آموزان - همکاری با مامورین بهداشتی و مالاریا و ثبت احوال و سیاه بهداشت .

محلات



دیدار دانشجویان مرکز سیاه دانش استان کرمان از روستاهای حومه کرمان

یعنی انبیاء بنی اسرائیل، خورس نامیده شده است. تورات او را پیغمبر میشناسد، زیرا دانیاال پیغمبر ۶ سال قبل از ظهور کورش از طریق اشراق پی به وجود کورش برد، یعنی دریافت که موجودی با این اوصاف ظاهر میشود و بنی - اسرائیل را از بند هفتاد ساله نجات مبخشد. همه میدانیم که کورش هنگام فتح بابل فرمان داد تا بنی اسرائیل به ارض موعود باز گردند و آنان را یاری کرد که شهر اورشلیم و معبدشان را بار دیگر بسازند.

کورش کبیر در تورات، «خورس»، در زبان یونانی «کورس» و در قرآن «ذوالقرنین» خوانده شده است. قرآن مجید کورش کبیر را به جلالت‌شان میستاید و او را یکی از بندگان خاص خود معرفی میکند، زیرا رسالتش رسالت الهی بوده است، گنهکاران را هیچگاه تأدیب نمیکرده بلکه ارشاد مینموده است.

گرفته میشود. نه تنها ملت ایران بلکه تمام ملتهای متمدن جهان برای برگزاری این جشن در جنب و جوش هستند. مانتی که از تمدن برخوردار است برای حفظ وحدت ملی اش وسائلی در دست دارد. قویترین وسیله حفظ ملیت ما و یگانه نگهبان شرف و عظمت مملکت ما در این جهان پر آشوب و قویترین پاسدار آزادی ملت ایران، محمد رضا شاه پهلوی است.

روح شاه دوستی و ایقان به آئین پادشاهی از دیرزمان در ایرانی وجود داشته است.

جوزاسخر نهاد حمایل برابرم یعنی شلام شاهم و سوگند میخورم عهد الست من همه با عشق شاه بود وز شاهراه عمر بدین عهد بگذرم حال به عرایضم در باره کورش کبیر توجه بفرمائید. امسال را شاهنشاه ما، سال فرخبال کورش کبیر نام نهاده‌اند. کورش کبیر در کتب عهد عتیق

مغرب بچه گرفتگی، گفت بدانکه هر جایگاه را اگر گفتم رعیتش را نیازمدم و نام بزرگان جز به نیکی نبردم. در حالیکه اسکندر در خونخواری و قساوت کم نظیر بود!

از همه بدتر اینکه نظامی در اسکندر - نامه، اسکندر را به مکه فرستاده، در حالیکه در زمان اسکندر اسلام نبوده است!

لسان الغیب میگوید:

بنما بمن که منکر حسن رخ تو کیست تا دیده‌اش به گرت و غیرت بر آورم پیروز باد شاهنشاهی که نه تنها بر ایران سلطنت میکند بلکه امروز افکار بلندش بر جهان حکومت میکند و از منشور دوازده گانه انقلاب سپیدش دنیا درس گرفته است.

بفرمان شاهنشاه بزرگ ما، امسال سال کورش کبیر خوانده شده و دو - هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران در پاسارگاد جشن

سپاهیان دانش ...

- ۱۴ - اقدام به بهداشتی نمودن ۲۰۰ باب مستراحهای قدیمی .
- ۱۵ - همکاری بامامورین بهداشتی و بهداشت در مواقع ضروری و تشویق مردم بمنظور واکسینه کردن فرزندان خود بر ضد بیماریهای واگیر .
- ۱۶ - پلاک کوبی منازل و نامگذاری آنها .
- ۱۷ - درخواست خانه انصاف در چند روستا و فراهم نمودن خدمات آن از طریق اداره دادگستری .
- ۱۸ - ایجاد صندوق پست در روستای امیرآباد .
- ۱۹ - تشکیل رسدهای پیش‌آهنگی .
- ۲۰ - تشکیل کلاسهای شبانه بطور مرتب .
- ۲۱ - تشکیل انجمن‌های خانه و مدرسه .
- ۲۲ - کوشش مداوم درازدیاد دانش آموزان بمنظور اجرایی برنامه پر اهمیت سپاه دانش .
- ۲۳ - سرکشی به‌طول‌پله‌ها و راهنماییهای لازم به منظور تامین بهداشت حیوانات اهلی .

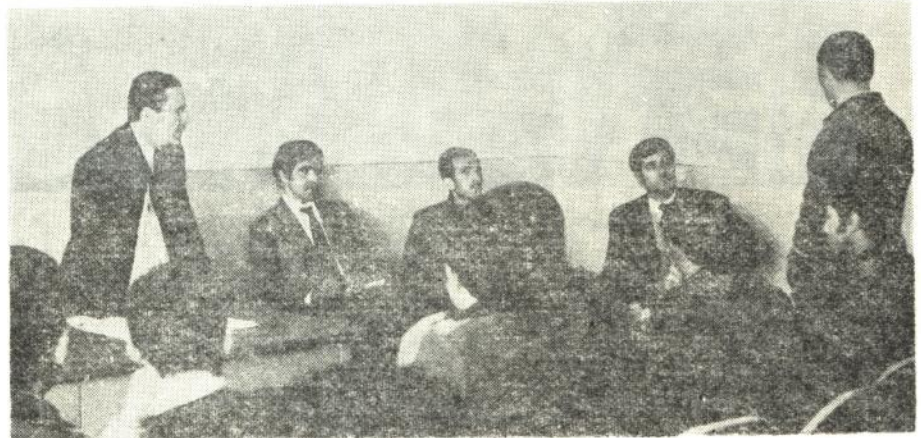
شهباز

- سپاهیان دانش حمید روده‌چی و مجید روده‌چی مامور خدمت در روستای طالارس .
- تعمیر و تکمیل ساختمان دبستان - تهیه و سایل کمک آموزشی - تعمیر ساختمانهای مسجد و حمام - همکاری در انجام امور خانه انصاف - تماس با روستائیان و ارشاد آنان .
- سپاهی دانش به‌روز‌جدیری جمشیدی مامور خدمت در روستای گلین .
- تعمیر ماهه - تعمیر دبستان - تشکیل کلاسهای بزرگسالان نوسوان .
- شاهی
- سپاهیان دانش - شهباز توری و تارودی حسن پور مامور خدمت

نوبنیاد - احداث يك باب سالخانه بهداشتی - تشویق اهالی جهت مراجعه به‌اداره دامپزشکی و واکسینه کردن دامها بر ضد بیماریهای واگیر - مرمت ۲۶ کیلو متر جاده فرعی - لارویی مداوم قنات - ایجاد و تعمیر ۴ دهنه پل - حفر يك حلقه چاه بهداشتی - ایجاد باغچه‌های نمونه - غرس ۲۱۰۶ اصله نهال - همکاریهای لازم با مامورین بهداشت و بهداشتی جهت واکسینه نمودن فرزندان روستائی - پلاک کوبی منازل و نامگذاری آنها - ایجاد صندوق پست در روستای امیر آباد - تشکیل رسدهای پیش‌آهنگی .



- فعالیتهای سپاهیان دوره ۱۵ در روستاهای محلات :
- ۱ - بازدید مرتب از حمامهای روستا و نظارت در تعویض آبهای آن .
- ۲ - راهنمایی دانش آموزان با طبیعت بطریق گردشهای علمی و تدریس عملی .
- ۳ - راهنمایی روستائیان بمنظور استفاده از بذر اصلاح شده و سایر امور کشاورزی به سبک جدید .
- ۴ - تشویق اهالی جهت مراجعه به اداره دامپزشکی و واکسینه کردن دامهای خود بر ضد بیماریهای واگیر .
- ۵ - تعمیر ۹ باب دبستان .
- ۶ - تعمیر ۶ باب مسجد و احداث يك باب مسجد نوبنیاد .
- ۷ - احداث يك باب سالخانه بهداشتی .
- ۸ - مرمت ۲۶ کیلومتر جاده‌های فرعی تا جاده اصلی .
- ۹ - ایجاد و تعمیر ۴ دهنه پل (تعمیر ۲ دهنه) .
- ۱۰ - لارویی مداوم قنات .
- ۱۱ - حفر يك حلقه چاه بهداشتی .
- ۱۲ - ایجاد چند باغچه نمونه .
- ۱۳ - غرس ۲۱۰۶ اصله نهال بیوندی و تبریزی و چنار .



سه‌پنار

سپاهیان دانش دوره
۱۵ - ۱۶ بوکان



عکس یادبود مرکز
آموزش سپاهیان دانش
دختران همدان
با تفاق مدیر کل
سازمان سپاهیان دانش
(نقر وسط)

... در خدمت روستاها

کردن نواقص - بازدید از کارگاههای قالیبافی - نمایش فیلم توسط ادارات فرهنگ و هنر - بهداشت طبق تقاضای سپاهیان دانش - نام گذاری کوچهها و نصب تابلو در رحمت آباد - همکاری با مامورین ریشه کنی مالاریا در سمپاشی روستاها - تهیه یکهزار متر زمین برای ایجاد مدرسه - بهداشتی کردن کارگاههای قالیبافی - احداث جاده ماشین رو بین دشتک و دره شیر در حدود ۵ کیلومتر - تعمیر استخر دشتک - تعمیر حمام دشتک پائین .

- سپاهی دانش محمد محمد محمدیان تشکیل کلاس بزرگسالان برای زنان .
- سپاهی دانش اشرف جانی مامور خدمت در دشتک سفلی - اتمام ساختمان مدرسه ۳ اطاقه در روستا .

اردکان

- فعالیت سپاهیان دانش اردکان :

تسطیح حیاط مدرسه - بهداشتی کردن حمام روستا - نظافت استخر - بهداشتی کردن کارگاههای قالیبافی و زبلو بافی - کود دادن بزمزارع نمونه - مبارزه با آفات .

تفت

تشکیل رسد پیشاهنگی در دبستانهای نصرآباد - علی آباد - سانج - فراشاه .

تشکیل انجمن همکاری خانه و مدرسه در دبستانهای نصرآباد و رشکویه .

تهیه مژدهات تشکیل نمایشگاه کاردستی دانش آموزان روستاها

در روستای مارذ .
تعمیر دبستان - تعمیر حمام - خرید لوازم دبستان - تشکیل جوخه پیشاهنگی .

آمل

● سپاهی دانش نعمت الله بندلی زاده مامور خدمت در روستای گس مرز . ساختمان دبستان سه اطاقه - احداث سدهنه پل سیمانی - تعمیر جاده فرعی - تهیه وسایل دبستان .

● سپاهی دانش امامقلی اسراری مامور خدمت در روستای حسن آباد . مرمت جاده فرعی - احداث پل - نصب تلمبه آب آشامیدنی - تشکیل رسد شیرچنگن - تکمیل تکیه محل .

یزد

● سپاهیان دانش دختر موق با اقدامات زیر شده اند :

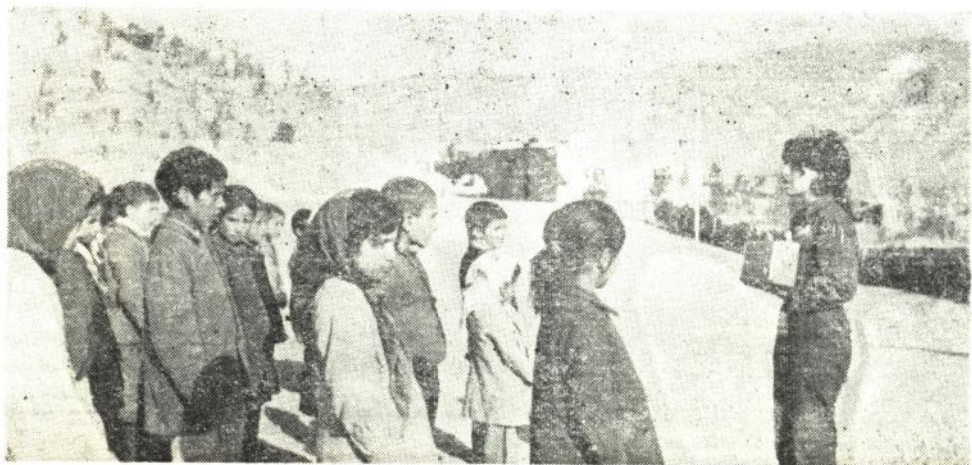
تشکیل کلاس بزرگسالان - تشکیل انجمنهای مختلف برای کودکان و اولیاء آنها - برگزاری مراسم جشن ششم بهمن و نیایش روز پانزدهم بهمن - همکاری با سپاهیان بهداشت و کارمندان اداره بهداشتی و آمار - شن ریزی معابر عمومی - تهیه وسایل کمک آموزشی - برگزاری هفته کار نیک پیشاهنگی - تشویق دانش آموزان به انجام وظایف دینی .

● مهم ترین فعالیت های انجام شده در روستاهای یزد . تشکیل کلاسهای خردسالان و بزرگسالان تشکیل رسد پیشاهنگی - تنظیم کارنامه های تحصیلی و دفتر امتحانات - امتحان نمودن بزرگسالان و خردسالان روستاهای بغداد آباد سفلی - خورمیز علیا - میرک آباد گرد فرامرز با نظارت اداره سپاه دانش . بازرسی از منازل و اماکن جهت برطرف



ش. رای هم آرتنگی
و پادایان دانش
شهرسان شاهرود

در روستای خجیر (لوانان)
دوشیزه سپاهی دانش ،
دانش آموزان را با
برنامه جانی که از را : بو
بخش میشود آشا
میسازد



سپاهیان دانش ...

ایلام

سخنرانی در باره بهداشت - امور اجتماعی و کشاورزی - شن‌ریزی حیاط دبستان .

ضمناً کلیه سپاهیان دانش دوره ۱۴-۱۵ و ۱۶ و سپاهیان دانش دختر در روز ششم بهمن مراسم جشن و سخنرانی برگزار کرده‌اند . سپاهی دانش عبدالرحیم بیگ‌زاده مامور خدمت در روستای برقیان، تعمیر غسالخانه - بهداشتی کردن آب حمام - مرمت جاده فرعی روستا - تشکیل کلاس بزرگسالان .

سپاهی دانش دختر سرور بیات مامور خدمت در روستای سراپی . برگزاری مراسم ششم بهمن - واکسیناسیون (آبله) روستائیان - شن‌ریزی کوچه‌ها و معابر عمومی - تعمیر جاده مربوطه به دبستان - بازدید از حمام و راهنمایی روستائیان در امور اجتماعی و بهداشتی و تنظیم خانواده .

سپاهی دانش وزیر بصیری مامور خدمت در روستای میانده . جمع‌آوری پول کافی برای حفر قنات و آبیاری مزارع - سرشماری بیسوادان روستا از ۱۳ الی ۳۵ ساله - اقدام به پلاک کوبی منازل روستائیان - تعمیر و مرمت جاده فرعی روستا با همکاری مردم .

سپاهی دانش محمد رضایرادان مامور خدمت در روستای ابودردا، رفع اختلافات محلی از طریق کدخدانمشی - تنظیم معیار عمومی - بهداشتی کردن توالنها - شن‌ریزی حیاط دبستان - تعمیر دبستان .

سپاهی دانش شعبان احمدی مامور خدمت در روستای هوش . راهنمایی روستائیان در مورد پیشرفت صنایع دستی - بهداشت و کشاورزی - تعمیر و تکمیل ساختمان شرکت تعاونی روستائی -

سپاهی دانش حسن صدری مامور خدمت در روستای اسماعیلی‌ایوان تعمیر و تکمیل ساختمان دبستان - تشکیل رسدیشاهنگی - تشکیل کلاس بزرگسالان - ایجاد راه فرعی و وصل آن به جاده اصلی .

سپاهی دانش علی اکبر ترابی مامور خدمت در روستای ترکی . تعمیر دبستان - تطبیح زمین فوتبال - تشکیل کلاس بزرگسالان .

سپاهی دانش شاپور بخشائی مامور خدمت در روستای علیگه . مرمت جاده فرعی تا جاده اصلی - تشکیل کلاس بزرگسالان - سبزیکاری و غرس چندین اصله رخت - ایجاد زمین فوتبال و تهیه وسایل ورزشی با همکاری مردم .

سپاهی دانش سید هادی رضوی مامور خدمت در روستای سراپی . تشکیل کلاس بزرگسالان - جمع‌آوری عواید ۲٪ عمران و اقدام به ساختن دبستان نوینباد .

سپاهی دانش مرتضی درب‌اصفهان‌ئی مامور خدمت در روستای چالانچی . تعمیر و تکمیل دبستان - تطبیح زمین فوتبال .

سپاهی دانش سید داود حسینی مامور خدمت در روستای هالشی مرمت ساختمان دبستان - جمع‌آوری پول و اقدام به ساختن دبستان نوینباد با همکاری مردم و اداره آبدانی و مسکن .

تویسرکان

سپاهی دانش ایرج امیر خسروی مامور خدمت در روستای سوری . رفع اختلافات محلی از طریق کدخدانمشی - تشکیل جاده



سپاهیان دانش در زمین

لویی بری

بقیه از صفحه ۵

شاگردیست که میتواند این روش ر درك كند .

سونوگرافی آسان نبود اما لویی روی آن کار کرد . دفعه بعد ک لویی، سروان ارتش را دید با و پیشنهاد کرد که بهتر است فقط نقطه‌ها مورد استفاده قرار گیرد ، سروان با و گفت که میتواند هر طوریکه بخواهد این روش را تغییر دهد .

لویی روی این طریقه مدت دو سال کار کرد اما هرگز نتوانست راه آسانی برای بکار بردن این نقطه‌ها پیدا کند . چندی بعد تصادفاً بمقصد خود رسید . يك روز از معلم موسیقی

سؤال کرد که الفبای موسیقی چگونه است . او گفت ممکن است نتهای موسیقی بوسیله محل آنها در خطوط پنجگانه شناخته شود . سرانجام لویی کلید آموختن را که عبارت از «مکان» بود پیدا کرد .

اودریافت که با بکار بردن شش نقطه برجسته بر روی کاغذ و قراردادن آنها در مکانهای مختلف ، میتواند شصت و سه صدای متفاوت را نشان دهد . (شبی هنگامی که پدرش خواب بود مجدداً به کارگاه او رفت . در تاریکی ، درفش را که در بجگی او را کور کرده بود پیدا کرد و با فشار دادن نوک تیز درفش بر روی کاغذ نقاط برجسته‌ای در پشت آن ایجاد کرد و سپس با مالش انگشتان بر روی نقطه‌های موجود آمده ، کلمات را حس کرد . این از بازیهای طبیعت است ، درفش که سبب کوری لویی -

بری شده بود سرانجام عامل بینایی تمام نابینایان جهان شد . مترجم) و این طریقه را بدوستانش در مدرسه نشان داد و آنها خوشحال شدند .

چون از آن بعد موسیقی باروش اونوشته‌شد ، لویی در اندک مدتی توانست ارگ را با مهارت بنوازد . برای او ممکن بود که زندگی خودش را با موسیقی اداره کند ، اما این کار را نکرد بلکه درعوض این شغل، استادی مدرسه سابقش را انتخاب و تمام وقت خود را صرف کمک و تعلیم به نابینایان کرد .

امروزه نابینایان تحصیل میکنند و زندگی خوش و پربره‌ای دارند . لویی برای هنوز بسن بیست سالگی نرسیده بود که این هدیه بزرگ را به نسل آینده تقدیم کرد .

پایان

... در خدمت روستاها

- تفرش
- سیاهیان دانش فرشته داوری دولت آبادی وفاطمه مستوفی مامور در خدمت در روستاهای کهک و گرگان آشتیان .
- پلاک کوبی منازل روستای کهک - تهیه میز و نیمکت - تشکیل کلاس خیاطی در روستای کهک - تشکیل کلاسهای روزانه - شروع باحداث دبستان در روستای گرگان - شروع لوله کشی آب گرگان - تهیه پلاک جهت نصب در کوچه ها - تشکیل کلاس خیاطی و بافندگی در روستای گرگان - تهیه زمین ورزش - تهیه کنتور برق - تشکیل جلسات سخنرانی .
- سیاهی دانش غلامحسین شهرداری مامور خدمت در روستای جالیر حومه .
- تشکیل کلاس پیکار - تعمیر واحداث یک دهنه پل - تسطیح و مرمت ۵ کیلو متر جاده فرعی و تعریض آن - همکاری با مامورین بهداشت جهت واکسیناسیون آبله و وبا - همکاری با مامورین کشاورزی - کمک در مورد بهداشت و تنظیم خانواده
- سیاهی دانش علیرضا شکرانی مامور خدمت در روستای جعفرآباد لارویی قنات و بهسازی آن - اتمام باغچه های دبستان - تشکیل انجمن سه با حضور بخشدار آشتیان و تعیین اعضای انجمن .
- سیاهی دانش خشیار شاملو مامور خدمت در روستای دستجرد . راهنمایی اهالی در مورد بهداشت عمومی - پیشنهاد ایجاد انجمن - راهنمایی در مورد پاکیزگی معابر عمومی .
- سیاهی دانش علیرضا شکیبائی مامور خدمت در روستای جعفرآباد تعمیر اساسی دبستان - راهنمایی در مورد جلوگیری از آلودگی

- بهداشتی کردن آب حمام - نظافت معابر عمومی با همکاری مردم - احداث پل جلو دبستان .
- سیاهیان دانش رشید آسایش و شهروز الهونرنی مامور خدمت در روستای کندر .
- تعمیر ساختمان دبستان - تعمیر جاده فرعی روستا - نظافت معابر عمومی - تشکیل جلسه و سخنرانی در باره کمیته جشنهای فرخنده ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی .
- سیاهی دانش علی اسکندر علائی مامور خدمت در روستای تی می جان . آمارگیری روستاهای شهرستانه - قلعه و تی می جان - بهداشتی کردن آب حمام - بهداشتی کردن توالتها - اتمام لوله کشی آب آشامیدنی روستائیان .
- بندر پهلوی
- سیاهی دانش یعقوب جعفرزاده مقانی مامور خدمت در قریه چپرید
- تهیه دو زمین ورزش در قریه چپرید بالا و پائین - تشکیل نمایندگان کارهای دستی - تهیه لوازم ورزشی و مسابقات ورزشی .
- نظنز
- سیاهی دانش بمونعلی محمدی مامور خدمت در روستای دستجرد . تسطیح جاده بطول ۳ کیلومتر - تعمیر حمام و نظافت آن - لارویی چاه و قنات و بهداشتی نمودن آب آشامیدنی - تشکیل انجمن خانه و مدرسه - تسطیح و نظافت معابر عمومی و کوچه ها - تشکیل انجمن های عمرانی و بهداشتی .



احترام به سنت های ملی
توسط پیش آهنگان
حومه سبزوار



فرهنگیان سمنان، در
خریدن اوراق مدارس
یادبود همت کردند و
رئیس آموزش و پرورش
محل از آنان تشکر
می کند

سپاهیان دانش ...

وختون واقع در بخش نویران .
 ساختن منبع آب - لوله کشی حمام و کوجهای اصلی - تشکیل واحد پیشاهنگی و انجمن خانه و مدرسه - نصب تابلوی راهنمایی - تعمیر مسجد و لارویی جویها - تعطیف معابر - شن ریزی مدرسه - ایجاد کتابخانه - مسطح کردن میدان .

سپاهیان دانش صدیقه حیدر زاده - اکرم السادات حجازی مامورین خدمت در روستای باغشیش :

پلاک کوبی منازل - تشکیل کتابخانه - همکاری با مامورین بهداشت - تهیه وسائل کمکهای اولیه - تشکیل رسدپیشاهنگی - تشکیل نمایشگاه کاردستی - تشکیل کلاسهای پیکار در دو کلاس - نظارت در نظافت کوجهای روستا .

سپاهی دانش شاهرخ مندوقندار مامور خدمت در روستای ازبیزان .
 احداث یک باب ساختمان سه اطاقه و یک سالن برای دبستان - تعمیر و تکمیل حمام و تبدیل حمام خزینه به حمام دوش - احداث یک باب ساختمان مسجد - تعطیف کف حیاط دبستان و ایجاد زمین والیبال - بهداشتی کردن توالتهای روستا - تشکیل کلاس بزرگسالان .

سپاهی دانش عباسعلی رضازاده کهنه شهری مامور خدمت در روستای چلبیان .
 تشکیل کلاس بزرگسالان - تعمیر دبستان و مسجد روستا - منشیگری خانه انعام - تاسیس کتابخانه دبستان - تشکیل رسد پیشاهنگی - اجرای برنامه ورزشی صبحگاهی .

آب آشامیدنی و طرز نگهداری دامها و طرق استفاده از بذر و کاشت آن و ایجاد توالتهای بهداشتی .

سپاهیان دانش دختر فاطمه مستوفی آذر و فرشته داوری دولت آبادی مامور خدمت در روستای گرگان .
 تشکیل کلاس بزرگسالان - جمع آوری پول برای احداث ساختمان و لوله کشی آب - تهیه پلاک برای نصب سردرب منازل و کوجها - برگزاری جشنهای فرخنده ۶ بهمن و ۲۴ اسفند همراه با اجرای چند نمایشنامه توسط دانش آموزان .

ساوه

سپاهیان دانش شهذخت نقوی و نورگس ابوالنصری ماموران خدمت در روستای حکیم آباد زرند .
 سرشماری اهالی روستای حکیم آباد و دستجرد - تشکیل انجمن ده و انجمن خانه و مدرسه - پلاک کوبی منازل و مغازهها - تعمیر حمام - نصب تابلوی راهنما کنار دهستان و جاده - ساختن توالتهای بهداشتی - تشکیل کلاس پیکار برای زنان و مردان - تشکیل جوجهای پیشاهنگی پسران و فرشتگان دختر و تعلیم آنها - نصب یک منبع کلر در مظهر قنات - رسیدگی به اختلافات محلی - رسیدگی مامور نظافت روستا - جمع آوری خوار بار برای برادران اردن هاشمی - همکاری با ماموران بهداشت .

سپاهی دانش سید علی طباطبائی مامور خدمت در روستای طاهر



تشویق ها

- اصفهان**
 راهنمایان تعلیماتی : خانم صدر
 نیکدار - آقای اصغرکلی فروش -
 خانم فریدا - آقای مژیر جهانسردی
 سپاهیان دانش : عبدالله پیران -
 پرویز احتشامی - موسی اسماعیلی
 داود افضل سلطانی - سعیدانجم -
 مرسل احمدی - علی ناصری .
- خراسان**
 سپاهیان دانش : محمدعلی انشی
- عشری اردستانی - علی اکبر گران -
 حسنتقی رهبری - اسدالله واعظی -
 احمد ناصحی - معبد یوسفی حیدر
 آبادی - حفیظالله آبین - لیلی
 نلاحی .
- فرمانداری گل لرستان**
 سپاهیان دانش : پری عباسی -
 فاطمه پهلوانی - شهریار باقریان -
 صدیقه مومنی - زهرا صابر - حسین
 محمد خانی مطلق - جواد حیاتی -



سپاهیان دانش در روستاها بمداوای زخمهای هجر و جان می پردازند (آقباش - خلخال)

پاسخ آیامیته و انید؟
 رجب ز حب رح -
 رخت بر گرفت و رفت

آزمایش
 علوم توسط
 دوشیزه
 سپاهی در
 دبستان افچه
 (شمیران)

... در خدمت روستاها

استان خوزستان

سپاهیان دانش : حبیباله محمودیان
قدرتاله دلآوری - محمد رضا
محمد خانی .

استان گیلان

* سپاهیان دانش : عابدین
علائی - حسین عیوضزاده -
زیب پورجاهدی - طاهر رحمانی
قاسم منافزاد - ملیحه شبانگه
عزت تیموری - صدیقه شاملی .

استان گرمانشاه

* سپاهیان دانش : هوشنگ
امیریوسفی - حمید اعتماسی .
استان فارس

* سپاهی دانش : ماه سیمیا
فاتحی - زهرا ثریانسان - امینه
السادات قطبی .

آذربایجان شرقی

* سپاهیان دانش : میر هادی
ازهاشمی - محمد روحانی امیری -
بهروز مشکلاتی - یعقوبعلی سعیدی .
آذربایجان غربی

* سپاهی دانش : عباس هوشیار .
فرمانداری کل - لرستان

* سپاهی دانش : محمد شریعتی .
راهنمای تعلیماتی محمود ایمانی .

فرمانداریکل یزد

ولیامیدبخش مقدم - بتول فخر
خراسانی - محمد تقی واعظی -
ستوان دوم عبدالرحیم پرورش -
منیژه شمس الدینی - بمان علی
سازش - فرخنده صباح - فاطمه
بهاآبادی - صدیقه بهاآبادی -
حمیدالله لرجلگسارج میرقائم -
سرافراز قنبری - جمیله کشمیری
عشرت وارستمه - ابوالفضل معبودی -
خاتم نصرت پرتوی .

فرمانداریکل کهکیاویه و بویراحمد
سپاهی دانش فریدخت حسامیان .
مازندران

سپاهیان دانش : زینب عکوب -
فروغ صادقی - منیره حقیقیبنی -
امینی - هوشنگوالی زاده اردلان -
فضل الله نباتی - ابوالقاسم مالی -
جبار فهیمی گنگ سفلی - آقای
خوزینی مدیر دبستان آشورابه .

استان کرمان

سپاهیان دانش حسن قاضی عسگری
سید محمد حسینی

فرمانداری سمنان

سپاهیان دانش : علی ابراهیمی

ماشاله متقی - علیرضا مرادیان .
استان اصفهان

سپاهیان دانش : رضا همیشه -
محمد صادق هاشمی - عبدالحمید
مهدیه - محمدایرانش - حسن
نعمی امامی - ناصر ثابتفر -
محمد رضا نیلچی - داراب مولائی -
اسفندیار منصور - شهنواز نور
محمدی - اشرف صافی - سید
جعفر ابطیحی زاده - نادر نعمتپور
رسول آبیاری - رحیم آقائی - وفائی -
میرزا آقا آسمان پیمان - جلالآبادی

ولیآزاد - عباس یزدچی -
عبدالعباس بنهان خویص - طاهره
کاروان - بتاولسهراب زمانی - بدری
وامل - بتول سیدافیونی -
توراننخت طوطیان - طلعتزانیان
زاده - آنرا صالحی - شهناز صباغ
زاده - ایران آقا نژاد - فاطمه
غلامعلی - فروغ السادات میر
علائی - پروانه پیراسته - زهرا
مظاهری کوهانی - عزت رحیمی
نارسانی - فرشته نادریان - فاطمه
توکلی قیناتی - شهین نوروزی -
فاطمه احکامی - فردوس بنائی -
ماوگ فرهنگد .

استان ساحلی

سپاهیان دانش : علی بنی اسدزاده -
حسین جهان نورد - علی آنری -
برهان پورعبدالله علی حیدر زادم
احمد زرگر فردهساح - جواد
حیدری - جهانگیر بارکراشی -
فرخنده جهرمی - محمد رضادهقان .
سلطانعلی میر - احمد تقی زاده .

فرمانداریکل یزد

سپاهیان دانش : محمود هادی زاده -
علی عباسی - علی اصغر سایمان
زاده - محمد علی سبز علی .

ابراهیم جهانی پور - مرتضی قلی
محمدی قلمه سفیدی - علی وهاب
زاده کنجی - محمد علی معظمش -
ابوالقاسم صادقی - محمد باغچی -
ایرج جانمیان - فتح الله خالسی -
علی چکشی - ابراهیم گچوئی -
فرخ کوکبه - عسگری بابازاده -
ذبیح الله ملک .

آذربایجان شرقی
سپاهیان دانش : کیخسرو کیهان -
سیداحمدعیر گل .

استان فارس

سپاهیان دانش : محمد طرخورانی -
علی امیری - بهمن عطائی - محمد
تقی علیین - جعفر فردوسی -
شمس السادات کار پرور فرد -
رقیه حیدر پور فرد - فاطمه
سعادتی - حمید معینی - بیژن
نصیرزاده - فاطمه شگفت - اهرابیکم
ثریا نشان - اشرف السادات رفیعی -
انسبه السادات قطبی .

جواد عزیزی - کبری سنگلاتی
سیدمحمدعزیز سیددیوسف هاشمی -
عبدالله رفعتی - حسین شاهوردی -
خلیل علیزاده .

استان گرمانشاه

سپاهیان دانش : عباس حسینزاده
قراجه - فضل الله مبارکی -
ابراهیم دانا - احمد حدادیان -
جواد بنجری - محمد حسین منصور
زاده - سید محمود حسین موسوی -
صمد حمزه زاده - سیدرضی حسین
فر - ناصر مقدم - محمد جعفر
ممتازیان - مهدی اسفندیاری -
رسول حامدی - سندهادی جلال
زاده - رحیم دباغی علمداری -
محمد حدادی - جعفر خوشکلام -
خسرو متین - علیرضا افلاکی -



اردوی سه روزه پیش آهنگان
قره آقباش (خانخال)



آموزش گویای پیش آهنگی
در روستای افجه (شمیران)

سپاهیان دانش ...

استان مرکزی	رضا آذرنوش - محمد مدیری -	فرشتگان و شیرچکان - رنگ	* سپاهیان دانش : ماشاله
* سپاهیان دانش: حسین زنگنه	ملوک مرادی - محمد یوسفی -	آمیزی ساختمان دبستان - بهداشتی	حیدری مقدم - حجت‌اله نصرتی .
طاهره سپهری - پرویز اشرفی -	معمومه بیگم میرحجتی - افسر	نمودن چشمه آب آشامیدنی -	* آقای محمد اشرفی مسئول
ابوالفضل فریار - ایرج طاهری -	الملوک حجتی - یوسف نژاد	غرس نهال در محوطه دبستان -	سپاه دانش .
حمداله صادقی - مهدی دشیری -	درعباس قاری - یحیی خواجه -	احداث باغچه نمونه و همکاری با	مرد
محمدتقی اشرفی - عبدالعلی	افلاطون - حسین تاجیک بیار	ماموران ریشه‌کنی مالاریا .	* سپاهیان دانش خدابخش زاده
سجادی - محمدکریمی - جمال	چمنندی - غلام‌حسین غلامی -	درگز	باقر - نبی رضائی - رقیه نصرتی
میررجبی - فرج‌اله ابوالصینی -	همایون قرقلو - احمد رفیعی -	* سپاهیان دانش: محمدمدیری -	شاملو - محمد یارخانچی .
ولی‌اله شجاعی - فیروز امینی -	ترکمان غلامی - علی‌شب‌زنده‌دار .	سیامک منصوری - همایون قرقلو -	ارسباران
باقر مروج - عباس آتشکار -	استان سیستان و بلوچستان	* آقایان : غلام نوحی - حسن	* آقایان : غلام نوحی - حسن
محمود نقشینه - هادی راونفر -	* آقای ابوالفضل فیل‌زاده .		

نان بیات

مانده از صفحه ۶۱

پس از قدری صحبت ، مشتری رفت و میس مارتسا با خوشحالی لبخند زد :

آیا زیاده از حد پروئی کرده ؟ آیا خواهد زنجید ؟ نه ،

حتماً نمیرنجد .

مدت مدیدی فکرش مشغول همان قضیه بود . او را در نظر مجسم میکرد که چون نان را باز کند ، چه حالتی باو دست خواهد داد ؟ ...

الان موقع خوردن است . فرجه و جعبه رنگ را کنسار میگذارد . میخواهد نان خالی را با آب بخورد . نان را تکه تکه میکند .. آه .

میس مارتا سرخ شده . آیا در موقع خوردن ، بیاد دستی که کره را در میان نان گذارده است خواهد افتاد ؟ آیا ...

زنگ در دکان بشدت صدا کرد . سرو صدای زیادی برپا شد .

میس مارتا بعجله از پشت دکان بجلو آمد . دو مرد در آنجا بودند . یکی مرد جوانی بود که پیپ میکشید و تا کنون او را ندیده بود ، و دیگری آن نقاش بود .

چهره نقاش سرخ ، زلفانش ژولیده و کلاهش پس کله‌اش رفته بود . مشت‌ها را بسوی میس مارتا گره کرد .. به میس مارتا با خشونت فریاد زد: «دوم کپف» (احمق) و چند فحش دیگر

بزبان آلمانی .

وجوان دائم او را عقب میکشید .

او با خشونت گفت : «نه ، من نمیروم . باید حرف‌هایم

را باو بزنم» .

با شست به پیشخوان دکان میس مارتا کوفت و فریاد

زد : «همه را خراب کردی ، زتیکه ..»

پاهای میس مارتا سست شد . بدیوار تکیه داد و دستش

را روی بلوز ابریشمی خال خال آبی گذارد . آن مرد جوان دست

رفیقش را گرفت و گفت بیا بس است . آنچه باید بگوئی گفتی .

او را بیرون برد و خودش برگشت و رو به میس مارتا

کرد و گفت :

بطور حتم میل دارید علت این جنجال را بدانید . این آقا

همکار من و مهندس ساختمان است . سه ماه است که درسابقه

نقشه ساختمان جدید شهرداری کار میکند . دیروز خطوط را با

مرکب پر کرده بود . آیا میدانید که در این کار ، نخست

نقشه را با مداد میکشند و وقتیکه تمام شد ، با مرکب نقشه را

کامل میکنند و بعد آن خطهای مدادی را با نان بیات پاک

میکند ، زیرا بهتر از مداد پاک‌کن است . او نان بیات را از شما

میخرد و این کره که در نان بود ، همه چیز را از بین برد

و نقشه او دیگر بدر نمیخورد .

میس مارتا به پشت دکان رفت . بلوز ابریشمی را درآورد

و آن پیراهن چیت را که سابق میپوشید دوباره در بر کرد .

جوشانده بهداشتی و پوره را هم بیرون ریخت .

مهمین قاسمی - احد ناصحی - آق
اولی جرجانی - عارف دامغانی -
محمد ابراهیم علاءالدین - محترم
شجاع - نعمت‌اله فتاحی - ابوتراب
ملک .
شاهرد

* سپاهیان دانش : محمد رضا

صمیمی - سعید فاطمه اردبیلی .

رضائیه

* آقایان کریم آسیائی راهنمای

تعلیماتی و جهانگیری مسئول‌پخش

کتاب درسی - سپاهی دانش

روزبھائی .

میان‌آب

یحیی‌اسدی - محمدحسین رنجبری -
دکتر امیرھوشنگ پزشکی .
استان خراسان

* سپاهیان دانش : ماشاله

بجب‌پور - سید محمود زرگر -

هما خدیور - علی سرابی - خانعلی

قاسمی - سیداسماعیل هاشمی -

فرحناز صدائری - عبدالحمید

اوق - عبدالصین شریف‌زاده -

محمدنومحمدی - موسی خاکسار -

غلامحسین ضیائی - مصطفی

رئیس دبستان خزیمه علم
هازنداران
* برابر گزارشات‌واصله سپاهیان
دانش زینبالقوب فروغ صادقی
و منیره حقیقی سپاهیان دانش‌دختر
دوره سوم مامور خدمت در روستا
های اجوار کلا بعلت انجام خدمت
ارزنده در روستای خورد مورد
قدردانی و تشویق قرار گرفتند :

تشکیل کلاس شبانه پیشرفت

تحصیلی نوآموزان رازانه-تشکیل

کتابخانه کودک - تهیه تابو

موضوعات روستا - پلاک‌کوبی منازل

و کوچه‌های ده - تشکیل کد

باقر منظومی - قادر فرشین -

... در خدمت روستاها

مهنی
 * سپاهیان دانش : فاطمه عبادور
 زرین پذیرافشان - معصومه داوری
 صدیقه طحان - فهیمه صفری -
 ماهمنظر پذیرافشان - محمود مهران
 رستم محبی - نادعلی مهدی -
 ناصر عتمیری زاده - محمود ساجدی
 حاجی عزیزی - عنایتی قصبه .

سقر
 * سپاهیان دانش : محمدخدیری
 حاجی نقی پور - یعقوب حصار
 غفرانی - ناصر نجف نژاد - حسین
 ودودی - محمد نقی پور - فریدون
 نوتاج - سلطانعلی برزگری -
 حسین حاجیلو .

مهرستان
 * سپاهی دانش محمد اوجیانی
 شهرستان قروه
 * آقای جمشید مقیمی راهنمای
 تعلیماتی .

فرمانداری گل کیکیلویه
 * سپاهیان دانش : عبدالحمید
 حیدری - بهروز دیا - مصطفی
 اخلاقی - احمد اردکانی اهوازی
 خرم آباد لرستان
 * حسین بشیری - کبری اسلام
 علیرضا مینائی اراکی .

* آقای سید محمد معزی
 مسئول سپاه دانش - سرکارستان
 دوم سید یوسف هاشمی افسرانضباطی
 * سپاهیان دانش : زهرا
 جمشیدی - جواد غریبی - جلیل
 علیزاده - کبری سنگدانی - رقیه
 حیدرپور - شمس السادات کار
 پرور - محمد طرخورانی .

چهرم
 * آقای مهدی والی پور مدیر و
 آموزگار دبستان عسجدی دهنریر
 * سپاهیان دانش : زینت ابراری
 صدیقه سجادی - فاطمه صداقتی -
 زهرا بنی هاشمی - بهجت ثابت قدم
 صدیقه رحیم پور - اشرف آتشبار .
 اکرم السادات رحیمی فرد .

ابنهای کریم سفت - فرنگیس
 عراقی .
ایران شهر
 * آقای رشید نجفی مقدم
 متصدی آموزش روستاها

سراوان
 * آقای محمد جامی راهنمای
 تعلیماتی
شیراز
 * آقای احمدعلی سعادت مند
 نماینده آموزش و پرورش خرامه
 سپاهیان دانش مهین اسکروچی -
 معصومه سروش - مریم هژیریان -
 ناهید رعناحسین - شها شیهمی
 حسینی - شها شه میر
اصطهبانات

سپاهی فرج اله صابری - سید محمود
 رفائی - سپاهی علیرضا شریفی -
 بهمن جوری زاد - اسکندر شجاعی -
 پاپا محمد پایدار - انتقام نورمحمدی
اردبیل

* افسر سپاهی دانش ستوان دوم
ابراهیم عقل آرا
کرمانشاه
 * سپاهیان دانش : کتابون
 امیری بیگوند - مندلی بهبهانی -
 فریده زرین چوب
اورامانات

* سپاهیان دانش : محمود
 حسین زاده خیر - ابوالقاسم مبینی -
 محمد حدادی - جواد منجری -
 سید محمد مهدی مرکبی - ابوالقاسم

دیدار بانوان کشاورز کیمه از کلاس سپاهی دانش در روستای مازندران



کلاس درس در روستای
 نلشج - کاشان



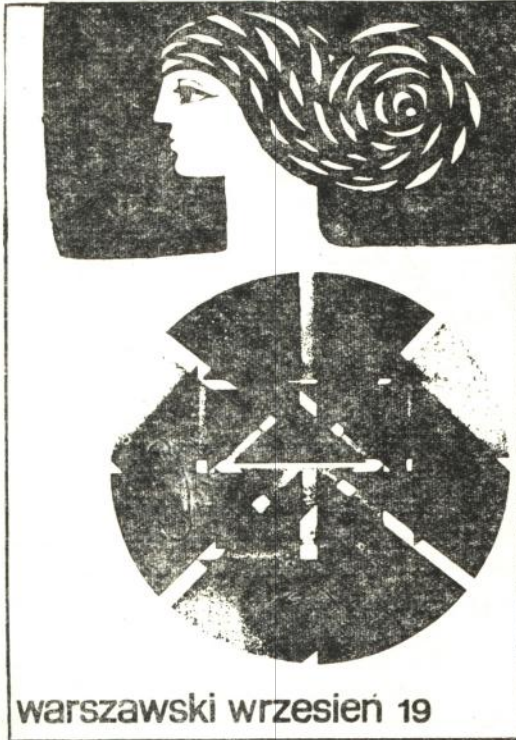
مبینی فرهود - خیام آذر - صمد
 حمزه زاده - محمد حدادی - ناصر
 مقدم - حسین بابائی - سید هادی
 جلال زاده - سیدرضا حسین فر -
 مرتضی زراعتکار - سید محمود
 معین موسوی - لطفی حسین زاده -
 منتظری - خلیل حسن زاده مطیعی
 مصطفی کیانی - سید محمد صادق
 رسول حامدی - مصطفی رسولی -
 آذر محمد حدادی .

سقر
 * سپاهیان دانش : حسینعلی
 امیدوار - مریم مدحی - محمد
 علی سلیمانی - عنبر کوتی - ناهید
 بنی بیات
 شاه آباد غرب
 * سپاهیان دانش : کبری احمدی
 ثریا سالاری - عفت چراغ چشم -

آفیش

دیپهی و منطقی می‌تواند در ارزیابی بخش حساس آفیش ساز، معیاری کلی و در عین حال دقیق باشد. با در نظر گرفتن شالوده‌هایی که خلاقیت یک آفیش ساز را جهت می‌دهد، این پرسش‌ها می‌تواند مطرح گردد: تا چه اندازه در کار آفیش ساز فریب هست و تا چه اندازه راهنمایی؟ آفیش با در نظر گرفتن انگیزه‌های روانی و ماهیت جماعی آن، تا چه اندازه بحوزه فرهنگ نفوذ می‌کند و خود را در آن می‌گنجاند؟ تا چه حد پویایی‌بری انگیزد و تا چه حد به «ز خود بیگانگی» ناشی از کیفیت مصرف‌کنندگی دامن می‌زند؟

اینجاست که نظام اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آفیش ساز، با تمامی قوانین و ویژگی‌های خاص آن، اهمیت اساسی خود را می‌نمایاند در این حوزه وسیع و جامع، آفیش واسطه‌ای است بین تولید و مصرف. در نتیجه، نه تنها، آفیش ساز از سوی، با پرورش و شکوفان



warszawski wrzesień 19

مانده از صفحه ۴۹

«موضوع» و ارضای خواست‌ها و توقع‌های سفارش‌دهنده طرف است، بلکه از سویی دیگر با بیننده درگیری دارد. کدام بیننده؟ آیا تمام بینندگان از تمام آفیش‌ها تأثیرات یکسان می‌پذیرند؟

آنچنانکه در علامت‌شناسی مطرح می‌شود، بیننده «علایمی را بر می‌گزیند که برای او مفیدند» و با وضع و موقع و مرتبط هستند بنابراین «چه در مرحله طرح‌ریزی و چه در مرحله بهره‌برداری، علامت تابع قیود مختلف» می‌شود. برای گریز از جنبه‌های منفی این قیود، شناخت‌های تجربی و فنی «آفیش ساز هنرمند» کافی بنظر نمی‌رسد، زیرا این فقط یک جنبه کار اوست. جنبه دیگر، عمیق‌تر، حساس‌تر و ضروری‌تر می‌نماید: آفیش ساز باید بشناخت جامعه شناسانه و آگاهی اجتماعی مجهز باشد تا علاوه بر ایجاد «ارتباط لحظه‌ای» با بیننده، بنوعی تعمیم و بگونه‌ای پیش‌نگری خلاقه دست یابد.

از میان بسیاری حرف‌ها درباره هنر

تغییر «مقام شهادت» را بپذیرد .

ف . ساری

● من منکر آنم که چیزی بنام «هنر ناتوارلیست» وجود داشته باشد، و باور نمی‌کنم که روزی چنین چیزی بوجود آید. چرا که از اصل، راه و هدف هنر و طبیعت مغایر یکدیگر بوده است .

آناتول فرانس

● شهرت سراغ کسی نمی‌آید: باید استحقاقش را داشت، رنجش را کشید و به انتظارش نشست .

اوزندولاکروا

● هنرمند آفریننده زیبایی است .

اسکار وایلد

● توفیق هنرمند، پاداش بی‌نیازی اوست از حاصل تکاپوی بی‌چشمداشت خویش .

ژ . م . والتور

● استعداد هنرمندان، تنها پس از مرگ آنهاست که تغییر نام می‌دهد و نبوغ نام می‌گیرد .

گگور

● ادبیات، تاریخ، فلسفه و علوم، برای آن بوجود نیامده‌اند که خواننده و دانسته شوند و زنان و مردان بی‌سانیه و دکتر بوجود آیند ... وجود اینها، معلول علت‌هائی بس بزرگتر است !

ارنت برسو

● آنکس که در هنر بکاری تازه دست می‌زند، میباید متامنی

وزارت آموزش و پرورش

ماهنامه

سپاه دانش

شماره‌های

۷۵ - ۷۶ - ۷۷

خرداد، تیر و امرداد ۱۳۵۰



● سردبیر: کیومرث بازوکی

● با همکاری: گروه نویسندگان

● نقاشی‌ها از: جمال بخش‌پور

● نویسندگان پاسخگوی نوشته‌های خود هستند

● جای‌اداره: تهران - سازمان سپاه دانش - خیابان سپه - خیابان استخر

● تلفن: ۶۶۸۴۲۰ و ۲۴ - ۶۶۸۹۲۰

تصویرها

سخن می گویند



فوردانش وسیله سپاهان دانش در روستاها ، هر چه بیشتر گسترش می یابد

نخستین کنگ ساختمان دبستانی در قریه خوشمکان (برازجان) وسیله سپاهی دانش بر زمین زدمیشود
تین : دبستان روستای فیه (آبادان) با چین زیبایی، آماده بهره برداری شده است .





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و دانش